

# طرح حمله آمریکا به ایران از ناحیه جنوب

چندر ور پیش یک طرح سری آمریکا بی برای حمله به ایران از ناحیه جنوب با نام رمز "تریپ وایر" فاش شد. به نوشته روزنامه ساندی تایمز چاپ لندن ریوسا این طرح در زمان ریاست جمهوری کارتر ترسیم شده ولی دولت جدید ریگان آنرا کامل و دقیق کرده است. طبق این طرح که برای حمله به ایران از ناحیه جنوب تهیه شده، کشورهای ترکیه و پاکستان، کشورهای خلیج فارس مصر، سودان و سومالی و کنیا کشورهایی هستند که با اصطلاح "خط دفاعی" از آنها میگذرد و طبق طرح، نیروهای آمریکایی به این کشورها گسیل میشوند. ساندی تایمز مینویسد که آمریکا آمادگی دارد، به محض اینکه پرزیدنت ریگان موقعیت را بقدر کافی جدی تشخیص دهد (بخوان: فرصت را مناسب تشخیص داد) طرح را اجرا کند.

مقدمات اجرای طرح فراهم است. مانورهای "برایت استار" (ستاره درخشان) انجام گرفته و تمرینهای لازم را برای گسیل نیروهای نظامی به منطقه از جمله ناحیه جنوب خلیج فارس انجام گرفته است. در پایگاه نظامی دیگو گارسیا واقع در غرب اقیانوس هند مقادیر معتدبه تجهیزات جنگی برای عملیات سریع یکسپاه ۱۲ هزار نفری انبار شده است. در پایگاه مصریه در عمان نیز انبارهای مشابه کوچکتري، اسلحه و مهمات و ساز و برگ نظامی تعبیه شده است. یگانا گروه آماده حمل و نقل سریع تمام وسائل لازم برای عملیات نیروی واکنش سریع "اند" مذاکراتی که در یکماه اخیر بین سران نظامی - سیاسی آمریکا با سران نظامی - سیاسی ترکیه و پاکستان و عربستان انجام گرفته، مذاکراتی که بین کنعان اورن و ضیاء الحق - دیکتاتورهای نظامی ترکیه و پاکستان برای توسعه همکاری - های نظامی رخ داد، مذاکراتی که بین سلطان بن عبدالعزیز پسر پسر پسر پسر پسر با ضیاء الحق صورت گرفت نیز نمی تواند جدا از توطئه گسترده ای باشد که آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تهیه دیده است. اگر تشدید فعالیت ضدانقلاب "ایرانی" در منطقه مرزی ترکیه با ایران و نیز عملیات مشکوکی که در منطقه مرزی پاکستان و ایران انجام میگردد رانیز در نظر بگیریم و نیز در نظر بگیریم که تمام دولت های مرتجع منطقه همراه با برخی از دولت های غربی و در رأس همه آنها آمریکا، سیل پول و اسلحه به عراق روان ساختن تا صدام را از شکست نجات دهند، آنگاه بوضوح می توانیم مشاهده کنیم که آمریکا دارد همه مقدمات لازم را برای ایجاد "موقعیتی به قدر کافی جدی" فراهم میکند تا توطئه نظامی دیگری را به صورت اجرای طرح سری ولی فاش شده "تریپ وایر" یا طرح های دیگری که هنوز فاش نشده اند به مرحله اجرا گذارد.

قدر مسلم اینست که آمریکا به این زودیها "داوطلبانه" دست از سر ایران برنخواهد داشت. نقشه های کلم پیچ او نیز برای مسخ و به انحراف کشاندن ایران تاکنون بی نتیجه بوده است. پس از نظر آمریکا که ماجراجویی نظامی را محور اساسی سیاست سلطه جویانه خود قرار داده، راهی جز شکستن قهرآمیز انقلاب ایران به وسیله یک تهاجم نظامی جدید، باقی نمانده است. این مطلبی است که قبل از افشاء طرح "تریپ وایر" نیز - بر مبنای تحلیل واقع بینانه موضعگیری آمریکا در منطقه و نسبت به جمهوری اسلامی ایران معلوم بود. افشاء طرح "تریپ وایر" - طرح سری نظامی حمله به ایران از ناحیه جنوب - تنها تأییدی است بر صحت آن تحلیل.

ناگفته پیداست که در چنین شرایطی نمیتوان و نباید لحظه ای را برای تهیه و تدارک تمام مقدمات ضرور جهت دفع و شکستن تهاجم نظامی جدید آمریکا، به هدر داد. این دیگر با دولت جمهوری اسلامی ایران است که چگونه از تمام امکانات درون مرزی و بیرون مرزی برای تدارک هر آنچه برای عقیم کردن، دفع و شکستن تهاجم احتمالی جدید ضرور است، استفاده کند.

ممکن است چنین محاسبه کرد که آمریکا با در نظر گرفتن اوضاع بین - بقیه در صفحه ۱۲

## امپریالیسم آمریکا آتش اختلافات رادامن می زند باید از این دام شیطانی پرهیز کرد

خلق ها، یعنی امپریالیسم آمریکا، در کار تدارک توطئه ای، دسیسه ای، هجوم مستقیم و یا غیر مستقیمی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بقیه در صفحه ۲

دسیسه های امپریالیسم جنایتکار آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همواره با زمینه سازی های داخلی پیوند داشته است. هر زمان که دشمن شماره یک استقلال و آزادی

## قانونی ولی انقلابی - انقلابی ولی قانونی

مصنوع قانون را سحر کند این کوشش دوسویه یک هدف را تعقیب میکند: دلسرد کردن مردم از انقلاب اسلامی، که با اهداف مشخص انجام گرفته است: تامین استقلال، تامین آزادی ها و حقوق مردمی اقشار مختلف جامعه، تامین عدالت اقتصادی - اجتماعی از طریق احقاق حقوق مستضعفان و زحمت - کشان، که هر سه در رژیم دست نشانده ۱۲

اعلامه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اقدام توطئه گرانه و نفاق افکنانه کشتگر و هلیل رودی در صفحه ۱۰

تری - بولت فهم و درک درست موضوعی که محو اهمیت مطرح کنیم و مورد بحث قرار دهیم، بهتر است سخن را با بیان اس واقعت مشهود و ملموس آغاز کنیم که صد اغلاب برای شکستن

**با استفاده از همه وسایل! درباره انواع شگرد های امپریالیستی برای سرکوب انقلاب و انقلابیون ایران**

## الحاق بلندیهای جولان به وسیله اسرائیل یا گیری بین المللی

انجام گرفته است. نخستین گام در راه به بن بست - کشاندن بحران خاور میانه، که در نتیجه جنگ تجاوزی اسرائیل علیه کشورهای عربی این منطقه پدید آمد، موافقت نامه های کمپ دیوید بود، که با طراحی امپریالیسم آمریکا و سیاست خائنانه و تسلیم طلبانه رژیم سادات معدوم بمورد اجرا گذارده شد و بر تمامی تصمیمات و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد خط بطلان کشید. عقیم ماندن موافقت نامه های کمپ دیوید، که عامل عمده آن پیدایش "جبهه پایداری"، مرکب از رژیم های مستقل ملی و مترقی کشورهای عربی و سازمان آزاد بیخش فلسطین بود، امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل را بر آن داشت که از راه توطئه های جدید علیه کشورهای "جبهه پایداری" و پیوسته جمهوری عربی سوریه، سازمان آزاد بیخش فلسطین و لیبی، این جبهه را تضعیف کنند و راه را برای اجرای سیاست توسعه طلبانه اشغال نظامی این منطقه از جانب امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل هموار سازند. گسترش و تشدید حملات زمینی و هوایی ارتش اسرائیل به خاک لبنان و کشاندن این تجاوزات تا مرز روبرویی نظامی مستقیم با سوریه، فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی علیه لیبی و سازمان آزاد بیخش فلسطین از بقیه در صفحه ۲

دولت صهیونیستی اسرائیل روز دوشنبه ۲۳ آذر ماه ۶۰، لایحه الحاق بلندیهای جولان از خاک سوریه را، که در سال ۱۹۶۷، در نتیجه جنگ تجاوزی اسرائیل علیه کشورهای عربی اشغال شده است، از تصویب پارلمان اسرائیل گذراند این اقدام ماجراجویانه اسرائیل که در بیانیه خبرگزاری الجزایر بدرستی یک "یاگیری بین المللی" توصیف شده است، بی اعتنائی به کلیه موازین و حقوق بین المللی و پایمال کردن تمامی تصمیمات و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد و به ویژه قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد بحران خاور میانه است، که در آن ها به طور صریح از اسرائیل خواسته شده است هر زمین های اشغال شده کشورهای عربی را بید رنگ تخلیه کند و شرایط آتش بس را به طور اکید مراعات نماید.

**زاد بوسکو پروزی انقلاب ایران مانده حسودی میلیون ها مردم شوروی و محافل ترقی خواه سراسر جهان شد**

## شهیدان و غارتگران

فتح انقلاب را شهیدان رقم می - زنند. هر پیروزی در جبهه گسترده نبرد انقلاب و ضد انقلاب، به ویژه در سنگر - های جنگ تحمیلی، ثمره خون بهترین فرزندان خلق است. انقلاب اسلامی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران، جلوه دیگری از شور حماسی توده ها را بنمایش گذاشته است. توده هایی که ۳۰ سال در ویتنام رزمیدند، تا پیروزه امپریالیسم تجاوزکار آمریکا را به خاک بمانند. توده - هایی که یک میلیون شهید بنشار انقلاب الجزایر کردند تا به استقلال برسند. توده هایی که ۵۰ میلیون شهید و مجروح و معلول دادند، تا نازیسم را بگور بسیارند. توده هایی که اکنون در السالوا دور، فلسطین، نامی بیوا و هر جا که امپریالیسم به سرکردگی آمریکا حضور دارد، به نبرد تاریخی خود در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ادامه میدهند.

مردم قهرمان ما در این نبرد جهانی انقلاب و ضد انقلاب، که تحول بنیادی جهان را بسود محرومان و زحمت - کشان سبب خواهد شد، سهم بزرگی دارند. مردم دلاور ایران، که در آستانه انقلاب اول روسیه - ۱۹۰۵ - هرچم اولین انقلاب توده های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را برافراشتند، با انقلاب پیروز - مند خود، در تحولات سترگ دهه های پایانی قرن بیستم نقش مهمی را بعهده گرفتند.

توده های قهرمان ایران، که ۶۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح و معلول دادند، تا رژیم سلطنتی ۳۰۰۰ ساله را واژگون کردند، در ادامه انقلاب از نثار خون بهترین فرزندان خود دریغ نکردند.

وقتی دشمن اصلی آمریکا جنایتکار، یورش همه جانبه ای را برای تسخیر سنگر های از دست رفته آغاز کرد، مردم ایران با ایثار شگفتی آوری، همه سنگرها را پر کردند. هر شهیدی برخاک افتاد، پرچمش را صدها شهید زنده برافراشتند. هر چه دشمن در نشان تیر حملات آورد، مقاومت و دلیری خلق بیشتر شد. هر چه شهیدان خلق بیشتر شد، اتحاد نیروی بیشتری گرفت. شور حماسی خلق چنان بود که در ابتدای جنگ تجاوزکارانه صدام - آمریکا علیه ایران انقلابی، با ایثار بیدریغ خون خود راه نفوذ دشمن را سد کرد. اکنون نیز در مهمترین جبهه جنگ با امپریالیسم آمریکا، خون شهیدان است که فتح امروز و پیروزی فردا را تضمین میکند.

در این جنگ، همه شکوه مقاومت و رزم خلق جلوه گر است. رزمی حماسی، که همه اقشار خلق، جدا از مسلک و اعتقاد خود، در کنار یکدیگر می جنگند و به شهادت میرسند. و این شهیدانند که تاریخ فردا را می نویسند. فردائی که ایران انقلابی، در استقلال و آزادی بقیه در صفحه ۲

**در صفحات بعد**

**مهار مسابقه تسلیحاتی در مذاکرات زنو خواست خلقهای سراسر جهان است**

در صفحه ۳

**تدارک تب آلود آمریکا برای سرنگون ساختن رژیم ضد امپریالیستی لیبی**

در صفحه ۱۳

**سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه داری بخش دوم: نقش اقتصادی دولت انقلابی و لزوم مداخله آن در زمینه تولید کشاورزی**

در صفحه ۱۴

امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

بوده کوشیده است، تا به دست کارگران و یادی خویش در داخل، در همسوئی نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، شکاف ایجاد کند و اذهان عمومی را از توجه به مسئله اصلی، که هشیاری در برابر توطئه های امپریالیسم پلید است، منحرف سازد.

تجربه سه ساله پس از پیروزی انقلاب حاکی از آنست که امپریالیسم آمریکا همواره کوشا بوده، تا نظام تفرقه را در میان نیروهای انقلابی غلظت بخشد، از هیچ چیز، همه چیز بسازد، گاه را که نشان دهد و این نیروها را به ستیز و کشمکش بیجا برانگیزد و در پی برده دودی از این ترفندها، به نقشه های جنایتکارانه خود علیه انقلاب جامه عمل پوشد.

اکنون که یاریگر توطئه ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شدت یافته است، در داخل نیز به جو اختلاف و تفرقه دامن زده میشود. امپریالیسم آمریکا به عبت امیدوار است که، علیه رگ شکست توطئه های هفتگانه سواش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، این بار به پیروزی دست یابد و بتواند سرانجام دولت "معتدل" خود را جانشین نظام انقلابی کنونی سازد. باین منظور امپریالیسم آمریکا از هیچ تدارک نظامی و غیر نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فروگذار نمی کند: تقویت نیروهای واکنش سریع، مانورهای مشترک با مصر و سودان و سومالی و عمان، اعزام بی وقفه رسولان انحصارات نفت و اسلحه به کشور-

های مرتجع منطقه و خلیج فارس، با هدف فعال تر کردن سیاست این کشورها در خصوصت بانظام های انقلابی منطقه و بویژه ایران، تشدید تبلیغات شفاهی و کتبی، همراه با تحریف و جعل و دروغ و دشنام علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تحریکات در مرزهای ترکیه و پاکستان و کمک به ضدانقلاب فراری در این کشورها همه و همه حلقاتی از اقدامات براندازی امپریالیسم در مشرق زمین است.

در چنین شرایطی که امپریالیسم آمریکا به همه اقدامات ممکن برای وارد آوردن ضربه نهائی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست یازیده است، متاسفانه در داخل نیز توفیق یافته تا بدست آیدای ماجور و مزدور خود، در میان نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اختلاف برانگیزد، اختلافات موجود را تعمیق کند، مسائل درجه دوم و سوم را به مسائل کل رقی و وعده نزد برخی چشمان نزدیک بین بدل نماید، تا خود با فراغ خیال، تارهای توطئه را بترسد و دام را برای صید انقلاب آماده سازد. انتظار آن بود که با کنار راندن

لیبرالها و بنی صدریها و سرکوب گروه های ضد انقلابی زمینه برای وحدت عمل میان نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از هر باره مساعدتر گردد. اما اکنون بوضوح دیده میشود که امپریالیسم دغلاکار آمریکا از دیگر آیدای نا شناخته خود برای دامن زدن آتش اختلاف و تفرقه مدد میگیرد.

تفرقه افکنی در دو جبهه نیروهای تفرقه افکن در دو جبهه عمل میکنند: از یکسو میگویند نیروهای پیرو خط امام را رودر روی هم قرار دهند و از سوی دیگر به تعمیق شکاف میان نیروهای پیرو خط امام و نیروهای دیگر اندیش پشتیبان انقلاب و خط امام همت گمارده اند.

اختلاف در جبهه نیروهای پیرو خط امام، تا آنجا که مربوط به اختلاف در مواضع است، بی تردید باید مواضع راست به اصول اساسی خط امام، یعنی مقابله با امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و عمل بسود مستضعفان روشن کرد، و هر آنکس را که در این جنبه نیست و فقط در لفظ دعوی پیروی از خط امام دارد، شناخت و شناساند و از صحنه برگرداند نمود. مقصد پیروان صدیق خط امام کمک به تحقق اهداف معنالی انقلاب، یعنی محو سلطه امپریالیسم و اعتلای زندگی مستضعفان است، که در این صورت

نباید هیچگونه اختلافی پدید آید. گفته "بر محتوای امام" بنایین را بر این بگذارید که برای "حق" خدمت کنید، که در این صورت اختلاف پدید نمی آید، اختلاف مال شیطان است.

بی تردید هستند کسانی که هم چون کشمیریها و کلاهیها، با تظاهر به دینداری خود را در صفوف پیروان خط امام جازده و ذخیره امپریالیسم برای لحظه ضرور هستند. باید این کارگزاران پنهان امپریالیسم را شناخت و شناساند و اقدامات ویرانگرانه آنان را خنثی نمود. اما در آنجا که اختلاف بر سر مواضع اصولی و اساسی انقلاب نیست و فقط تفاوت در پیسندها و روشها و سلیقههاست، باید بی تردید با روش، با گذشت، با بردباری انقلابی بر اختلافات چیره شد و مانع از توفیق ضد انقلاب و امپریالیسم آمریکا در نقشه های مزورانه جدا سازی نیروهای انقلابی مسلمان گردید.

عرصه دیگر عملکرد امپریالیسم آمریکا برای ایجاد اختلاف و تفرقه، شکاف اندازی میان نیروهای مسلمان انقلابی پیرو خط امام از یکسو و نیروهای دگر اندیش پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر است. امپریالیسم آمریکا کوشاست که تا بهره برداری از زمینه های ذهنی سوءظن و بدبینی، که ارضیه شوم پنجاه سال حکومت پلیسی پهلویهاست، به ویژه میان نیروهای انقلابی مسلمان و معتقدان به سوسیالیسم علمی تفرقه اندازد، امپریالیسم آمریکا نیک میداند که اتحاد نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، و تشکیل جبهه متحدی از مسلمانان انقلابی و باورمندان به سوسیالیسم علمی تا چه حد میتواند بر توانائی های انقلاب، بر درجه استقامت آن در برابر توطئه ها و عملکرد انقلابی آن در عرصه اقتصاد اجتماعی بیفزاید. امپریالیسم آمریکا نیک میداند که چنین اتحادی، از انقلاب روئین تنسی خواهد ساخت که هیچ توطئه و دسیسه ای، هر قدر محیلهت و زیرکانه، قادر به شکست آن نیست. بر اساس چنین محاسبه ای است که سعی وهم امپریالیسم آمریکا تلاش در جهت جدا سازی نیروها و آبیاری بذر سوءظن ها و بدبینیها در نیروهای پیرو خط امام نسبت به معتقدان سوسیالیسم علمی است، که صادقانه و بیامام هستی و توان خود از انقلاب دفاع میکنند.

الحاق بلندیها

بقیه از صفحه ۱ تلاشیست که با خاطر دستیابی به همین اهداف انجام گرفته است. از سوی دیگر تحولات انقلابی که طی سه سال اخیر در این منطقه روی داد و در درجه اول پیروزی انقلاب اسلامی ضد امپریالیسم و مردمی ایران و پیروزی انقلاب دگرگون کننده خلق افغانستان توازن نیروها در این منطقه را بطور بنیادی به زیان امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل و دیگر رژیم های ضد خلقی و دست نشانده و به سود رژیم های مستقل ملی و خلقهای انقلابی دگرگون ساخت. بدنبال همین تحولات است که امپریالیسم آمریکا به تدارکات جنگی گسترده در این منطقه آغاز نمود: واحدهای بزرگ دریایی و هوایی و نیروهای واکنش سریع را در پایگاه های نظامی خود و در آبراهه های این منطقه مستقر ساخت و کسک های نظامی و تسلیحاتی خود به رژیم های ضد خلقی و دست نشانده در این منطقه را به نحو بی سابقه ای افزود. انعقاد پیمان به اصطلاح دفاعی امارات عربی و شمشین های خلیج فارس و عربستان سعودی کمک های نظامی گسترده و واگذاری اعتبارات میلیارد دلاری به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیا الحق در پاکستان، عربستان سعودی، عمان، سومالی، کنیا و تندیل سرزمین های این کشورها به پایگاه نظامی آمریکا، اجرای کودتای نظامی در ترکیه و دیگر اقدامات نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در این منطقه، حلقه های جدا گانه یک نقشه نظامی - استراتژیکی واحدی را در این منطقه تشکیل میدهند، که هدف اصلی

اتحاد نیروهای انقلابی

ضمین پیروزی نهایی انقلاب است

هشیاری امام خمینی باید همگان را نیز هشیار کند که چه نیکو دستهای نامرئی تفرقه افکن را می شناسند و چه درست و بطور مداوم بر لزوم "وحدت کلمه" تاکید دارند. سخنان امام را به یاد آوریم که میگویند: "هر کس در محل خودش مردم را تنبه بدهد به اینکه این اختلاف جز برای اینکه به هم بزنند اوضاع ایران را و بیازم مسلط کنند بر ما قدرت های بزرگ را، چیز دیگری عایدمان نمیشود و البته از اول هم این اختلافات با از جهل پدید آمده است و با از اینست که باز دستهای در کار بوده است که نگذارند یک مملکتی وحدت کلمه داشته باشد."

(سخنان امام در دیدار با ائمه جمعه) دستهای تفرقه افکنی که قصد سرنگونی نظام مردمی و برقراری استبداد مجدد امپریالیسم را بر میهن ما دارند، باید شناخت، شناساند و قطع کرد. باید به اهمیت و صلابت گفته "بر محتوای امام خمینی" که:

"اگر اختلافات داخل اوج بگیرد، دیگر احتیاجی به توطئه خارج هم نیست". عمیقاً بی برد و از هرگونه خودی ستیزی و دگر ستیزی بیجا، که کمال مطلوب امپریالیسم به سرکردگی آمریکا است، جدا بپرهیز داشت. تنها در سایه اتحاد همه نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، میتوان بر جبهه "گراگان متحد ضد انقلاب پیروز شد".

پایگاههای آمریکا در یونان

خطری برای صلح اروپا و خاور نزدیک

این استراتژی چهار پایگاه بزرگ نظامی و بیش از ۲۰ پایگاه کمکی ایالات متحده را در بر میگیرد که "واشینگتن"، پس از عقد قرارداد در سال ۱۹۵۳، به گسترش آنها پرداخت. این قرارداد، که در آن هنگام تنها برای پنج سال بسته شد، ایالات متحده آمریکا را از "لنگرگاه های مطمئن" در خلیج فالرون، در نزدیکی آتن و بندر پیرئوس بهره مند ساخت.

چهار پایگاه بزرگ آمریکا در ایالات متحده عبارتست از: سودا (کرت)، مجهز به انبارهای سوخت و مهمات برای نیروی دریایی ایالات متحده، گورنوس، در نزدیکی ایراکلیون (کرت) برای مراقبت هوایی الکترونیکی، مثا ماکریا، در ۵۰ کیلومتری شرقی آتن، مجهز به تجهیزات ردیابی در

پاپاندرئو، نخست وزیر جدید یونان، اعلام داشته است که درباره پایگاه های ایالات متحده در یونان با آمریکا بار دیگر مذاکره خواهد کرد. در زیر به بررسی عمده ترین این پایگاه ها و اهمیت آنها می پردازیم:

یونان در نقشه های تجاوز کارانه "ناتو" درمدرتانه اهمیت نظامی - استراتژیکی بسزایی دارد. بگفته نظامیان آمریکایی، از خاک یونان میتوان راه دریایی میان دریای سیاه و دریای اژه و بخشهای وسیعی از مدیترانه خاوری را به خوبی زیر نظر گرفت. در نقشه های "پنتاگون" گستره فرماندهی عالی "ناتو" در اروپای جنوبی - که ایتالیا، ترکیه و از پانز ۱۳۵۹ بار دیگر یونان را در بر میگیرد - بخاطر عملیات تهاجمی هوایی و زمینی، علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای خاور نزدیک دارای اهمیت ویژه است.

منطقه بالکان، آتن، مجهز به خطوط ارتباطی نیروهای مسلح ایالات متحده با گستره مدیترانه و فرودگاه هلنیکون. یاد آور می شویم، که این فرودگاه قرارگاه بمب افکن های هسته ای نیروی هوایی آمریکا است.

در پایگاه های "السیس و لانگ کاداس و غیره، که در سراسر کشور پراکنده اند، کلاهک های اتمی نگهداری میشود.

پایگاه های نامبرده بظاهر مدتهاست که تحت فرماندهی افسران یونانی قرار دارند. اما در واقع این به جز پوششی برای نظارت کامل ایالات متحده آمریکا بر این پایگاه هانست. سالهاست که درباره موقعیت این پایگاه ها میان آتن و "واشینگتن" مشاجره ادامه دارد.

پاکستان در دست تدارکات است، بر پایه همین سیاست نظامی - استراتژیکی امپریالیسم آمریکا در منطقه باید مورد توجه قرارداد و برای در هم شکستن این سیاست، تداوم بنیادی و جدی در سطح منطقه اتخاذ نمود.

به عقیده ما، چنانکه بارها برای مطلب تاکید داشته ایم، نخستین اقدام ضرور و مهم برای رویارویی با سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل و رژیم های ضد خلقی و دست نشانده آمریکا در این منطقه تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیسمی، مرکب از تمام کشورهای مستقل ملی، نیروهای مترقی و جنبش های ضد - امپریالیسمی و رهاشی بخش در این منطقه است. این جبهه میتواند تمام کشورهای و نیروهای ترقیخواه و استقلال طلب را، بدون از هرگونه پیش داوری های مبارزه واقعی علیه صهیونیسم و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خود متحد سازد. برای تشکیل چنین جبهه ای واقع بینی اصولی و شناخت عمیق از نیروهای طرفدار آزادی و استقلال و صلح، چه در سطح منطقه و چه در مقیاس جهانی، از پیش شرط های ضرور و حیاتی است. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و رژیم های ضد خلقی و دست نشانده، چه در منطقه و چه در مقیاس جهانی، در جبهه واحدی علیه نیروهای ترقیخواه و طرفدار آزادی و استقلال خلق ها عمل می کنند.

این واقعیتی است غیر قابل انکار، پس برای رویارویی با چنین اتحاد شیطانی بر ضد آزادی و استقلال خلق ها، همبستگی و اتحاد همه کشورها و خلق های آزادیخواه و استقلال طلب امری است ضرور و مهم.

آن، شکستن انقلاب های ضد - امپریالیسمی خلقها و براندازی رژیم های مستقل ملی و مترقی در این منطقه برقراری مجدد سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا بر سراسر این منطقه و بازگرداندن منبع ثروت های طبیعی خلق های این منطقه به انحصارات امپریالیسمی است. در این میان دولت صهیونیستی اسرائیل، که از همان آغاز تشکیل خود و اوج گیری جنبش های انقلابی و رهاشی بخش خلق های این منطقه، همواره نقش دستیار امپریالیسم آمریکا را بر عهده داشته به نیروی ضربتی و متحد استراتژیکی آمریکا تبدیل گردیده است، با برخورداری از کمک های نظامی همه جانبه و حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا به تجاوز نظامی و تحقق بخشیدن به سیاست توسعه طلبانه خود در این منطقه پرداخت.

پیمان استراتژیکی آمریکا و اسرائیل که چندی پیش منعقد گردید، نقش اسرائیل را بعنوان نیروی ضربتی امپریالیسم آمریکا و تبدیل عملی آن به یکی از ایالات متحد آمریکا در این منطقه تاکید نمود.

بدینسان تصمیم دولت صهیونیستی اسرائیل مبنی بر الحاق بلندی های جولان از خاک جمهوری عربی سوریه به اسرائیل را با یستی در متن کلی این سیاست امپریالیسمی و صهیونیستی بررسی نمود. همچنین طرح های توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی در ایران تحریکات و توطئه های امپریالیسم آمریکا، چین و پاکستان علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و نیز جدیدترین توطئه - براندازی از جانب امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، که بنا به اعتراف روزنامه "ساندی تایمز" در کشورهای همجوار ایران، یعنی ترکیه و

تروریست های اقتصادی به فارت بی - پایان مردم پیوسته دامن میزنند. از یک سو دشمن در جبهه ها از رزمندگان جان می ستاند و از سوی دیگر کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان آخرین دینار پدران و مادران و فرزندان و همسران آنها را بفارت می بزنند. و تروریست های اقتصادی چنان گرم ترور اقتصاد کشور و تاراج ثمره حیات زحمت کشانند، که وقتی هنگام پس دادن حساب میرسد، یک قلم به پرداخت ۴ میلیون تومان جریمه محکوم میشوند! حساب فارتی را کنید که جریمه آن ۴۰ میلیون تومان است!

این غارتگران از متجاوزان آمریکا - صدامی دست کمی ندارند، بلکه به یک معنی خطرناکترند. این دشمنان همه جا حاضر، که حتی سفره بی رنگ فقیران از دستبرد آنها مصون نیست، ظاهراً هیچ جانتستند. رویا روحا ضرر نیستند، نمیشود، وقتی ما با حیا زندگی

را امروز چند بر آرد بیروز فردا چند بر آرد امروز بخری، آنهارا ببینی. اما این غارتگران همه جا هستند. بر پهنه وسیع اقتصاد کشور چنگ انداخته اند. اینجا هم جبهه تیردگسترده ای است. اینجا هم دشمن به هزار رنگ و نیرنگ حضور دارد. اگر یک گلوله توپ ده بار نفر را می کشد، یک بده بوستان ساده تلفنی بر سر فلان کالا، زمینه ترور میلیونها نفر را فراهم میکند.

خون شهیدان خلق، آنهمه خون پاک که نثار پیروزی انقلاب میشود، در این جبهه گسترده هم پیروزی طلب میکند پیروزی در این جبهه نیز، اگر چه دشواری دارد، اما با ابزار قانون و به پشتوانه توده ها، ممکن است. نبود در این جبهه رانیا بد به تاخیر انداخت. پیروزی در این جبهه اساسی، در پیوند با پیروزی در جبهه های جنگ تحمیلی است که پیروزی نهائی را رقم میزند.

خون شهیدان و قبا کرباسی ها کز جبهه ها با نثار خون خود، و جیب به جیب، پیش می روند، تا میهن انقلابی را از لوث دشمن متجاوز پاک کنند. درست در همان حال که تروریستهای ضد انقلابی، پاسداران و مدافعان انقلاب را ترور میکنند، درست در همان حال که خون، بهای آزادی است،

شهیدان

بقیه از صفحه ۱

زندگی نوین خود را میسازد. شهیدانی که امروز "بستان" را فتح میکنند، تا فردا ایران سراسر "بستان" شود. بیپوده نیست که توده ها، در مراسم تشییع پیکرهای گلگون شهیدان چنین به خروشی آیتند و با فریادهای توفانی "مرگ بر آمریکا"، خشم خود را بر دشمن اصلی میکنند. و درست در همان حال که فرزندان پاره نه ها و قبا کرباسی ها کز جبهه ها با نثار خون خود، و جیب به جیب، پیش می روند، تا میهن انقلابی را از لوث دشمن متجاوز پاک کنند. درست در همان حال که تروریستهای ضد انقلابی، پاسداران و مدافعان انقلاب را ترور میکنند، درست در همان حال که خون، بهای آزادی است،

افشای اطلاعاتی جدید

درباره

تبهکاریهای "سیا"

"سیا"

یک سازمان تروریستی

است

درباره "سازمان جاسوسی آمریکا" (سیا) در روزها و هفته‌های اخیر اطلاعات جدیدی فاش شد، که حاکی از کیفیت عالی فعالیت‌های (سیا) است. (بنقل از ویلیام کیسی رئیس "سیا" در روزنامه "دی ولت" (آلمان غربی) ۱۲ تیر ۱۳۶۰)

نخستین خبر به خود ویلیام کیسی مربوط می‌شود. بنوشته "مجله" آمریکایی "نیوزویک"، وی نقشه قتل معمر قذافی، رهبر لیبی، را ریخته‌پوشه است. هر چند کیسی کوشید ماست تا این اخبار را انکار کند، اما پس از نقشه‌های جنایتکارانه "سیا" در سالهای ۱۹۶۰ و ۷۰ در مورد لومومبا و آلنده، امروز حتی در ایالات متحده آمریکا هم دیگر کسی به این گونه "تکذیب"ها اعتقادی ندارد.

خبر دوم درباره کسی است که تا به حال چندین بار در لیست افرادی قرار داشته‌است، که می‌باید از سوی قاتلان "سیا" از پای درآیند و اگر نقشه قاتلان عظمی می‌شد قاعدتاً دیگر نمی‌باید زنده می‌بود. این فرد فیدل کاسترو رهبر کوبا است. فیدل کاسترو چند هفته پیش سازمان جاسوسی آمریکا را متهم ساخت که، با شروع جنگ میکروبی علیه کوبا، مسبب مرگ ۱۳ نفر، از جمله ۱۸ کودک شده‌است. "سلاح" این جنگ، میکروبی است که تا بدان هنگام در کوبا بکلی ناشناخته بود.

خبر سوم، که گزارش "فرانکفورت" رونداشو (۵ مرداد ۱۳۶۰) از وزارت دفاع آمریکا به خارج رخنه کرده‌است، از مداخلات "سیا" در افغانستان حکایت می‌کند. برخی از جزئیات این مداخلات شرح زیرین است:

\* "سیا" عملیات مسلحانه ضد انقلابی را علیه افغانستان هماهنگی می‌بخشد.

\* علاوه بر آمریکا، از جمله کشورهایی که ضد انقلابیون افغانی زیر نظر و با پول آنها به فعالیت‌های تروریستی و خرابکارانه دست می‌زنند، عبارتند از: چین، مصر، عربستان سعودی و پاکستان.

\* "سیا" هر سلاحی را در اختیار باندهای ضد انقلابی افغانستان نمی‌گذارد، بلکه "دقت دارد که تنها سلاح‌های ساخت شوروی یا جنگ افزارهای تقلیدی و متداول در "پیمان ورشو" به آنها داده شود.

\* بخشی از اسلحاهای "اصیل شوروی" محصول حاتم بخشی "انور سادات رئیس جمهور معدوم مصر است. سلاح‌های "بدلی"، چنانکه یکی از کارشناسان نظامی آمریکا به "خبرگزاری فرانسه" اعتراف کرده‌است، در پاکستان تولید می‌شود. این سلاح‌ها هزاران کلاشینکف "۴۷" را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، در حالی که ریگان پیوسته اتحاد شوروی را به سداخله در افغانستان متهم می‌سازد، دم خروس را نزد "سیا" می‌یابیم.

اما خود "سیا" درباره این رسوایی‌ها چه می‌گوید؟ ریچارد هلمز، رئیس سابق "سیا" و سفیر پیشین آمریکا در ایران، در پاسخ به سوالی همانند گفته‌است: باید بماند اعتماد نکنید. ما دهمای شریفی هستیم!

تظاهرات بی سابقه ۵۰۰ هزار نفری در واشنگتن در مخالفت با سیاست نظامی ریگان، تظاهرات بی سابقه ۵۰۰ هزار نفری در بن، ۲۵۰ هزار نفری در لندن، ۳۰۰ هزار نفری در پاریس، ۱۵۰ هزار نفری در رم، ۲۰۰ هزار نفری در بروکسل، ۱۵۰ هزار نفری در فنلاند... امواج طوفان آسای صلح طلبانه، اعتراض خشمگین نسبت به تصمیم آمریکا به تولید بمب هسته‌ای نوترونی، به استقرار موشک‌های برد متوسط در اروپای غربی، به امکان جنگ هسته‌ای - موشکی "محدود"، به تازانیدن مسابقه تسلیحاتی و راندن جهان بسوی فاجعه جنگ مخوف جهانی - این یکی از عواملی بود که آمریکا را مجبور کرد به مذاکره پیشنهادی اتحاد شوروی برای تحدید سلاح‌های هسته‌ای - موشکی در اروپا تن در دهد. مذاکرات در ژنو آغاز شد.

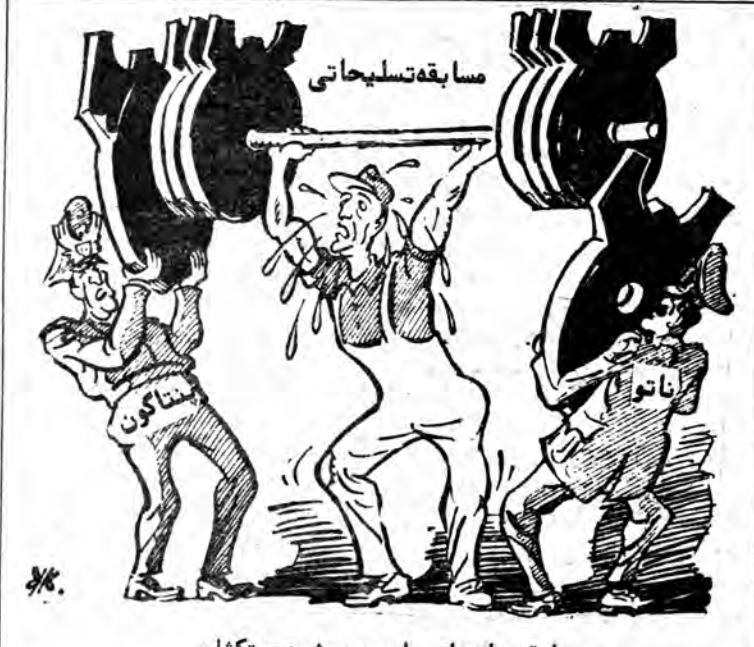
مضمون از جوسازی‌های تبلیغاتی بتواند در محیطی نسبتاً آرام انجام گیرد، طبق توافق طرفین مذاکره، قرار بر این شده است که تا پایان مذاکره از نشر اخبار مربوط به جریان مذاکره، خودداری به عمل آید. این توافق ویژه این مذاکرات نیست. تمام مذاکراتی که تاکنون در زمینه مهم مهار مسابقه تسلیحاتی انجام گرفته، همراه با توافق پرهیز مودک از پخش اخبار مربوط به جریان آن بوده‌است. ولی محافل تشنج طلب آمریکایی، هنوز مذاکرات ژنو آغاز نشده، به تلاش برای شکست آن افتاده‌اند. این تلاش را از جمله در تصویب ساخت هواپیما - های استراتژیک "ب-۱" و سیستم موشکی "ام-۱" می‌توان بوضوح مشاهده کرد، که از سنای آمریکا گذشت. دولت آمریکا در واقع، با این عمل می‌خواهد بگوید که، علیرغم هرگونه مذاکره، آمریکا مسابقه تسلیحاتی را دنبال خواهد کرد و به تازانیدن مسابقه تسلیحاتی برای کسب برتری نظامی ادامه خواهد داد. اتحاد شوروی برای عقیم کردن

جمعی، به زیان جنگ و جنگ طلبان و تجاوزگران و بسود صلح و خلق‌های همه کشورهای جهان است؟ فرض کنیم (و هر عقل سالمی امیدوار است که این فرض تحقق یابد)، فرض کنیم که مذاکرات ژنو به نتیجه برسد، یعنی طرفین مذاکره توافق کنند که مسابقه تسلیحات هسته‌ای - موشکی متوقف شود. برای برتری قدرتی نظامی در سطحی هر قدر ممکن، پائین تر حفظ شود، و یا بهتر از آن، این تسلیحات از طرفین تقلیل داده شود، و یا از آن هم بهتر، تسلیحات هسته‌ای - موشکی (طی سلسله مذاکراتی استعمالی و ذخیره آنها بکلی ممنوع اعلام شود، آیا یک چنین نتایجی، در هر کدام از مراحل که بر شمریم، به سود کیست؟ جز بسود صلح، بسود امنیت خلق‌ها، به سود آسایش بشریت؟ سخن امام خمینی را باید در اینجا نقل کرد که: ما حتی خواستاریم که در جهان باروت هم نباشد.

فنی که اکنون صرف تسلیحات و نیروهای مسلح می‌کند، بکاهد و این نیرو را در عرصه رشد اقتصاد و ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی خلق‌های خود مصرف کند و در نتیجه با سرعت بیشتر برتری نظام سوسیالیستی را بر نظام سرمایه‌داری در معرض دید جهانیان بگذارد. ثانیا در شرایط صلح و آرامش بین المللی خلق‌ها بهتر و آسانتر می‌توانند برای استقلال، آزادی رشد و ترقی کشورهای خود مبارزه کنند و این مبارزه را به پیروزی نهایی برسانند. امپریالیسم، برعکس، خواهان تشنج، مسابقه تسلیحاتی، جنگ‌های "منطقه‌ای"، اعمال سیاست "حرکت بر لبه پرتگاه جنگ" هست، که هر لحظه ممکن است، آفریننده فاجعه جنگ جهانی هسته‌ای - موشکی شود. این سیاست امپریالیسم نژادپرستانه است. امپریالیسم با مسابقه تسلیحاتی و تحمیل آن بر اتحاد شوروی، باعث کندی رشد جامعه سوسیالیستی میشود. در عوض انحصارات اسلحه‌سازی امپریالیستی

مهار مسابقه تسلیحاتی در مذاکرات ژنو

خواست خلق‌های سراسر جهان است



مسابقه تسلیحاتی باری بردوش زحمتکشان

این گونه تلاش‌ها، برای گشایش راه پیشرفت مذاکرات، پیشنهاد کرده‌است که در مدت مذاکرات ژنو، مسابقه تسلیحاتی در زمینه ساخت و استقرار سیستم‌های اسلحه جدید، در معرض "وقفه" (موراتوریم) قرار گیرد، تا محیط سالم تری برای پیشرفت مذاکرات فراهم آید. این پیشنهاد، با شروع به ساخت "سریال" هواپیماهای استراتژیک "ب-۱" و موشک‌های "ام-۱" یکساز طرف آمریکا رد شد.

تلاش خرابکارانه و کارشکنانه امپریالیسم آمریکا وقتی آشکارتر میشود که توجه کنیم اتحاد شوروی، ضمن پیشنهاد "موراتوریم" اعلام کرده‌است که اگر این پیشنهاد، از جانب آمریکا پذیرفته شود، اتحاد شوروی آماده‌است حتی بخشی از نیروهای موشکی میان برد خود را یکجانبه از منطقه اروپای شوروی برچیند، تا راه پیشرفت مذاکرات هموارتر گردد.

در عرصه تبلیغاتی نیز "امپریالیسم خبری" بی‌کار ننشسته‌است. دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم یک نفسا این دروغ بزرگ را اشاعه میدهد که "خطر شوروی" به چنان درجه‌ای رسیده و قدرت نظامی شوروی بحدی برتری یافته، که در هر لحظه می‌تواند و نه فقط می‌تواند، می‌خواهد اروپا را به بلعد و بیگانه چاره برای دفع این "خطر" برتری آمریکا و متحدانش بر شوروی و متحدان او است، یا به عبارت دیگر، تازانیدن هر چه شتابان تر مسابقه تسلیحاتی است، این یک "خط" تبلیغ است.

مذاکره‌ای بین دو طرف، که دو موضع گیری، مخالف یکدیگر داشته باشند، اگر منتج به نتیجه شود به توافق طرفین رسید "سازش" است. اما سازش داریم تا سازش اگر مضمون و هدف مذاکرات ژنو سازش برای ادامه مسابقه تسلیحاتی، ادامه راندن جهان بسوی جنگ بود، این مذاکرات، در صورت حصول توافق، بین المللی، به زیان صلح، به زیان امنیت بین المللی، به زیان خلق‌ها و بشریت سازشی بود ضد بشری. ولی مضمون مذاکراتی که در ژنو جریان دارد برای دست یافتن به "سازش" است، که اگر تحقق پذیرد، سدی بوجود خواهد آورد در برابر نظامیگری افسارگسیخته، که محور سیاست امپریالیسم آمریکا است. این "سازش" پیروزی صلح بر جنگ خواهد بود.

سودهای کلان می‌برند. امپریالیسم با مسابقه تسلیحاتی و تحمیل آن بر دیگر کشورها، مانع رشد همه این کشورها میشود. ایجاد تشنج و جنگ، سلطه خود را بر کشورها - های "جهان سوم" برقرار میکند. در این کشورها، دیکتاتورهای نظامی بر کرسی قدرت حاکم می‌نشانند، این کشورها را غارت می‌کند. امپریالیسم اسارتگر و سلطه‌جو است و زور نظامی بزاری است که امپریالیسم به کمک آن خلق‌ها را به اسارت می‌کشد و کشور را زیر سلطه درمی‌آورد. نامندگان دولت آمریکا، که اکنون در مذاکرات ژنو ناچار و با مجبار شرکت دارند، یقیناً نه در جهت پیشرفت مذاکرات و حصول توافق، نه در جهت مهار مسابقه تسلیحاتی کوشا هستند. بار تمام کوشش و تلاشی که می‌بایستی برای کشاندن آمریکا به "سازش" به قبول "تحدید تسلیحات هسته‌ای - موشکی" انجام گیرد، بردوش نمایندگی اتحاد شوروی است. توفیق در این تلاش، پیروزی نیروهای صلح طلب سراسر جهان بر نیروهای جنگ افروز امپریالیستی است. خلق‌ها و زحمتکشان سراسر جهان طالب صلح‌اند و خواستارند که مذاکرات ژنو به نتیجه مطلوب برسد. اینکه مشاهده میشود حتی شروع مذاکرات ژنو، باعث شده‌است که نفس آرامی از سینه صدها میلیون انسان در سراسر جهان برآید، نمایشگر صلح - خواهی خلق‌های جهان، آرزوی آنها به تحقق مرجحاتی است که اتحاد شوروی است. بگذار این آرزو برآورده شود.

دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی

جمهوری دموکراتیک خلق کره

پس از شکست نیروهای میلیتاریسم ژاپن توسط ارتش شوروی در تابستان ۱۳۲۴ (اوت ۱۹۴۵) انقلاب خلقی و دموکراتیک سراسر سرزمین کره را فراگرفت. اما روند انقلابی تنها در بخش شمالی کره - به خاطر حضور موقت نیروهای شوروی - تداوم یافت و حاکمیت زحمتکشان برقرار شد. در بخش جنوبی کره، نیروهای آمریکایی با زور اسلحه "کمیته‌های خلقی" را منحل و حرکت انقلابی را سرکوب کردند.

اجتماعی کردن تولید موجب به وجود آمدن بخش سوسیالیستی تولید شد و تغییرات اساسی در زمینه های اقتصادی و اجتماعی به نوبه خود شرایط لازم را برای ساختمان سوسیالیسم در این کشور ایجاد کرد. خلق کره برای اجرای برنامه های رشد اقتصادی خود از کمک های برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی برخوردار گشت. در حالیکه در آن دوران پس از جنگ، اتحاد شوروی خود با مشکلات فراوانی دست بگریبان بود، ماشین آلات، سوخت، تجهیزات، مواد اولیه و مصالح مختلف و مواد غذایی به کره شمالی ارسال می کرد.

تلاش پیگیر خلق کره و کمک های بی توقع اتحاد شوروی ثمرات خود را سریعاً به بار آورد و اقتصاد دویران کره شمالی در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۸) کمر راست کرد.

در ۱۸ شهریور ۱۳۲۴ (۹ سپتامبر ۱۹۴۸) "جمهوری دموکراتیک خلق کره" ایجاد شد و اولین قانون اساسی آن به تصویب رسید. جنگی بعد (در پایان سال ۱۹۴۸) نیز هوای اتحاد شوروی خاک کرده دموکراتیک را ترک کردند.

یکسال بعد (۱۹۵۰) جنگ تجاوز - کارانه امپریالیسم آمریکا و ارتجاع کره جنوبی علیه کره دموکراتیک آغاز شد و سه سال بطول انجامید. خلق کره سر - سخنان از استقلال و آزادی خود دفاع کرد و در این امر از کمک های کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی جهانی برخوردار شد. این جنگ خانمانسوز لطافت سختی بی اقتصاد ملی کره دموکراتیک وارد ساخت و صدها هزار کشته و میلیونها بی خانمان بر جای گذاشت.

بازسازی شهرها و روستاها، کارخانه های صنعتی، مدارس، وسائل حمل و نقل و غیره به تلاش عظیمی نیاز داشت. کشورهای سوسیالیستی علاوه بر کمک مالی (۷۵۰ میلیون روبل کمک بلاعوض) متخصصان خود را به کره دموکراتیک اعزام داشتند، تا دوش به

دوش خلق این کشور در امر بازسازی اقتصادی آن شرکت کنند. طی ۸ سال، بیش از صد موسسه صنعتی و اقتصادی ترمیم یا ایجاد شد.

در تابستان ۱۳۳۷ (اوت ۱۹۵۸) کلیه بهره برداریهای خصوصی، به بهره برداریهای اشتراکی تبدیل شد و صنعت و بازرگانی خصوصی به مالکیت اجتماعی درآمد و بدین ترتیب مناسبات تولید سوسیالیستی در شهر و روستا استقرار یافت.

بیست سال پیش (سپتامبر ۱۹۶۱) چهارمین کنگره حزب کار کره برنامه گسترده ای را به منظور ایجاد پایه های مادی و فنی سوسیالیسم تصویب کرد. برنامه صنعتی کردن و تجهیز اقتصاد ملی از نظر فنی تا اوائل سال های ۷۰ تماماً به مرحله اجرا درآمد و "جمهوری دموکراتیک خلق کره" سطح یک کشور سوسیالیستی ارتقاء پیدا کرد. طی برنامه شش ساله (۷۶ - ۱۹۷۱) دولت کره دموکراتیک سیاست رشد کشاورزی را به مرحله اجرا درآورد. با ایجاد ۱۱۷ مخزن آب و ۹۰۰۰ تلمبه خانه، حدود ۴۰۰ هزار هکتار زمین بایر به زیر کشت درآمد.

همچنین با ارتقاء سطح فنی در کشاورزی، همراه با سازماندهی بهتر کار و استفاده از روشهای نوین کشاورزی، بازده محصولات کشاورزی سال به سال افزایش یافت. موفقیت های بدست آمده در زمینه اقتصادی موجب ارتقاء مستمر رفاه اجتماعی زحمتکشان گردیده است. سیستم بهداشت رایگان با موفقیت عمل می کند و شرایط کار و استراحت زحمتکشان بی وقفه بهبودی یابد. شبکه استراحتگاهها گسترش می پذیرد و نظام تامین اجتماعی و بیمه برای همگان وجود دارد. شرایط مسکن و زندگی زحمتکشان روز به روز روبه بهبود است. از نظر آموزشی و فرهنگی نیز کره دموکراتیک به موفقیت های چشمگیری دست یافته است. در این کشور نظام تحصیلات اجباری یازده ساله برقرار گشته و در حدود ۹۰۰۰ مدرسه متوسطه، ۶۰۰ آموزشگاه متوسطه تخصصی و ۱۵۵ دانشگاه و موسسه آموزش عالی وجود دارد.

مسئله تربیت نیروی کار متخصص نیز حل شده است و هم اکنون حدود یک میلیون مهندس و تکنیسین در این کشور بکار اشتغال دارند.

نتایج بدست آمده در سال های نخست برنامه هفت ساله کنونی (۱۹۸۴ - ۱۹۷۸) چشم انداز امیدبخشی را در اجرای این برنامه نوید می دهد. در سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۷۸ تولید صنعتی ۳۴/۵٪ افزایش یافت. در سال ۱۹۷۹ تولید برق ۱۴٪، تولید فولاد نورد شده ۱۵٪، کود شیمیایی ۱۳٪ و سیمان ۲۱٪ افزایش نشان داد. محصولات غلات در این سال به بالاترین میزان خود یعنی ۹۰ میلیون تن رسید.

"جمهوری دموکراتیک خلق کره" طی ۳۳ سال حیات خود، با تلاش پیگیر خلق و با کمک بدون چشمداشت کشورهای سوسیالیستی، از یک کشور عقب مانده به یک کشور شکوفای سوسیالیستی، مبدل شده است.

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۷)

نخستین انقلاب ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در فلسطین

فلج و گمراهی دچار گردید. تحت چنین شرایطی بود که حزب کمونیست فلسطین از رهبری انقلاب کناره گرفت و گروه های ارتجاعی کمیته اجرائی عربی، رهبری انقلاب را در دست گرفتند.

حزب کمونیست فلسطین

حزب کمونیست فلسطین، که ۵۲



رزمندگان نخستین انقلاب فلسطین

در تابستان ۱۳۰۸ (اواسط ماه اوت ۱۹۲۹)، "صهیونیست های فاشیست" (۱) در حمله های عرب نشین بیت المقدس در نزدیکی "دیوار صهیون" نمایش های خیابانی، با شعارهای ضد - عربی، به راه انداختن سوی دیگر کمیته اجرائی کنگره فلسطینی عربی، نمایش اعتراض آمیزی را در همان حوالی

برپا داشت در این بین از سوی استعمارگران بریتانیا، نیروهای از مصر و مالت به فلسطین اعزام شدند. آنگاه زد و خورد های فردی میان عرب و یهود اوج گرفت و بزودی جنبش ملی، با خصلت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی سراسر سرزمین فلسطین را فراپوشاند. در ۱ شهریور ۱۳۰۸ (۲۳ ماه اوت ۱۹۲۹) جنبش خودپو و دامنگستر سرگرفت. به پا خاستگان از قشرها و طبقات زحمتکش و محروم بودند. این جنبش، که به کشور - های همسایه نیز راه یافت، زیر شعار های اساسی یعنی لغو سرپرستی بریتانیا و واگذاری استقلال به فلسطین، الغاء "اعلامیه بالفور"، پایان بخشیدن به مهاجرت صهیونیست ها به سرزمین فلسطین و خرید زمین های عربی توسط صهیونیست ها گسترش یافت. در ناپلس مردم به پادگان ها یورش بردند، پرچم بریتانیا را به زیر آوردند و به جای آن پرچم فلسطین عربی را برافراشتند. آنها در حیفا بریگان های دریا برد بریتانیا شبخون زدند و در عکا کوش - های بی برای کشودن زندان و رها ساختن زندانیان انجام دادند.

در مبارزات عربها علیه امپریالیسم بریتانیا، زحمتکشان یهود، که بین منافع خود و توده های عرب همپیوندی می - دیدند، هم دوش شدند.

بیکار قهرمانانه مردم فلسطین، از یاری و همدردی بی دریغ خلق های عرب برخوردار شد. در مرزهای فلسطین نیز ناآرامی های بسیار به چشم می خورد. سرانجام در اواسط شهریور ۱۳۰۸ (آغاز ماه سپتامبر ۱۹۲۹) بریتانیا شراره های انقلاب را در خون فرونشاند. در جریان این خیزش توده ای ۳۵۱ تن فلسطینی کشته و ۱۷۱۹ تن زخمی شدند. این انقلاب، "انقلاب براق شریف" نام گرفت.

علل شکست انقلاب

توده های کشاورز به نبرد چهره - محلی میدادند و دشمن اصلی خویش امپریالیسم استعمارگر بریتانیا را به درستی نمی شناختند و نیروی پر توان انقلابی خود را فقط بر سر رویا و رؤیای فتوالات ها و کوچ نشین های صهیونیست می نهادند. دیگر آنکه، آشفستگی بر جنبش طبقه کارگر فلسطین حاکم بود. جنبش کارگری ترقی خواه - خواه عرب یا یهود در اوایل دهه بیست و اوایل دهه سی، ضربات شکننده ای را تحمل کرد و به نوعی

خطاهای پیشین زد و دوشعارهای بیرین را طرح کرد: "حتی یک دونم زمین به غاصبان امپریالیست و صهیونیست ندهید!" "زمین های متعلق به دولت توسعه طلبان یهودی ثروتمند و گروه های صهیونیست و زمینداران و کشت - کاران بزرگ عرب را مصادره انقلابی کنید!" "توافق درباره فروش زمین ها را هرگز به رسمیت نشناسید!" "علیه غاصبان صهیونیست مبارزه کنید!"

"انترناسیونال کمونیستی" بنوبه خود از کجروی های حزب کمونیست فلسطین انتقاد به عمل آورد و بر ضرورت جلب زحمتکشان عرب به صفوف حزب و رهبری آن و بر شرکت کمونیست هادر مبارزه آزادبخش ملی تاکید ورزید.

دوران پس از سرکوب انقلاب ۱۳۰۸ (۱۹۲۹)

امپریالیسم بریتانیا و کارگزارانش با وجود دو آندن تیغ خونبار سرکوب از هر سو، برای فرونشاندن موج خروششان انقلاب را نداشتند. جنبش آزادبخش ملی در سالهای ۱۳۰۹ - ۱۳۲۳ (۱۹۳۰ - ۱۹۳۵) دگر بار سراسر کشور را در بر گرفت. در پائیز ۱۳۰۹ (اکتبر ۱۹۳۰) لرد پاسفیلد، وزیر مستعمرات بریتانیا یادداشتی منتشر ساخت که در آن برخی از خواست های توده های عرب بازتاب یافته بود. این یادداشت حاوی مواد زیرین بود:

۱- شمار یهودیان ساکن فلسطین نباید از "گنجایش اقتصاد آن" بیشتر گردد. ۲- برای جا دادن یهودیان، دیگر زمین تهی و آزادی در کشور نمانده است و باید در آینده تنها از زمین های آباد نشده گسترده ای که اکنون به گونه "اندوخته" در دسترس صهیونیست هاست، بهره برداری شود. ۳- نمایندگی یهودی را نمی - توان در فرمانروایی کشور شریک ساخت. ۴- پایه گذاری "سرزمین ملی یهودیان تنها کار بنیادی اداره سر - پرستی فلسطین نیست و تعهد ها و مسئولیت های دولت سرپرست در برابر عرب و یهود یکسان است.

یادداشت پاسفیلد به هیچ رو مورد استقبال سیاستمداران برجسته بریتانیا و رهبران "سازمان صهیونیسم جهانی" قرار نگرفت. همین امر سبب تجدیدنظر در رای اعلام شده دولت بریتانیا گردید و در ۲۴ بهمن ۱۳۰۹ (۱۳ ماه فوریه ۱۹۳۱) مکد و نالد نخست وزیر بریتانیا، طی نامه ای به وایزمن، رئیس "سازمان صهیونیسم جهانی" نظری معایریا یادداشت پاسفیلد ارائه داد.

پس از آن، دولت بریتانیا، گروه های پرشماری پژوهشگر "برای دریافت ریشه ها و انگیزه های انقلاب، راهی فلسطین ساخت و به دنبال آن، به اصلاحات کوتاه دامنه ای در زمینه کشاورزی دست یازید. از آنجمله بود کاهش مالیات بر محصول شالیان بیان است که با سر برداشتن بحران بی سابقه اقتصادی در سال های ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ (۱۹۲۹ - ۱۹۳۰) به سقوط بنهای فرآورده های کشاورزی انجامید، همراه با عمل کرد ستمار و یغماگرانه کارگزاران بریتانیایی کاهش ناچیز مالیات بر محصول نه تنها هیچ باری از کرده ناتوان مردم فلسطین بر نداشت، بلکه بر آن افزود.

ادامه دارد (۱) صهیونیست های فاشیست - گروه راستگرای افراطی، جنگ افروز و یکی از هم پیمانان "سازمان صهیونیسم جهانی

### تصرف جولان نخستین نمره پیمان استراتژیک آمریکا و اسرائیل

پارلمان اسرائیل "تصویب" کرد که اراضی جولان در تصرف اسرائیل باقی بماند و خاک اسرائیل منضم شود. اسرائیل با غصب ارتفاعات جولان می‌خواهد برتری نظامی خود را بر سوریه برای همیشه حفظ کند. اسرائیل این بار نیز مانند گذشته، این اقدام خود را بر پایه "زور عربیان و نفوذ تمام قرار دادها و منشور سازمان ملل متحد و سایر اسناد بین‌المللی" بنا نهاده است. چرا اسرائیل می‌تواند به همسایگان عرب خود زور بگوید و این زورگویی تا چه وقت ادامه خواهد داشت؟

بدیهی است که خلق صدمیلیونی عرب، با آن همه منابع و امکانات عظیم اقتصادی می‌تواند جلوی این زورگویی را بگیرد و اسرائیل را بحای خود نشانند. اما زور "سیاست نرفته‌یابندگان حکومت کن" امپریالیسم و صهیونیسم متأسفانه تاکنون موثر بوده است. اگر مصر سادات به برادران عرب خود خیانت نکرده و طوق بردگی آمریکا را نپذیرفته بود اگر تمام کشورهای عرب یکبار چه به تخریب نفت تصمیم میگرفتند اسرائیل صهیونیست و حامیان امپریالیست آن حسارت کشورگشایی نداشتند. اما امروز اسرائیل با شرمی خاص خود جولان را تصاحب می‌کند و فردا - اگر جلوی آن گرفته نشود - کرانه عربی رود اردن و پس فردا از نیل تا فرات را. اکنون مصر و عربستان سعودی از حقیقت "تصرف صهیونیستی و صدام امپریالیستی" گریخته اند و هر چند در ظاهر دم از عربیت می‌زنند، در باطن هیچ گام موثری علیه سیاست‌های تجاوز - کارانه آمریکا و اسرائیل بر نمی‌دارد. حرفی در "حکومت" اسرائیل می‌زنند دیگر هیچ. همان حرفی که ریگان و هیک و دیگر سیاستمداران آمریکا و اروپای غربی پس از اعلام تصمیم پارلمان اسرائیل، زدنند می‌زنند. آمریکا - ها حتی جنگ زرگری را وسیعتر کرده گفتند که پیمان استراتژیک خود با اسرائیل را "موقتا" هلق کرده اند! درست همان بازی که پس از بمباران تاسیسات اتمی عراق در مورد تحویل هواپیماهای "اف - ۱۶" به اسرائیل در آورند و این "تعلیق" حتی یک هفته هم دوام نیاورد.

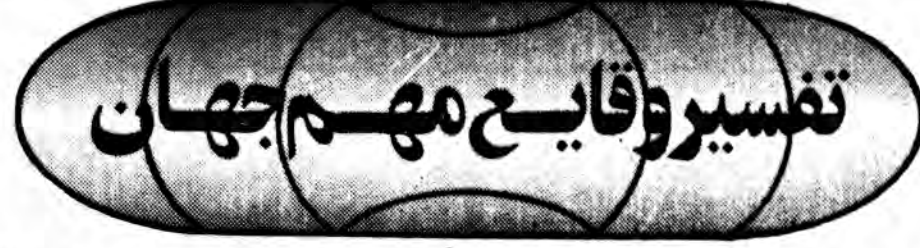
هنگامیکه وزیران دفاع آمریکا و اسرائیل پیمان استراتژیک خود را امضا می‌کردند، صراحتاً اعلام کردند که این قرارداد را به هیچوجه علیه کشور - های عربی همسایه اسرائیل متوجه نیست و هدف آن فقط جلوگیری از "خطر شوروی" در منطقه است. اما امروز به طفیل این پیمان، ارتفاعات جولان - خزئی از خاک سوریه - خاک اسرائیل اعلام می‌شود. آیا این صربه اعصاب را بیدار خواهد کرد و به خطری که همه آنان را تهدید می‌کند، آگاه خواهد ساخت و بالاخره به این حقیقت پی خواهند برد که نمی‌توان با آمریکا جهانخواه، دوست و در عین حال مستقل بود؟

سازمان خود فروخته عرب بیش از این آلوده اند که بتوان به آن‌ها امیدوار بود. رشته‌هایی که آنان را با امپریالیسم آمریکا پیوند می‌دهد، قوی‌تر از آنست که نتواند برخلاف مصالح دولت‌های امپریالیستی (که اسرائیل جزئی لاینفک آن است) گامی بردارند. آنان چنان از جنبش انقلابی منطقه زیر تاثیر انقلاب ایران به هراس افتاده اند، که خریدن در زیر بال امپریالیسم و صهیونیسم را یگانه راه نجات خود می‌دانند. آنان حاضرند بر دگی اسرائیل را بپذیرند، به شرط آن که به کیسه‌های طلای آنان آسیبی نرسد. ایران انقلابی برای آنان هزار بار دشمن‌تر از اسرائیل غاصب و حامیان امپریالیستی آنست.

### توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران

شورای همکاری‌های کشورهای خلیج فارس، که در آن کشورهای عربستان، کویت، امارات متحده عربی، قطر، عمان و بحرین عضویت دارند، بلافاصله برای بحث درباره "خطری" که گویا از ناحیه ایران امیتت منطقه را تهدید می‌کند، تشکیل جلسه دادند. نمایندگان هر یک از این کشورهای به‌ویژه عربستان سعودی، با شدیدترین لحن به ایران تاختند و ایران را به واکنش تهدید کردند. هنگامی که شورای همکاری‌های خلیج فارس تشکیل شد کمتر کسی تردید داشت که این شورا به‌طور کلی جنبه ارتجاعی و ضدانقلابی دارد و لبه تیز فعالیت آن نیز متوجه ایران ماست. اکنون این سازمان، که خود را یک "سازمان غیرنظامی" معرفی می‌نمود و هدف خود را "توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای عضو" و ایجاد

## تفسیر وقایع مهم جهان



می‌کرد، به انقلاب ایران "دندان" نشان می‌دهد. تردیدی نیست که امپریالیسم آمریکا می‌کوشد این سازمان را که در آن عربستان سعودی و عمان دارای نیروی نظامی بزرگی هستند، به ماحر احوثی علیه ایران براهیاند.

حنگ تحمیلی رژیم صدام به سود اربابان امپریالیستی پیش نمی‌رود، پس باید حسیه‌نازهای علیه انقلاب ایران کشود و فعلا کشورهای مرتجع خلیج فارس از همه دسترس‌ترند. امپریالیسم نمی‌تواند با انقلاب در هیچ جای جهان سراسر کاری داشته باشد.

### لبنان

#### قاطعیت در برابر ضدانقلاب

حوادثی که طی یکسال و چند ماه اخیر در لبنان می‌گذرد، نه تنها برای خود آن کشور، بلکه هم چنین برای تمام رژیم‌های مردمی دیگر نیز می‌تواند پندآموز و عبرت‌انگیز باشد.

بحران لبنان چگونه پدید آمد؟ چه عواملی در پیدایش و رشد آن دخالت داشتند؟ نقش عوامل داخلی چه بود؟ عوامل خارجی چه تاثیر در ایجاد و گسترش بحران داشتند؟

پاسخ دادن به این پرسش‌ها تنها در صورتی ممکن و مسر است که آن‌را در چارچوب مبارزه بین انقلاب و ضدانقلاب در جهان، بین نظام نوین سوسیالیستی و نظام کهن سرمایه‌داری در داخل کشور و در سراسر جهان مورد بررسی قرار دهیم.

آیا در داخل لبنان هواداران بازگشته به نظام کهن سرمایه‌داری وجود داشتند؟ آیا در خارج از لبنان نیروهایی که می‌خواستند این نظام را در داخل آن کشور احیا کنند، در ایجاد بحران نقش موثر داشتند؟ آیا بین این دو نیروی داخلی و خارجی ارتباط نزدیک و همکاری وجود داشت؟ پاسخ همه این سئوال‌ها "آری" است. اما برای روشن شدن مطلب به توضیح بیشتری نیاز داریم.

هنگامی که ارتش شوروی با ۶۰۰ هزار کشته در جنگ دوم جهانی لبنان را از زیر سلطه نازی‌ها نجات بخشید، از آن کشور چیزی جز خاکستر و نلی از ویرانه‌ها بجای نمانده بود. لبنان سرمایه‌داری در دوران پیش از جنگ از جمع حیات یکی از وابسته‌ترین کشورهای اروپا بود. ضربات جنگ سر آنجه را کمبود دتر کرده بود. لبنان طی مدت کوتاهی پس از جنگ عقب‌ماندگی قرون را از میان برداشت و اکنون یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صنعتی اروپا و جهان است.

لبنان این پیروزی بزرگ را قبل از هر چیز مدیون نظام جدید سوسیالیستی خود بود. اما برقراری نظام جدید سوسیالیستی در لبنان از ویژگی‌هایی برخوردار بود که از شرایط خاص تاریخی و ملی آن سرچشمه می‌گرفت. از نظر اقتصادی (موضوعی که ما در این بحث بدان می‌پردازیم) بارزترین این خصوصیت‌ها باقی ماندن بخش خصوصی به موازات بخش سوسیالیستی بود. در حالیکه در صنایع روابط تولیدی سوسیالیستی حاکم شد، در کشاورزی و برخی از خدمات بخش خصوصی بجای ماند و نه تنها بجای ماند، بلکه با ترقی عمومی کشور وزن مخصوص آن نسبت به سابق نیز بالارفت. رهبری حزب متحده کارگری لبنان عقیده داشت که در شرایط حاکمیت طبقه کارگر بخش خصوصی نمی‌تواند نقش مهمی در اقتصاد و سیاست دولت ایفا کند و به تدریج از بین خواهد رفت. حزب متحد دهقانان و حزب دموکرات، که نمایندگان بخش خصوصی (تولیدکنندگان کوچک و متوسط) بودند، در ائتلاف دولتی شرکت داشتند، این سیاست، اگر با اشتهاات بزرگی که رهبری سابق حزب در اداره بخش سوسیالیستی اقتصاد نمود، توأم می‌شد، می‌توانست لبنان را در یک روند تاریخی به سوی جامعه پیشرفته سوسیالیستی سوق دهد. باید در همین جا ذکر کنیم که اشتهااتی که از آن نام بردیم، با اشتهاات عادی، که تاگزیر پیش می‌آید و با امکانات بی‌پایانی که نظام سوسیالیستی برای رفع آن‌ها دارد، به زودی از میان برداشته می‌شود. شباهتی نداشت، اشتباه و بلکه گاه رهبری سابق حزب عدول از اصول سوسیالیستی بود.

در سال‌های تشنج‌زدانی (دهه ۱۹۷۰) که روابط اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه‌داری اروپا به گسترش آغاز نمود،

رهبران سابق لبنان برنامه یک "حش بزرگ" صنعتی را بر پایه وام و تکنولوژی وارداتی از عرب طرح‌ریزی نمودند. پایه این طرح را دو عنصر خارجی: وام و تکنولوژی خارجی تشکیل می‌داد. بخشی از مواد اولیه لازم برای اجرای این طرح نیز سبستی از عرب گرفته می‌شد. محصولات صناعی که با این دو عنصر بیگانه وابسته به انحصارات امپریالیستی به وجود می‌آمد (به‌طور کلی فولاد و پتروشیمی) در اقتصاد لبنان مصرفی نداشت. شرط بقای این صنایع، فروش قسمت اعظم محصولات آن در غرب بود.

گسترش روابط اقتصادی میان کشورهای دارای نظام‌های مختلف اجتماعی، هر مقیاسی به خود بگیرد، فی‌نفسه نمی‌تواند به عنوان یک عامل منفی تلقی گردد. هم‌اکنون تمام کشورهای سوسیالیستی با کشورهای سرمایه‌داری در زمینه‌های مختلف همکاری دارند. طی همین سال‌های ۷۰، گردش معاملات بازرگانی و مبادلات اقتصادی بین اتحاد شوروی و آلمان فدرال تقریباً ۱۱ بار افزایش یافته است. اما موضوع اساسی آنست که این روابط موجب وابستگی اقتصادی نگردد و در آن چارچوب سود متقابل رعایت شود، به نحوی که این روابط نتوانند در کند کردن رشد اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و از آن بدتر، در ایجاد عدم ثبات و بحران موثر گردند.

طرح "حش بزرگ" صنعتی رهبران سابق لبنان این عوامل را به حساب نیاورده بود. در نتیجه دنیای امپریالیسم تصمیم گرفت از این امکاناتی که برایش فراهم شده است، حداکثر استفاده را برای بازگرداندن لبنان به نظام سرمایه‌داری به عمل بیاورد. امپریالیسم تصمیم گرفت از اهرم اقتصادی برای وارد کردن فشار بر رهبران لبنان استفاده کند. پیمان "ناتو" رهبری "عملیات" لبنان را به عهده گرفت. در سال ۱۹۷۲ طرح جامعی در ادارات "ناتو" برای لبنان به نام "هیلکس - ۵" تهیه شد. در این طرح مجموعه‌ای از اقدامات مالی و اقتصادی برای وابسته کردن اقتصاد لبنان به دنیای سرمایه‌داری پیش‌بینی شده بود.

یکی از پیاپی‌مدهای تبعی طرح "حش بزرگ" صنعتی ایجاد عدم توازن بین بخش صنعتی و کشاورزی اقتصاد بود. تولید کشاورزی لبنان، که خود به دلیل سلطه بخش خصوصی در آن، نمی‌توانست نیازهای کشور را بقدر کافی تأمین کند، در اثر رشد نامتوازن صنایع، که افزایش تعداد شهرنشینان را به دنبال داشت، کاهش یافت. خرید غله از خارج هم اکنون به ۸ میلیون تن در سال رسیده است.

سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی، به‌ویژه آلمان فدرال (به نام "ب ا د") با این زمینه مساعدی که برای فعالیت خود به دست آورده بودند، برای ایجاد سازمان‌های مخفی از میان عناصر ملت‌گرا و هوادار سرمایه‌داری دست‌به‌کار شدند. مهم‌ترین این سازمان‌ها دو سازمان به نام "کمیته دفاع از کارگران" و "کنفدراسیون لبنان مستقل" بود، که اعضای سابق احزاب بورژوازی لبنان (سوسیال دموکرات‌ها و مسیحیون دموکرات) و ملت‌گرایانی از قبیل کلاکوفسکی و میخیکوویچ بودند، رهبری آن‌را در دست داشتند.

"کمیته" و "کنفدراسیون" با پول سرشار سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی دست به کار سازماندهی شدند. نخست در میان اعضای ادارات و کارمندان و سپس در میان کارگران هسته‌ای زیر رهبری خود گرد آوردند. آنان در پشت صحنه کارگردانی می‌کردند، ولی در جلوی صحنه کارها به دست دیگران اداره می‌شد.

سازمان ضدانقلابی "کمیته - کنفدراسیون" که رهبری "حش" را در دست داشت، در ابتدا با شعارهای: "سوسیالیسم دموکراتیک"، "آزادی"، "استقلال"، "اصلاحات" هم‌میدان آمد.

ضدانقلاب چهره خود را برنقش "سوسیالیسم" به دقت مخفی می‌کرد. تمرکز این تلاش عوام‌فریبانه طی مدتی قریب به ده سال، پیدایش سازمانی به ظاهر کارگری زیر نام "اتحادیه همبستگی" بود، که بر مبنای سازمانی در اقتصاد کشور، آشفتنی در رهبری حزب و دولت، ناراضی بخشی از مردم و طبقه کارگر رویشده بود و به شدت زیر نفوذ عوامل ضد سوسیالیستی قرار داشت. این عوامل بودند که می‌خواستند لبنان را گام به گام به سوی بازگشت به سرمایه‌داری سوق دهند. شیوه مبارزه آنان ایجاد عدم ثبات و آشفتنی در اقتصاد کشور برای بهره‌برداری سیاسی بود.

هنگامی که موج اعتصابات، به تحریک "اتحادیه همبستگی"، آغاز شد، لبنان چندین در مضیقه اقتصادی نبود، حتی در کشور هنوز سیستم حیره - بندی وجود نداشت. اختلال در نظم اقتصادی کشور به وسیله اعتصاب، یعنی تولید نکردن کالاو ایجاد کمبود مصنوعی و سپس اعتصاب به دلیل این کمبود و ادامه این دور و تسلسل، سپس متمم کردن دولت به عدم کفایت و بازگردن راه برای نیل به قدرت سیاسی - چنین بود استراتژی ضدانقلاب در سازمان "همبستگی". کارگردانان پشت پرده گام به گام و با احتیاط پیش می‌رفتند.

اتحادیه "همبستگی" هنگام ثبت نام خود به عنوان یک "سازمان صنعتی"، در اساسنامه اش نقش رهبری حزب و نظام سوسیالیستی را پذیرفت. اما پس از آن که نیرو گرفت، در اسنادی که منتشر نمود، به‌ویژه دز تزه‌های کنگره گدانسک موضع خود را درقبال سوسیالیسم و نقش رهبری حزب آشکارا بیان داشت. در این تزه‌ها گفته می‌شود:

"لبنان باید راه را برای رقابت آزاد باز بگذارد. اشکال مختلف مالکیت باید بایکدیگر مسابقه بدهند. کسانی که صاحب وسایل تولید هستند، باید حق داشته باشند کارگر احیرکنند. در کشاورزی باید از بخش تعاونی صرف نظر کرد و بخش خصوصی را پایه رشد کشاورزی قرار داده از پیدایش بیکاری و رشد تفاوت‌های اجتماعی بین اقشار مختلف نباید هراسید."

واضح‌تر از این نمی‌توان از اصول سرمایه‌داری دفاع نمود. سپس در تزه‌ها گفته می‌شود: "با اتحادیه "همبستگی" نظرات خود را که نجات لبنان در آنست، از پیش می‌د و با سیستمی که تاکنون وجود داشته است. صواب و هدف‌های خود را به کرسی می‌نشانند. این و یا آن. راه سومی وجود ندارد.

حزب متحده کارگری لبنان مدت‌ها کوشید تا "اتحادیه همبستگی" را به همکاری با دولت وادار کند، اما سازمان ضدانقلابی "کمیته کنفدراسیون" که از پشتیبانی عظیم مالی امپریالیسم و شبکه عمال آن برخوردار بود و در تمام حلقه‌های "اتحادیه همبستگی" نفوذ کرده بود، این کوشش را عقیم گذارد.

باید گفت که "اتحادیه همبستگی" از همان آغاز یک سازمان منسجم و هماهنگ نبود در حالی که بخشی از کارگران در این سازمان عضویت داشتند، رهبری آن در تمام حلقه‌ها در دست قشرهای ملت‌گرا و غیرکارگری بود. در کنگره گدانسک، که خط مشی "اتحادیه همبستگی" را تعیین نمود، از ۹۰۰ نماینده تنها ۲۲۴ نفر از کارگران بودند. ۹۲٪ این نمایندگان کسانی بودند که در "اتحادیه همبستگی" پس از تشکیل آن استخدام شده و به کارهای دفتری مشغول بودند و حقوق بگیر اتحادیه بودند. بخش مهمی از جناح راست به رهبری "اتحادیه همبستگی" را خرده - مالکان، به‌ویژه کسانی که زمین‌های وسیع تری در اختیار دارند، تشکیل می‌دهند.

پس از کنگره "گدانسک" که "اتحادیه همبستگی" مواضع خود را در جهت احیای سرمایه‌داری در لبنان اعلام کرد، گروه‌های بزرگ‌تری از کارگران این اتحادیه را ترک کردند. کارگران دسته‌دسته از این اتحادیه که دیگر چهره آن آشکار شده بود، بیرون می‌آمدند و به اتحادیه‌های سابق بازمی‌گشتند. فعالیت ایضاحی حزب، که پس از تغییر رهبری و سازماندهی مجدد بسیار موثرتر شده بود، در ایجاد این تحول در کارگران تأثیر به‌سزایی داشت. در ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۸۱ سیواک رهبر اتحادیه کارگران ساختمانی، طی کنفرانس مطبوعاتی خود در ورشو گفت:

"طی ۵ - ۶ ماه اخیر ۳۰۰ هزار نفر از "اتحادیه همبستگی" بیرون آمده و به اتحادیه‌ها ملحق شده‌اند. اتحادیه ما، که در اوایل سال جاری ۲۰۰ هزار عضو داشت، اکنون ۵۰۰ هزار عضو دارد."

آنچه ضدانقلابیون مستقر در "اتحادیه همبستگی" را بیش از هر چیز ناراحت می‌کرد، سیر همین بود. به همین دلیل نیز آنان، با اشاره اربابان امپریالیستی خود، تصمیم گرفتند از ادامه این روند جلوگیری کنند و به آشوب و اعتصاب و کارشکنی در کشور دامن بزنند. خرابکاری آنان با قاطعیت دولت انقلابی پارولسکی روبرو شد. اکنون رهبران دولت‌های امپریالیستی و در راس آنان ریگان، که تمام نقشه‌های درازمدت خود را نقش بر آب می‌بیند، از سرکوب "آزادی" در لبنان ابراز تأسف می‌کنند. ریگان پیشنهاد می‌کند که مردم لبنان در یک همه‌پرسی راجع به آینده نظام کشورشان اظهار نظر کنند. اومی - گوید که حوادث لبنان نشانه شکست سوسیالیسم به منزله یک نظام اجتماعی است! حاجت به ذکر نیست که آنچه در لبنان شکست خورد، یک کوشش بی‌شمر برای اعاده نظام سرمایه‌داری بود. کوششی که از ابتدای انقلاب بقیه در صفحه ۱۱

متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۹)

لیبرالها:

ما خود را با آمریکا در جنگ نمی بینیم



"شوروی را مطرح می کنند تا آمریکا منسی شود؟!"

سناریوی "فروش اسلحه شوروی به عراق!"

کشور عازم شوروی شوند... حاشیه... پرداز... نگران آن است که این جوانان پیش از آنکه از غریزدگی رها شوند، شرق زده گشته و به عبارت دیگر، راه چاله در نیامده به چاه بیفتند... (۲۵ بهمن ۵۹ - میزان)

بدرترین شکل "چاله" ای بود که میشد از آن، وحشی از حمله نظامی اش گذشت، اما شوروی چاهی "بود که حتی... با محبتی... هم که... به انقلاب اسلامی نشان... می دهد و برغم حمایت همه جانبه ای که از انقلاب اسلامی ایران می کند، می باستی با آن خصومت کرد... همین طرز تفکر بود که بین مطالب "میزان"، "روزنامه" "جبهه ملی"، مطالب رادیوهای صدای آمریکا و بی بی سی و اویسی و بختیار و خلاصه تمامی ارگان های جبهه جهانی ضد مستضعفین هماهنگی بوجود می آورد رادیوهای بی وطنانی چون اویسی و بختیار "خطر شوروی"، "خطر شوروی" می کردند، "رنجبر" بیهای سیاست و پکن پرداخته از پیروان باصطلاح خط مسکو سخن می گفتند و آقایان لیبرال ایرانی نیز، همصدا با بنی صدر، می گفتند:

سیاست ضد انقلابی و خائسانه ای که ابوالحسن بنی صدر ما موراجرای آن بود، سخنگویان و ارگان های سرمایه داری لیبرال ایران حملات ضد کمونیستی و ضد شوروی خود را افزایش بخشیدند و زیر پوشش مقابله اسلام با مارکسیسم، به سم پاشی علیه دوستان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و همچنین داخلی، پرداختند... (۱۸ آذر ۵۹ - میزان)

محور سیاست سرمایه داری لیبرال ایران، آنچنان که از ماهیت طبقاتی آن می تراود، همواره و بویژه پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مبارزه آشکار و نهان با دنیای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، به نفع دنیای سرمایه داری بسرگردگی آمریکا بوده است. از همین روست که سخنگویان سرمایه داری لیبرال ایران، از بدو انتخاب بنی صدر به عنوان رئیس جمهور اسلامی ایران، به تقویت مواضع ضد کمونیستی و ضد شوروی وی برخاستند و مجری آن فرمان برزیسنکی شدند، که خواستار تیره کردن روابط بین ایران و شوروی و گرفتن ماهی از این آب گل آلود بود. برزیسنکی، مشاور امنیتی کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا، صریحاً رهنمود داده بود که:

فاش شد که آمریکا، از یکسال قبل از جنگ، بندر عقبه را برای صدام تجهیز می کرده است! اما لیبرالها به کار خود مشغول بودند، چه باک که دیگر بر مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز روشن شده بود که داستان "ارسال اسلحه شوروی به عراق از بندر عقبه" تنها نقشه "امپریالیسم خبری" است. و این شوخی را نیز تکرار کنیم که روزنامه کیهان، در دوران تصدی دکتر یزدی، وقتی دستش از همه جا کوتاه شد، داستان اعزام ۷ هزار تاجیکستانی از اتحاد شوروی به تبریز را - با هم از قول "امپریالیسم خبری" - شهریور ۱۳۵۹ منتشر کرد، ولی از آنجا که داستان خنده دارتر از آن بود که می نمود و اثری از این همه "تاجیکستانی!" در تبریز دیده نشده که نشد، آقایان لیبرال سرتوته قضیه را بهم آوردند.

## دستبرد به مغزها

سازمان بهداشت جهانی جندی بیش کشورهای صنعتی سرمایه‌داری را فراخواند، تا از تشویق پزشکان کشور - های رشد یابنده به ترک میهن خود و اشتغال آنها در خارج خودداری ورزند. سازمان بهداشت جهانی خاطر نشان می‌سازد که، اکنون "در حدود ۱۴۰ هزار پزشک آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین در خارج انجام وظیفه می‌کنند." بنابراین نباید در شگفت بود که برای نمونه امروزه در آمریکا شمالی هر ۵۹۲ نفر از یک پزشک بهره - مند می‌شوند، در حالیکه در آفریقای خاوری هر پزشک باید به ۱۷۴۰ نفر برسد.

جلب پزشکان به کار در خارج از میهن خود، تنها یک جنبه روش نو - استعماری را تشکیل میدهد، که به "دستبرد به مغزها" معروف شده است. "دستبرد به مغزها" تقریباً همه گستره - های علم و فن را در بر می‌گیرد و در دوران اخیر بویژه از سوی ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورهای اروپای باختری شدت فراوان یافته است. به نوشته روزنامه بیروتی المستقبل، در سال‌های اخیر تنها از کشورهای عرب ۱۷ هزار مهندس، ۱۷۵۰۰ دانشمند علوم طبیعی و ۲۴۰۰۰ پزشک به ایالات متحده آمریکا، کانادا و اروپای غربی مهاجرت کرده‌اند.

بر پایه گزارش مجله لینگ (دهلی نو) حداقل ۱۵۰۰۰ پزشک هندی، که در کشورشان سخت به آنها احتیاج است، در خارج زندگی می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا از هر پنج پزشک یک نفر خارجی است.

ایالات متحده آمریکا در سیستم "دستبرد به مغزها" با فاصله زیاد در مقام اول در جهان قرار دارد. ۱/۸۵ میلیون نفر از روشنفکران "آمریکائی" خارجی - الاصل هستند (۸۴ درصد از کشورهای رشد یابنده). اینان یازمانی در آمریکا تحصیل می‌کردند و پس از تحصیل در آنجا مقیم شده‌اند، و با آنکه مقامات آمریکائی آنها را "خریدمانند" ۴۹ درصد "آمریکائی" های برنده جایزه نوبل خارجی هستند.

انحصارهای ایالات متحده، که بابت تحصیل این روشنفکران پیشروی خرج نکردند، حاضرند آنها را با حقوق نسبتاً چشمگیری استخدام نمایند. بسیاری از خارجیان از آن جهت تصمیم به اقامت در آمریکا می‌گیرند، که در میهن خود از تجهیزات فنی، که کسرن‌های آمریکائی می‌توانند در اختیار آنها بگذارند، محروم خواهند ماند. روشن است که فقدان اینگونه امکانات در کشورهای رشد یابنده چیزی جز یکی از میراث‌های شوم استعمار و نواستعمار نیست.

کم نیستند کشورهای رشد یابنده - ای که، علیرغم منابع محدود، بوده هنگفتی را به آموزش روشنفکران اختصاص می‌دهند زیرا که آنها برای تحکیم استقلال ملی خود پس ضروری می‌شوند. برای این کشورها، که معمولاً از برنامه اقتصادی دراز مدت بی - بهره‌اند، از دست دادن حتی شمار محدودی متخصص پیامدهای سنگینی به بار می‌آورد.

دستبرد به مغزها " برای امپریالیسم بسیار سودآور است. ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه - داری در سال ۱۹۶۸ از بابت "واردات مغز" سودی بالغ بر سه میلیارد دلار اندوختند، در حالیکه با اصطلاح کمک عمرانی " آنها - که اینقدر درباره آن بوق و کرنا راه می‌اندازند - حتی به دو میلیارد دلار هم نرسید. این اختلاف سال به سال بیشتر شده است. باید یاد - آور شد که، روشنفکران خارجی مقیم آمریکا بطور متوسط دارای درآمدنازل - تری در مقایسه با همکاران آمریکائی خود هستند و از بسیاری از امتیازات گروه‌های بی‌بهره‌اند. از اینروست که بقیه در صفحه ۱۴

# با استفاده از همه وسایل!

## درباره انواع شگردهای امپریالیستی برای سرکوب انقلاب و انقلابیون ایران

### امپریالیسم خبری

چنانکه میدانیم خبرگزاری‌های بزرگ امپریالیستی (مانند یونایتد پریس، آسوشیتد پریس، رویترز، خبرگزاری فرانسه) و مهم‌ترین ایستگاه‌های رادیویی امپریالیستی (مانند بی‌بی‌سی، و صدای آمریکا) و مهم‌ترین جراید و مجلات کشورهای امپریالیستی (مانند لوموند، نیویورک هیرالد تریبون، تایمز، تایم، نیوزویک، اکونومیست، دی‌ولت، اشینگل و غیره). و نیز وسایل نیرومند سینمایی، تلویزیونی، کاست‌ها، ویدئو - توها، دستگاه‌های عظیم چاپ در کشور - های امپریالیستی، یک امپریالیسم واقعی خبری برای جوسازی، گمراه کردن افکار عمومی، سفسطه، خبرسازی، مسخری‌خبرها، دادن تفسیرهای اغواکننده، پخش دروغ و جعل منظور استفاده فوری، شانناز، اعمال فشار، اهانت و لجن‌پراکنی و غیره و غیره ایجاد کرده است.

واژه "امپریالیسم خبری" دارای محتوی وسیعی است که جا دارد درباره آن کتابی به فارسی تالیف شود.

امپریالیسم آمریکا از رواج جهانی زبان انگلیسی و از ثروت با آورد حد اکثر استفاده را برای بهره‌جویی از دستگاه عظیم تبلیغاتی خود و متحدانش میکند اکنون این امپریالیسم خبری سخت‌کوره جهانی خود را علیه ایران انقلابی داغ نگاه داشته است.

### هجوم نظامی

مهاجمه نظامی، که هم اکنون آمریکا نقشه آنرا علیه ایران، نیکاراگوئه، السالوادور و حتی کوبا تنظیم کرده و آنرا عملاً در مورد افغانستان اجرا می‌کند، از شگردهای درنده‌خویانه امپریالیستی است.

در مورد انقلاب ما عجلالتا ابتکار هجوم به صدام تکریتی سپرده شده است. در پاکستان و ترکیه نیز تدارک‌های مستقیم و غیرمستقیم دیده میشود. البته وضعیت جهان و کشورهای ضد - امپریالیستی دست آمریکا را بسته است و اولاد گذشته تجار متعدد نشان داد (مثلاً مانند جریان ویتنام) که اعزام نیرو و مهاجمه خشن نظامی اولین اندیشه‌ایست که از مغز پوک قدره‌بندان پنتاگون برای "دفاع" از غارت و قیحه سرمایه‌داری میگذرد.

انقلاب ما درقبال هجوم‌های نظامی مستقیم و غیرمستقیم ابداتامین مطلق ندارد. هم اکنون غرب و جنوب ایران، در معرض هجوم نظامی تجاوز - گران صدامی است. لذا مداخله نظامی آمریکا را نیز نمیتوان و نباید محال شمرد.

### تشکل ضد انقلاب

یکی دیگر از اقداماتی که در مقیاس وسیعی انجام میگردد، تشکل ضد انقلاب ایرانی در داخل و خارج و متحد ساختن نیروهای ارتجاعی منطقه است.

ضد انقلاب ایرانی در داخل و خارج بایول و خانه واسلحه و اتومبیل و دستگاه‌های رادیو و روزنامه‌ها و حمایت دولتی و وسایل قاچاق ارز و سلاح

مبارزه، با تروریسم سر کار آمده. منظور ریگان، چنانکه همه میدانیم، از واژه "تروریسم"، جنبش‌های رهاشی بخش مثلاً مانند "سواپو" و "پولیساریو" و "جنبش آزادیبخش فلسطین" است. تبلیغات آمریکا سرهنگ معمر قذافی، رهبر انقلابی لیبی، را سرکرده تروریسم بین‌المللی معرفی میکند!

ولی در واقع این خود آمریکا است که در جهان شبکه اهریمنی تروریسم خود را گسترده است. مادر ایران شاهد بودیم که چگونه آیت‌اله شهید دکتر بهشتی و یارانش، شهید محمد علی رجائی رئیس جمهور، شهید دکتر باهنر نخست‌وزیر، شهید آیت‌اله قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی، شهید آیت‌اله مدنی از هم‌زمان صمیمی امام وعده‌کننده دیگر بدست تروریسم سیا - ماساد از میان رفتند. مادر ایران شاهد آن هستیم که چگونه "سیا" موفق شد، به دست عمالش، جمعی از جوانان سازمان آمریکا در این اندیشه است که باید با تمام قوا کوشید و برنده آزاد شده را دوباره به دام آورد.

ایالات متحده آمریکا برای نیل به این منظور همه شگردهای خود را به کار انداخته است. تصور نمی‌کنیم ما بتوانیم همه این وسایل ضد انقلابی را توضیح و تشریح کنیم. ولی شاید مهم - ترین آنها را میتوانیم بر شمرد. برای خواننده ما جالب است که منظره این شگردها را، که همگی ضد بشری و سبعانه است، در پیش چشم داشته باشد، تا دشمن را بهتر بشناسد.

### تروریسم اقتصادی

این اصطلاح خوبی است که مرسوم شده و واژه نامه سیاسی را تکمیل میکند. این از شگردهای کهنه امپریالیسم است که دولت مورد بغض خود را در معرض "محاصره اقتصادی" یا "بلوکوس" و "امبارگو" (محاصرات بری و بحری) قرار میداد. از معروفترین نمونه‌های قدیمی آن محاصره اقتصادی اروپا از طرف انگلستان، علیه ناپلئون است.

تا وقتیکه انحصار بازار جهانی در دست کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری بود، آنها قادر بودند با "محاصره اقتصادی"، انقلابی‌ها را که پیروز شده‌اند بتدریج خفه کنند.

سیاست محاصره اقتصادی در مورد روسیه شوروی، کوبای انقلابی و مثال آن نیز بکار رفته و هنوز هم بکار میرود. هنوز آمریکا با اصطلاح "مواد استراتژیک" به اتحاد شوروی نمی‌فروشد (!) و حال آنکه اتحاد شوروی از جهت مواد اولیه انرژی و معدنی فوق‌العاده غنی است.

تروریسم اقتصادی تنها به صورت محاصره اقتصادی در نمی‌آید؛ سدود کردن ذخائر دولت انقلابی ما در بانک‌های امپریالیستی، عمل تخریب اقتصادی در درون کشور بدست بازرگانان بزرگ وابسته در بازار داخلی، به طور عمده بصورت گرانی، گرانی‌فروشی و احتکار و تورم، تخریب موسسات نفتی (پالایشگاه، لوله‌های برنده نفت و گاز، بنادر بارگیری)

بدست صدام و به کمک بمباران‌های استتار شده شبانه، خرابکاری‌های پولی بوسیله قاچاق ارز، خارج کردن طلا و نقره و احجار کریمه و وارد کردن اسکناس تقلبی، سوزاندن خرمن‌ها و انبارها و دهها عمل نظیر، دامنه بسیار وسیع تروریسم اقتصادی را نشان میدهد.

اینکه علیرغم این اعمال، هنوز چراغ اقتصاد ما میگذرد، در درجه اول به همت تلاش مردم زحمتکش ما و سپس کمک دوستان انقلاب، بویژه در میان کشورهای سوسیالیستی است، که در شکستن محاصره اقتصادی موثر است.

الکساندر هیگ، فرمانده سابق "ناتو" وزیر امور خارجه کابینه، زنالد ریگان، زمانی گفت که ایالات متحده آمریکا همه امکانات و تلاش‌های خود را به کار میبرد، تا ایران را به سوی ارزش - های مورد قبول غرب بازگرداند.

معنای این سخن بر کسی پوشیده نیست. ایالات متحده آمریکا طی سال - های آینده باید عمده میزان نفت خود را از خلیج فارس برای خود و متحدانش وارد کند و ایران را (که از جهت خلیج فارس دارای اهمیت ژئوپلیتیک قاطع است) می‌خواهد مانند زمان شاه تحت کنترل خود داشته باشد، و "اوپلا" ... روسها می‌خواهند به آبهای گرم نزدیک شوند!

ولی در ایران انقلاب مردمی بزرگی به رهبری امام خمینی روی داده و این کشور با اتخاذ یک سیاست مستقل، آمریکا را از این کشور رانده است. لذا امپریالیسم آمریکا در این اندیشه است که باید با تمام قوا کوشید و برنده آزاد شده را دوباره به دام آورد.

ایالات متحده آمریکا برای نیل به این منظور همه شگردهای خود را به کار انداخته است. تصور نمی‌کنیم ما بتوانیم همه این وسایل ضد انقلابی را توضیح و تشریح کنیم. ولی شاید مهم - ترین آنها را میتوانیم بر شمرد. برای خواننده ما جالب است که منظره این شگردها را، که همگی ضد بشری و سبعانه است، در پیش چشم داشته باشد، تا دشمن را بهتر بشناسد.

### ارباب نظامی

اکنون که مانور معروف به "ستاره درخشان" با شرکت مصر و سودان و سومالی و عمان به پایان رسیده، میتوان از اینجا آغاز کرد.

دادن مانور نظامی در خشکی و دریا برای تظاهر به قدرت و ترساندن طرف، از اسلوبهای "کلاسیک" امپریالیستی و از اشکال جنگ روانی است. آمریکا مدت - ها است که ناوگان جنگی خود و متحدین خود را به اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس کشانده و حالا نیروی واکنش "یا گسیل" سریع را نیز وارد میدان ساخته است.

هدف آمریکا از مانور ستاره درخشان "دل دادن به امیران و ملوک و شیوخ ارتجاعی، ضد انقلاب داخلی و خارجی ایران و دولت مهاجم صدام است. در عین حال، پس از شکست طیس، آمریکا متوجه ضعف نظامی خود از جهت عمل در فواصل دور از میدا (ایالات متحده - خلیج فارس) شده است و مایل است با استفاده از مصر و صحرای سینا و عمان و ایجاد پایگاه و اردوگاه و تعمیرگاه، زنجیره "پشتیبانی نظامی" خود را تکمیل کند. اینکه این "ارباب نظامی" در واقع با اقدامات هجومی واقعی نیز میتوانند بدل شود یانه، با توجه به خصلت سبعانه و ماجراجویانه و "گانگستری" سیاست ریگان، امکان محدودی نیست. رهبری انقلابی امام خمینی با خونسردی، ولی با هشجاری ناظر این آتش‌های خطرناک است.

نظایر این مانورها در مدیترانه و دریای کارائیب نیز انجام گرفته و خواهد گرفت. این مانورها از اجزا دائمی سیاست امپریالیستی "حفظ تشنج" است، تا در عین حال بالا رفتن بودجه نظامی و سابقه جنون آمیز تسلیحاتی نیز توجیه شود.

### تروریسم

دولت ریگان با شعار خنده آور

و اسناد جعلی مسافرت و امثال آن تا مین است. مراکز لوس آنجلس، نیویورک، لندن، پاریس، اسلامبول، بغداد، قاهره، ریاض و اسلام آباد با تهران و نقاط دیگر در ارتباطند. طیف این

ضد انقلاب وسیع است. از روحانی‌ها، "مارکسیست" های آمریکائی، حاجی - های میلیاردی، خان‌های عشایر، سیاستمداران ورشکسته، روشنفکران غرب زده، صاحبان ده‌ها و ده‌ها

آپارتمان شهری و بزرگ مالکان گرفته، تا "فی‌فی" می‌می‌های که در مغز گنجشکی آنها هیچ چیز به جز "مد" و "سکس" نیست، و کارمندان و تئیساران مفتخواری که نتوانسته‌اند از "تله" بگریزند، در درون این طیف قرار دارند.

آری، متحدان ریگان در این کشور کم نیستند و همه منتظر معجزه ارباب نشسته‌اند!

در کنار تشکل ضد انقلاب ایرانی در داخل، اوپسی‌ها، آریاناها، پالیز - بانها، بختیارها، جم‌ها، اشرف‌ها، امینی‌ها، بنی‌صدرها، رجوی‌ها و امثال آنها در خارج متشکل میشوند، تا غذای

مهیوع را دیوها و جراید و نشریات ضد - انقلابی را تهیه کنند و عملیات ضد - انقلاب را در داخل کشور، با وعده‌های بیست‌روزه بیست‌روزه، دلگرم نگاه دارند.

وظیفه ضد انقلاب، علاوه بر ترور، ایجاد تفرقه، خرابکاری، پخش شایعه، احتکار، گرانی، کم‌کاری، تحریک هر چه مورج، ناراضی‌تراشی و بی‌آبرو کردن انقلاب (از جمله بدست عناصر

ضد انقلابی که در نهادهای انقلابی جا داده‌اند) رخنه دادن عوامل نفوذی، خرابکاری در صنعت و کشاورزی، جو - سازی، ایجاد گروه‌های فشار و امثال آنست.

امپریالیسم آمریکا به ضرب پول و تهدید، به ضد انقلاب ایرانی که خود در داخل خود انباشته از اختلافات است، میگوید: "بفرما، از منافع غارتگرانه ما و خود دفاع کن!"

در کنار ضد انقلاب ایرانی، امپریالیسم دولت‌های مرتجع منطقه، از مراکز استاندونزی راه سوی ایران کیش مبدهد "و میگوید، تا آنها را علیه انقلاب ایران و برای "منزوی کردن آن در منطقه و جهان متحد سازد.

بدست کسانی مانند بیدی و قطب زاده و بنی صدر، سیاست خارجی مایس از انقلاب مدت‌ها در راه انقلابی و درست خود نبود. دوست و دشمن با هم مخلوط میشود.

هنوز نیز متأسفانه تفکیک دوستان و دشمنان انقلاب در جهان، منطقه و ایران، یک مسئله تاما حل - شده نیست و امپریالیسم از این هرج و مرج قضاوتی به حد اعلی سوء استفاده میکند.

سخن کوتاه، امپریالیسم آمریکا با استفاده از وسائلی که عمده ترین آنها ابر شرمیم، به تلاش خطرناک خود برای سرکوب یا مسخ انقلاب ما ادامه میدهد. روزی که همه انقلابیون صدیق، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، در درک این مسائل متحد الفکر و متحد الکلمه شوند، روز فرخنده‌ایست.

وابستگی اسارتبار به آمریکا

در پایان تابستان ۱۳۶۰ مناسبات میان پاکستان و ایالات متحده آمریکا وارد مرحله‌ای جدید شد. پاکستان شرایط آمریکا را برای معامله - ای سه هزار میلیون دلاری پذیرفت. این امر نتیجه منطقی تماس‌های "اسلام آباد" و "واشنگتن" در ماه‌های پیشین بود. در جریان دیدار آقا شاهی، وزیر خارجه پاکستان، از ایالات متحده آمریکا در بهار ۱۳۶۰، آمریکا موافقت کرد که در پنج سال آینده سه هزار میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی در اختیار پاکستان بگذارد. چند ماه بعد (ژوئن ۱۹۸۱)، باکلی، معاون وزارت خارجه ایالات متحده، به "اسلام آباد" رفت و درباره جزئیات این معامله با رهبری پاکستان به گفتگو نشست. چندی بعد، مک فرسون، مدیر "بانک بین‌المللی عمران" در سفر خود به پاکستان چگونگی "کمک" های آمریکا را به پاکستان در دو سال نخست بررسی کرد. همزمان با سفر مک فرسون، جین کرک پاتریک، نماینده دائمی ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد نیز در پاکستان بود و درباره اعطای هرچه سریع‌تر آن بسیار سینه‌چاک داد. و بالاخره در سفر دوم باکلی به پاکستان، باردیگر مسئله فوریت این "کمک" مطرح شد. در چارچوب این معامله، رژیم نظامی ضیاء الحق از زرادخانه "پنتاگون" جنگنده‌های "اف - ۱۶" دریافت می‌دارد، که به کمک آنها می‌تواند قلب کشورهای همسایه را بمباران کند. این واقعت که نخستین جنگنده‌های "اف - ۱۶"، که به "اسلام آباد" داده می‌شود، قرار بود نخست در اختیار متحدان "ناتو" آمریکا قرار گیرد، نمایشگر شتاب‌زدگی دو طرف است. کمک نظامی آمریکا به پاکستان همچنین هلیکوپترهای "کبرا"، هواپیماهای بار - بری "سی - ۱۳۰" تانکهای "ام - ۴۰" و موشک‌های گوناگون و غیره را دربر می‌گیرد. همه اینها جنگ‌افزارهای تهاجمی است، که تاکنون هیچ یک از کشورهای منطقه در اختیار ندارد و ظهور آنها در شبه قاره اوضاع را در آسیای جنوبی و جنوب باختری از نظر کیفی تغییر خواهد داد و به دوری دیگر از مسابقه تسلیحاتی خواهد انجامید.

"واشنگتن" باتقویت هم پیمانی نظامی خود با "اسلام آباد" نشان می‌دهد که در زمینه پیشبرد "استراتژی قدرت‌نمایی" خود چه قدر و منزلتی برای پاکستان قائل است. به گفته "کاخ سفید"، یکی از هدف‌های این استراتژی عبارتست از تامین توان آمریکا برای "واکنش در برابر بحران - های کشورهای جهان سوم". یکی از مناطقی که "واشنگتن" "منافع" خود را در آن در خطر می‌بیند، آسیای جنوب باختری است. در اینجا سست، فزون بر ایران، کشورهایی چون افغانستان راه پیشرفت و استقلال ملی راستین را بر - گزیده‌اند و حاضر نیستند زیر بار سیاست تاراج و تجاوز امپریالیسم بروند. از اینرو زمامداران "کاخ سفید" تصمیم گرفته‌اند تا با آنها به زبان تهدید و اوعاب سخن بگویند و بدین منظور، از جمله، به تسدراکات تب آلود نظامی دست زده‌اند.

حلقه‌های اصلی این "استراتژی قدرت‌نمایی" آمریکا در برابر کشور - های آسیا چنین است: احداث پایگاه‌های نظامی آمریکا در مصر، عمان، سومالی و شبه جزیره عرب، برنامه برپا کردن پایگاه‌ها در پاکستان، پایگاه بزرگ جزیره "دیه گوگارسا، پشتیبانی "واشنگتن" از رژیم‌های فاشیستی، کمک آن به ضد - انقلابیون افغانی و تصمیم به تولید بمب نوترونی، و همه اینها حلقه‌های یک زنجیر است. استراتژی‌های آمریکا با کسانند پاکستان به نقشه‌های تجاوزکارانه خود نگرانی عمیق کشورهای همسایه را بر - انگیزته‌اند. از ایران و هند که بگذریم، بویژه دولت مردم افغانستان از جنگ اعلام نشده "واشنگتن - پکن -

افغانی" به بافتاق "ضیاء الحق" آنها را مورد تفقد ویژه خود قرار داد ۵۰۰ هزار یوان به آنها هدیه کرد! نخست وزیر چین در کنفرانس مطبوعاتی در راول پندی ضد انقلابیون افغانی را آشکارا فراخواند، تا مبارزه خود را علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان شدت بخشند. او به کشورهای جنوب آسیا باردیگر درباره "باصلطاح" خطر شوری هشدار داد و از آنها دعوت کرد، تا در برابر تجاوز خارجی متحد شوند. گرچه گفتگوهای چین و پاکستان در پیش برده صورت گرفت، ولی شواهد حاکی است که گفتگوها بیش از همه بر سر پیوندهای نظامی میان دو کشور دور میزد. بنابراین، شکفت نیست که

رژیم ضیاء الحق جانشین رژیم شاه در منطقه (قسمت سوم)



مضوغات پاکستان سحر خست وزیر چین را "شاه حسن نیت (چین) نسبت به دولت پاکستان" خواندند، که "معتقد است در معرض خطر دشمنان بالقوه قرارداد."

"ضیاء الحق" در جریان یکی از دیدارهای خود با "ژائوزیانگ"، گفت که مناسبات میان دو کشور "بی نظیر" است. بنیمن منظور او چه بود؟ یازده سال پیش (سپتامبر ۱۹۷۰) هیئتی بلند پایه از نیروی دریایی پاکستان از پکن دیدار و با "صدر مائو" ملاقات کرد. پس از این سفر، چین دو وام هنگفت به "اسلام آباد" اعطا داشت و دولشگر آنرا به سلاح و مهمات مجهز ساخت. چندی نگذشت که نیروی

همکاری نظامی ایالات متحده - پاکستان آن بخش از محافل هیئت حاکمه پاکستان را، که همواره مخالف با عادی سازی مناسبات این کشور با "جمهوری دمکراتیک افغانستان" بوده است، جری ترمی سازد و سکان سیاست خارجی پاکستان را در جهت پشتیبانی از تجاوزکارهای امپریالیستی به دست نمایندگان آن می‌سپارد. جالب آنست که ایالات متحده آمریکا درست هنگامی فعالیت‌های خود را برای کشاندن پاکستان به مدار سیاست مداخله گرانه خود شدت بخشید، که ضد انقلابیون افغانی هرچه بیشتر نفوذ خود را از دست می‌دادند و "جمهوری دمکراتیک افغانستان" پیشنهاد های سازنده‌ای را برای عادی کردن مناسبات خود با پاکستان ارائه داشت. آمادگی "کابل" برای مذاکرات دو جانبه یا سه جانبه با پاکستان و ایران در حضور دبیرکل سازمان ملل متحد بنامینده، او گام مثبتی است در راه حل "مسئله" افغانستان و تنش‌زدایی در منطقه. اما طبعاً چنین پیشنهادهای سازنده‌ای اصلاً با مذاق "واشنگتن" سازگار نیست.

محور واشنگتن - پکن - اسلام آباد

"ژائوزیانگ" نخست وزیر چین، در تابستان ۱۳۶۰، سفری چهار روزه به پاکستان کرد، که در جریان آن با "ضیاء الحق" رئیس جمهور "آقا شاهی" وزیر خارجه پاکستان به گفتگو نشست. "ژائوزیانگ" در دیداری از یکی از به اصطلاح اردوگاه‌های "پناهندگان

دریایی پاکستان از اژدر افکن‌ها، ضد - زیر دریایی‌ها، ناوچه‌ها و زیر دریایی - های چینی بهره‌مند شد. کمک نظامی چین به پاکستان، که اکنون به ۲۰۰۰ میلیون یوان رسیده است، بویژه پس از پیروزی انقلاب افغانستان (آوریل ۱۹۷۸) ابعادی سخاوتمندانه یافت. یادآور می‌شویم که "پکن" هم اکنون لیستی از باصلطاح "سرزمین‌های از دست داده" به افغانستان ارائه داشته است.

نخستین پایگاه آموزش ضد - انقلابیون افغانی در بهار ۱۳۵۷ در پاکستان احداث شد و از آن هنگام سیل سلاح‌ها و مهمات چینی از جاده قره قرم بسوی واحدها و گروهک‌های خرابکار روان گشت، که نزد کارشناسان و "اسلام شناسان" آمریکایی و چینی تعلیم می‌بینند. سال گذشته، نخستین جنگنده‌های چینی، بر پایه قرارداد سری میان چین و پاکستان (ژوئن ۱۹۸۰) به "اسلام آباد" واگذار شد. بنوشته روزنامه ژاپنی "جوگوکو کوجیوتسوشین" "اسلام آباد" امسال ۶۵ جنگنده چینی و مقدار زیادی موشک‌های ضد - هوایی از پکن دریافت خواهد داشت. بدینسان پاکستان هرچه بیشتر به یکی از بزرگترین گاو نوح‌های تنش‌فزایی و ناامنی آفرینی در آسیای جنوب باختری بدل می‌گردد. "واشنگتن" و "پکن" در این زمینه نقش بزرگی ایفا می‌کنند. دولت هند بارهانگرانی خود را از محور "واشنگتن - پکن - اسلام آباد" ابراز داشته است، که خطر بلاواسطه‌ای برای هند به شمار می‌رود. س. پاتیل، وزیر دفاع پاکستان، تاکید کرده است که مشاوران نظامی چین در اردوگاه‌های گوناگون پاکستان به تعلیم خرابکاران ضد هندی اشتغال دارند.

دهلی نیک آگاه است که "اسلام آباد" هرچه سریع‌تر در راه رویارویی با هند گام برمی‌دارد و "پکن" و "واشنگتن" پاکستان را به پایگاهی برای پیشبرد سیاست‌های تجاوزکارانه خود تبدیل می‌کنند. بر پایه گزارش‌هایی چند، پاکستان بیاری چین به ساختن ۱۲ پایگاه نظامی در مناطق مرزی خود باهند دست یازیده است. چنانکه روزنامه‌های هند - خاظرنشان ساخته‌اند، ادعاهای چین درباره تمایل به عادی سازی مناسبات خود با هند، با سیاست واقعی آن مغایرت دارد. آنها دیدار نخست وزیر چین را از "اسلام آباد" چنین تعبیر کرده‌اند که چین نزدیکی هرچه بیشتر مناسبات خود را با "اسلام آباد" بر عادی سازی روابط خویش با "دهلی" ترجیح می‌دهد. یکی از هدف‌های آمریکا و چین از تسلیح پاکستان، اعمال فشار بر دولت هند برای ترک سیاست خارجی ضد امپریالیستی آنست.

"اینندیرا گاندی" نخست وزیر هند بارهانگرانی عمیق خود را از واگذاری عظیم سلاح‌های چینی و آمریکایی به پاکستان اعلام داشته است. به گفته وی:

پاکستان ضیاء الحق و رژیم شاه

"اکنون برای غرب یک مسئله حیاتی است که پاکستان و "پیمان سنتو" را تقویت کنند... اکنون اهمیت سوق الجیشی پاکستان از همه چیز بیشتر است و در حال حاضر آخرین و تنها کشوری است که بین شوروی و دسترسی آن به اقیانوس هند قرار گرفته است."

۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷: آقا شاهی سپس به ترکیه می‌رود. روزنامه "دیلی نیوز" چاپ پاکستان در این باره می‌نویسد: "این نوع دیدارها همواره عامل اصلی مناسبات دو کشور بوده است. علاوه بر این، دو کشور مسلمان و همسایه ایران و پاکستان پیوسته در مورد مسائل مهم جهانی و منطقه‌ای عقاید و نظرات یکدیگر را جویایمی شوند... ایران همواره یک دزد قدرت برای پاکستان در لحظات نیاز باقی مانده است و ماهیچه از پشتیبانی ایران بهره‌مند شده ایم." ۱ خرداد ۱۳۵۷: کنفرانس وزیران خارجه ایران، ترکیه و پاکستان در آنکارا تشکیل می‌شود. ۲ خرداد ۱۳۵۷: بگزارش "کیهان"، "کنفرانس آنکارا" به این نتیجه رسید که رژیم جدید افغانستان یک منبع خطر برای ایران و پاکستان است.

۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ (دو هفته بعد از "انقلاب ثور" افغانستان): آقا شاهی، مشاور رسمی دولت پاکستان و وزیر خارجه کنونی این کشور برای "تقدیم پیام ویژه ضیاء الحق" به "شاهنشاه آریامهر" به ایران می‌آید. وی در تمجید از دیکتاتور وابسته ایران می‌گوید: "ما به شاهنشاه آریامهر بعنوان یکی از برجسته ترین شخصیت‌های سیاسی جهان می‌نگریم. بنابراین مابه مشورت با معظم له ارج بسیار می‌نهیم." بنیمن این مشورت "پیرامون چه سائلی است: بگزارش "کیهان" ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷، آقا شاهی "در زمینه مسائل مربوط به منطقه، بویژه تحولات اخیر در افغانستان و همچنین روابط دو کشور به تبادل نظر می‌پردازد." ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ - "کیهان" می‌نویسد: "آقا شاهی مذاکرات خود را در تهران بسیار سودمند خواند و گفت در گفتگوهای با مقامات ایرانی (عباسعلی خلعتبری، جمشید آموگار، امیر عباس هویدا و محمدرضا پهلوی - "اتحاد مردم") به نتایج مطلوبی، که انتظارش را داشته، دست یافته است." همزمان با این دیدار، رادیو بی. بی. سی.، "بمنقل از مطبوعات پاکستان خبری می‌دهد که: آقا شاهی موضوع تقویت "پیمان سنتو" را با مقامات ایرانی مورد بحث قرار داده است." ("کیهان" - ۲۰ اردیبهشت ۵۷). بی. بی. سی. "بمنقل از" منابع مطلع در پاکستان می‌افزاید:



### خطر آمریکا جدی است

حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای ریاست جمهوری اسلامی ایران، در پیامی که هفته گذشته فرستاد، بر جدی بودن خطر دشمن بار دیگر تأکید کرد. در این پیام، که به مناسبت سومین سالروز تهاجم مزد ران رژیم پهلوی به بیمارستان امام رضای مشهد فرستاده بود، از جمله آمده بود:

"آن‌ها که از انقلاب محرومان و مستضعفان جامعه ما آسیب دیده‌اند و سد محکم و استوار این امت را مانع غارت و چپاول خویش در ایران و جهان می‌بینند، اکنون در جبهه متحد ضد انقلاب علیه اسلام و انقلاب اسلامی ایران سرگرم توطئه‌اند. ساده‌اندیشی است اگر گمان کنیم که دشمن ما را رها کرده است. (صبح آزادگان - ۲۴ آذر ۶۰)." **رئیس جمهور هم چنین، در مصاحبه با روزنامه "جمهوری اسلامی"، در ارتباط با مانورهای نظامی آمریکا گفت:**

"این مانورها بعد نظامی طرح فهد است و برای این است که کسانی که به این طرح تسلیم می‌شوند امیدوار شوند... و هم چنین این مانورها مقدمه‌ایست برای پایه‌گذاری در کشورهای اسلامی منطقه، یعنی این مانور به آمریکا امکان می‌دهد که در مصر، در عمان، در سوئالی، در سودان پایگاه‌های استوار و ثابت خود را برقرار کند، که در آن صورت سلطه آمریکا بر دیگر یک سلطه دورادور در منطقه خواهد بود، بلکه مثل حضور اسرائیل یک حضور نظامی در منطقه خواهد داشت. (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذر ۱۳۶۰)." **باید گفت که سخنان رئیس جمهور عین واقعیت است. حضور گسترده**

## در هفته‌ای که گذشت:

نظامی آمریکا در منطقه، رف و آمدهای سران امپریالیست‌ها در کشورهای خاورمیانه و خلاصه همه‌فعل و انفعالات نشان می‌دهد که خطر آمریکا جدی و فوری است. برای مقابله با این خطر، چنان‌که رئیس‌جمهور در پیام یادشده گفته است:

"برماست که با هشجاری کامل و حفظ وحدتی که خونبهای شهیدان ماست، دشمنان اسلام و انقلاب را خلع سلاح کنیم."

### باز هم تاکید بر بازگشایی دانشگاه

آیت‌اله منتظری در دیدار هفته گذشته خود با اعضای ستاد انقلاب اسلامی، بار دیگر بر ضرورت بازگشایی دانشگاه‌ها تأکید کرد. دکتر سروش در باره این دیدار گفت:

"در ملاقات با آیت‌اله منتظری، ایشان هم همانطور که مورد نظر امام بود، مجدداً تأکید کرد که از تأخیر انداختن بازگشایی و نوگشایی دانشگاه‌ها پرهیز شود و به این انتظار نشینیم، تا حتماً بارگان‌های ایده‌آلی در زمینه انقلاب فرهنگی برسیم. (صبح آزادگان - ۲۴ آذر ۱۳۶۰)" **در مورد نحوه انتخاب استادان دانشگاه، دکتر سروش نظر آیت‌اله منتظری را به این شرح بیان کرد:** "در زمینه مسائل مربوط به اساتید، همانگونه که امام فرمودند، ایشان هم نظرشان این بود که همین قدر که اساتید علوم و وطن‌دوست، خدمت‌کار به مردم و متخصص باشند و پیشرفت اجتماعی قربانی‌های فراوانی داده‌است. بویژه در چهار سال اخیر چندین تن از رهبران حزب بدست دژخیمان "ضیاءالحق" دشمنانه به قتل رسیده‌اند. برای نمونه، جلادان رژیم پاکستان در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ (۹ اوت ۱۹۸۰) "نظیر بیاس"، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان و نایب رئیس "اتحادیه" فدرال دانشجویان پاکستان را زیر شکنجه‌های وحشیانه بقتل رساندند. از سوی دیگر، "جام ساقی"، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی "حزب کمونیست پاکستان"، بیش از سه سال است، که در بند رژیم جنایت‌پیشه "ضیاءالحق" بسر می‌برد و پی در پی شکنجه می‌شود. خواست نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان برای آزادی و ناکتونی بی‌نتیجه مانده‌است.

ضمن برخورداری از شایستگی تدریس، معاندتی با نظام جمهوری اسلامی نداشته و متجاهر به فسق نباشد، کافی است. اکنون همگان منتظرند که بعد از رهنمودهای رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تأکیدات اله منتظری، هم چنان که برخی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی وعده داده‌اند، هر چه زودتر دانشگاه‌ها باز و یکی از مشکلات مهم کشور حل شود.

### همه باید قانون را اجرا کنند

هفته گذشته مسئولان مختلف مملکتی بر روی قانون و ضرورت اجرای آن برای همگان باز هم تأکید کردند. آیت‌الذریابی املشی دادستان کل کشور در مصاحبه‌ای گفت:

"مسئله‌ای را که خیلی مهم است و من باید تذکر دهم، اینست که این فرهنگ در بین مردم متدین و حزب‌الهی ما حاکم است که تصور می‌کنند، اگر حزب‌الهی شده‌اند، یعنی باید هر کاری را به هر صورتی به انجام رسانند، ولو این که با مقررات و قوانین هم مخالفت داشته باشد، و من از همین فرصت استفاده می‌کنم و خدمت همه برادرها و خواهرهای حزب‌الهی متدین را نه تنها نباید مقررات را زیر پا بگذارند، بلکه باید تیلورو نمونه قانون باشد. این تخلفات که از طرف مردم زیاد دیده می‌شود و تصور می‌کنند که اگر بخواهند قانونی عمل نکنند، کارها پیش نمی‌رود، در صورتی که به این مطلب باید توجه داشته باشند، اگر دارودسته نظامی به حزب نامبرده به این شناخت کمک کرد. "حزب کمونیست پاکستان" آگاهی یافت که هواداران "حزب مردم پاکستان" بخش وسیعی از زحماتشان را در بر می‌گرفتند. فزون بر این، بسیاری از مسئولان "حزب مردم پاکستان" جوانان مترقی و مخالف با رهبری فتوئدال حزب پیش از تابستان ۱۳۵۶ (ژوئیه ۱۹۷۷) بودند. "حزب کمونیست پاکستان" یادآور شد که چنین عناصر مترقی در برخی از دیگر احزاب نیز فعالیت می‌کنند.

حدهر یک مورد خاصی تخلف از قانون کار را زود از پیش ببرد، اما در مجموع یقیناً به نفع مملکت نخواهد بود. بعضی از مسئولین هم درست همین تصور را دارند و خیال می‌کنند کارها را باید زود انجام بدهند. مخصوصاً در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب، سپاه پاسداران و یا مقداری هم بنیاد مستضعفان. این‌ها به قول خودشان کارهای انقلابی را، که منطبق با قانون هم نبوده، انجام می‌دادند و این‌ها در مجموع موجب ناراحتی و گرفتاری برای مسئولین و هم برای مردم شده‌بود و امام به مقررات قانون خیلی مقید هستند و می‌فرمودند، اگر من هم کاری را انجام می‌دهم، که توجه به قانون ندارم، تذکر بدهید، چون هیچ میل ندارم که خلاف قانون کاری انجام شود و این مسئولیتی است که بر عهده همه ماست، که باید مقررات و قوانین را مراعات کنیم و یقین بدانیم که با قانون بهتری می‌توانیم پیش برویم. (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذر ۱۳۶۰)" **حجت الاسلام ناطق نوری وزیر جدید کشور نیز اعلام کرد:** "تصمیم قاطع دارم با قانون - شکنی به هر شکل مبارزه کنم. (کیهان - ۲۵ آذر ۱۳۶۰)" **وزیر بروجرد کشور در سخنان خود، قبل از خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته تهران، باز هم بر ضرورت اجرای قانون تأکید کرد و گفت:** "باید توجه داشته باشیم که فرمان امام و گفتار امام باید آویزه گوشمان باشد که سال سال قانون است و با قانون - شکنی سخت مبارزه خواهد شد. (جمهوری اسلامی - ۲۸ آذر ۱۳۶۰)" **این سخنان نویدبخش، خیر از برنامه جدی مسئولان درجه اول کشور برای استقرار قانون می‌دهد. اکنون در عمل باید در انتظار سلطه قانون و مبارزه بی‌امان و بدون استثنا با قانون - شکنان بود.**

### تجار و واسطه‌ها مخالفان طرح خرید برنج

آقای حاجی استاندار مازندران در گفت‌وگویی با روزنامه اطلاعات، در باره طرح خرید برنج از کشاورزان توسط دولت گفت:

"به نظر من طرح خرید برنج طرحی است انقلابی و موثر برای کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دلال‌هایی که هیچ نقش مثبت و سازنده‌ای ندارند. جز این که برای کسب منافع سرشار خود، بدون انجام کار تولیدی، دست به هر عمل خائنه، احتکار، ایجاد بازار سیاه، رکود اقتصادی و در یک کلام "ترور اقتصادی" علیه حکومت جمهوری اسلامی می‌زنند و لازم است که دولت بسیج اقتصادی کشور در مقابل اعمال این گروه سودجو، که به اشکال مختلف و در لاف‌های خیرخواهانه و گاهی تهدیدآمیز بروز می‌کند، قاطعانه بایستند. (اطلاعات، ۲۴ آذر ۶۰)" **استاندار مازندران در ادامه مصاحبه گفت که بعد از اعلام طرح خرید برنج: "این عناصر (تجار و واسطه‌ها) دنبال گرفتن چنین مجوزی" (از مقامات مسئول برای خرید برنج) نرفتند و مستقیماً وارد بازار خرید برنج شدند و با دولت به رقابت و بلکه به مخالفت پرداختند و آزاد گذاشتن آن‌ها نیز قطعاً مایه‌های سوئی خواهد داشت. این سخنان استاندار مازندران یکبار دیگر نشان می‌دهد که در عمل این سرمایه‌داران غارتگر هستند که با کوچک‌ترین اقدام به سود اقتصاد کشور مخالفتند و با تمام نیرو به مبارزه با آن می‌پردازند. این تجربه بار دیگر ثابت می‌کند که هرگونه تحول بسود محرومان کشور ممکن نیست، مگر با خلع یداز سرمایه‌داران غارتگر و کلان زمینداران.**

### رژیم ضیاءالحق

بقیه از صفحه ۸  
علیه "بوتو" شرکت داشت، "اتحاد ملی پاکستان" را با خاطر همکاری حزب اخیر با نظامیان ترک کرد. جناح چپ "حزب ملی دمکرات" به رهبری "بوکس بیزنجو" (فرماندار پیشین بلوچستان) دو سال پیش "حزب ملی پاکستان" را تشکیل داد. ولی گفتگوهای این حزب با "حزب مردم پاکستان" درباره ائتلاف انتخاباتی میان آنها به شکست انجامید. جنبش آزادی بخش خلق بلوچ نیز راضی نشد که مبارزه مسلحانه را رها و با دیگر احزاب ائتلاف کند. "اتحاد ملی پاکستان" عملاً متلاشی شده‌است. علاوه بر "حزب ملی دمکراتیک پاکستان"، گروه بورژوا لیبرال "تحریک استقلال"، اصغر خان، "جامه" اسلامی و "جمعیت العلماء" نیز "اتحاد ملی پاکستان" را ترک کرده‌اند. اکنون مهمترین نیروی "اتحاد ملی پاکستان" را "جمعیت اسلامی" تشکیل می‌دهد، که حزبی با تمایلات افراطی مذهبی است و از عربستان سعودی پول می‌گیرد. گفته می‌شود که "ضیاءالحق" در این حزب عضویت دارد. "جمعیت اسلامی" در کشتارهای بنگال شرقی سهمی بسزا داشت، زیرا به عقیده آن "اسلام رانمی توان بدون کمک پلیس تحقق بخشد". این جمعیت پس از اعدام "بوتو" تظاهراتی به پشتیبانی از دولت نظامی برراه انداخت. اما شرکت دانشجویان این حزب در حمله به سفارت ایالات متحده آمریکا در اسلام آباد، به عنوان واکنش در برابر اشغال مکه نشان داد که در جنبش اسلامی پاکستان نیز عناصر ضد امپریالیستی رفته رفته فعال می‌شوند. "حزب کمونیست پاکستان" از سال ۱۳۴۳ (۱۹۵۴) تاکنون ممنوع است. این حزب همواره هدف وحشیانه ترین حملات ارتجاع پاکستان بوده و در راه سارزه علیا امپریالیسم و برای دمکراسی

پاکستان "در آستانه تشکیل جمعه" متحدی قرار گرفتند. اما در آخرین لحظه با بروز موجی از اعتراضات ضد رژیم در پاکستان، بخشی از دارودسته نظامی موفق شد که "حزب مردم پاکستان" را از این اتحاد بازدارد و آنگاه به تشکیل "جنبش برای استقرار دمکراسی" برانگیزد. متحدان "حزب مردم پاکستان" احزاب ارتجاعی هستند، که به عقیده "حزب کمونیست پاکستان" "برنامه آنها هدفی جز جابجایی مهره - ها ندارد."

### برخی رویدادهای مهم تاریخ پاکستان

- ۱۹۴۷ (۱۴ اوت): تشکیل کشور پاکستان پس از تقسیم "هند بریتانیا"
- ۱۹۴۷ (۳۰ سپتامبر): عضویت پاکستان در سازمان ملل متحد
- ۱۹۴۷ اکتبر ۲۲ تا ۱ ژانویه ۱۹۴۹: برخورد مسلحانه با هند در باره کشمیر.
- ۱۹۵۴ (۸ سپتامبر): پیوستن پاکستان به "سیتو"
- ۱۹۵۵ (۲۳ سپتامبر): پیوستن پاکستان به "پیمان بغداد" (بعد ها "سنتو")
- ۱۹۵۶ (۲۹ فوریه): اعلام تشکیل "جمهوری اسلامی پاکستان"
- ۱۹۵۸ (۲۷ اکتبر): کودتای نظامی ایوب خان
- ۱۹۶۵ (سپتامبر): برخورد مسلحانه با هند
- ۱۹۶۶: "بیانیه تاشکند" با هند
- ۱۹۶۹ (مارس / آوریل): استعفای ایوب خان و بروی کار آمدن یحیی خان
- ۱۹۷۰ (۷ دسامبر): نخستین انتخابات همگانی مستقیم در پاکستان
- ۱۹۷۱ (۲۶ مارس): آغاز نبرد مسلحانه در "بخش خاوری" پاکستان (بنگلادش) در راه استقلال ملی
- ۱۹۷۱ (۲۳ دسامبر): آغاز تجاوز نظامی رژیم پاکستان علیه هند
- ۱۹۷۱ (۱۶ دسامبر): تسلیم نیروهای مسلح پاکستان در داکا، روز پیروزی خلق بنگلادش
- ۱۹۷۱ (۲۱ دسامبر): بروی کار آمدن "بوتو"، اعلام "برنامه نوسازی ملی"
- ۱۹۷۲ (۳ ژوئیه): امضای قرارداد "سیملا" با هند و خروج از "سیتو"
- ۱۹۷۳ (۱۴ اوت): شروع اجرای قانون اساسی جدید پاکستان
- ۱۹۷۴ (۹ آوریل): امضای قرارداد سه جانبه میان پاکستان، هند و بنگلادش.
- ۱۹۷۷ (ژوئیه): سرنگونی بوتو و کودتای ارتش
- ۱۹۷۸ (۱۶ سپتامبر): "ضیاءالحق" رئیس جمهور می‌شود
- ۱۹۷۹: تلاشی "سنتو" پس از انقلاب ایران و پیوستن پاکستان به جنبش غیرمتعهدها.

بعضی از مسئولین هم درست همین تصور را دارند و خیال می‌کنند کارها را باید زود انجام بدهند. مخصوصاً در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب، سپاه پاسداران و یا مقداری هم بنیاد مستضعفان. این‌ها به قول خودشان کارهای انقلابی را، که منطبق با قانون هم نبوده، انجام می‌دادند و این‌ها در مجموع موجب ناراحتی و گرفتاری برای مسئولین و هم برای مردم شده‌بود و امام به مقررات قانون خیلی مقید هستند و می‌فرمودند، اگر من هم کاری را انجام می‌دهم، که توجه به قانون ندارم، تذکر بدهید، چون هیچ میل ندارم که خلاف قانون کاری انجام شود و این مسئولیتی است که بر عهده همه ماست، که باید مقررات و قوانین را مراعات کنیم و یقین بدانیم که با قانون بهتری می‌توانیم پیش برویم. (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذر ۱۳۶۰)" **حجت الاسلام ناطق نوری وزیر جدید کشور نیز اعلام کرد:** "تصمیم قاطع دارم با قانون - شکنی به هر شکل مبارزه کنم. (کیهان - ۲۵ آذر ۱۳۶۰)" **وزیر بروجرد کشور در سخنان خود، قبل از خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته تهران، باز هم بر ضرورت اجرای قانون تأکید کرد و گفت:** "باید توجه داشته باشیم که فرمان امام و گفتار امام باید آویزه گوشمان باشد که سال سال قانون است و با قانون - شکنی سخت مبارزه خواهد شد. (جمهوری اسلامی - ۲۸ آذر ۱۳۶۰)" **این سخنان نویدبخش، خیر از برنامه جدی مسئولان درجه اول کشور برای استقرار قانون می‌دهد. اکنون در عمل باید در انتظار سلطه قانون و مبارزه بی‌امان و بدون استثنا با قانون - شکنان بود.**

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و...

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## درباره اقدام توطئه‌گرانه و نفاق افکنانه کشتگر و هلیل رودی

اخیرا در تهران و برخی شهرستان‌ها جزوهای تحت‌عنوان "با انحلال‌طلبی مبارزه کنیم، از وحدت اصولی دفاع نمائیم" با امضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پخش شده است. نویسندگان این جزوه که به دروغ خود را "سازمان" نامیده‌اند، بدون اطلاع کمیته مرکزی و هیچیک از کمیته‌های ایالتی سازمان به چنین اقدامی دست زده‌اند.

طراح اصلی این نقشه فردی به نام دکتر هلیل‌رودی (برهام) استاد دانشگاه و فعال سابق کنگدراسیون در خارج از کشور است که سال گذشته توسط علی‌محمد فرخنده جهرمی که در محافل روشنفکری به علی‌کشتگر شناخته شده برای عضویت به سازمان معرفی شده است. نویسنده اصلی جزوه علی‌کشتگر از فعالین سابق کانون نویسندگان است که پس از انقلاب به سازمان پیوسته است.

نویسندگان این جزوه امپریالیسم آمریکا، دولت‌های ارتجاعی منطقه و همه دشمنان کینه‌توز انقلاب ما را بکلی به فراموشی سپرده‌اند و لبه تیز حمله خود را متوجه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ساخته و آنان را آماج تهمت‌ها و افتراات نام‌روای خود قرار داده‌اند. آنها در تمام جزوه خود تلاش کرده‌اند نیروهای مردم و متزلزل بینایی را به سوی خود جلب و علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به مبارزه بکشانند.

آنها به این دروغ بزرگ متوسل شده‌اند که گویا کمیته‌های ایالتی استان‌های مختلف نماینده انتخاب کرده و برای شرکت در این اقدام توطئه‌گرانه به تهران فرستاده‌اند. آنها بدین وسیله خواسته‌اند در ذهن مردم این توهم را بوجود آورند که گویا توانسته‌اند سازمان را بشکنند و بعضی از ارگان‌های رهبری سازمان را با خود همراه سازند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این خبر دروغ را به شدت تکذیب و عمل سازمان‌شکنانه و ضدکمونیستی و غرض‌آلود آنان را قویاً محکوم می‌کند.

افکار علی‌کشتگر و دوست او دکتر هلیل‌رودی از مدت‌ها قبل به دلیل وجود تزلزلات جدی در برخورد آنها با حادترین مسائل انقلاب شکوهمند مردم ما به‌ویژه به علت تزلزل در افشای قاطع آزادی‌خواهی دروغین لیبرال‌ها، تزلزل در محکوم‌شناختن بانس بنی‌صدر در برابر خط امام، تزلزل در برخورد با رهبری خائن مجاهدین و همچنین به دلیل ادامه ضدیت کینه‌توزانه با حزب توده ایران در نظر همه نیروهای آگاه و هشیار سازمان ما افکاری شبه‌مائوئیستی، لیبرالی و راست‌روانه شناخته شده و مطرود گردیده بود. با این همه کمیته مرکزی سازمان تمام تلاش‌های مسئولانه و تمام امکانات موجود خود را بکار بست تا آنها را برای غلبه بر اشتباهات و افکار غیرانقلابی‌شان یاری دهد. و به‌ویژه ضعف آنان را در بیگانگی با روح انصابتی سازمانی برطرف سازد. لاکن متأسفانه سازمان تا امروز هنوز موفق نشده است عمق ضعف و انحراف فکر آنان را ریشه‌کن سازد. آن‌ها هرچه بطور سطحی انتقادات را می‌پذیرفتند لاکن در عمل همچنان بر ادامه ضعف‌ها و حفظ انحراف فکر خود اصرار می‌ورزیدند.

در شرایطی که انقلاب ما یکی از بغرنج‌ترین مراحل رشد خود را می‌پیماید، در شرایطی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا تلاش‌های خود را برای سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی ایران لحظه به لحظه تشدید

می‌کند، در شرایطی که خطر تجاوز نظامی از جانب کشورهای ارتجاعی منطقه روز به روز افزایش می‌یابد، در شرایطی که رژیم جنایتکار صدام، علیرغم تمام شکست‌های مهلک همچنان بر ادامه تجاوز نظامی به کشور ما اصرار می‌ورزد و در شرایطی که همه نیروهای مدافع بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری با چنگ و دندان به جان انقلاب افتاده‌اند تا جلوی انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی را بگیرند، در شرایطی که محافل دست‌راستی افراطی مذهبی از قبیل انجمن حجتیه و "احزاب" نویسان آن هرچه در چنته دارند رو می‌کنند که دشمنی‌ها و نفاق‌ها را در میان صفوف خلق ما دامن زنند در شرایطی که رهبری خائن مجاهدین، جبهه‌ها و نهضت‌های ورشکسته لیبرالی، مائوئیست‌های آمریکایی، گروهک‌های چپ‌رو و چپ‌نما، سلطنت‌طلبان و ساواکی‌ها و نظائرشان همه و همه عملاً دست در دست هم گذاشته و با ایجاد اغتشاش، ترور، آشوب، ناامنی و کارشکنی در تولید و غیره همه تلاش خود را علیه مصالح خلق ما بکارانداخته‌اند برعهده نیروهای سیاسی آگاه و انقلابی است که با برگرداندن همه قلم‌ها و قدم‌ها، با برگرداندن همه مشت‌ها و مسلسل‌ها به سوی جبهه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امپریالیسم آمریکا صفوف خود را فشرده‌تر سازند و اجازه ندهند خیل دشمنان دیوسرت خلق ما از اختلافات نظر میان ما، ولو اینکه این اختلاف نظرها جدی هم باشد، به سود خود بهره‌برداری نمایند و از این طریق بین صفوف مردم تفرقه بیندازند. در چنین شرایطی نیاز اساسی انقلاب، وحدت و اتحاد همه نیروهای مدافع آماج‌های انقلاب است. در چنین شرایطی پیگیرترین و صدیق‌ترین نیروهای مدافع انقلاب مسئولیتی دوجندان برعهده دارند.

با کمال تأسف در شرایطی این چنین خطیر نتیجه کار دسته‌ای که هلیل‌رودی و کشتگر می‌گویند بوجود بیایند چیزی جز تشدید نفاق و چنددستگی نخواهد بود. نتیجه کار آنها چه خود بخواهند و چه آن را انکار کنند، درست به همان‌گونه که سراپای جزوه‌شان نشان می‌دهد چیزی نیست جز رها کردن امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی و خارجی آن و کشاندن اذهان به دشمنی با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت). آنها در این بحبوحه نبرد نیروهای مدافع انقلاب با دشمنان آن به جای اینکه همه سعی خود را در راه تحکیم وحدت نیروهای سازمان بکار گیرند، به جای اینکه از گسترش فعال اتحاد عمل و همفکری و مشاوره میان همه نیروهای مدافع انقلاب با تمام وجود استقبال کنند به‌جای اینکه همه سعی‌شان این باشد که چگونه از چهره‌طریق می‌باید گامی در راه اتحاد همه نیروهای خلق بردارند، راه وحدت‌شکنی و ایجاد تشتت میان نیروهای پیگیر مدافع انقلاب را در پیش گرفته‌اند. آنها تمام تلاش خود را بکار گرفته‌اند که اگر بتوانند حتی با توسل به شیوه‌های کاملاً توطئه‌گرانه به سازمان ما ضربه بزنند، سازمانی که در تمامی عرصه‌های نبرد انقلابی، جانبازانه و دوشادوش سایر نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌رزد. سازمانی که میراث گرانقدر صدها تن از فداکارترین فرزندان شهید خلق ماست.

فکری که هلیل‌رودی، کشتگر و نظائرشان دنبال می‌کنند آنها را به کدام طرف می‌کشاند. و عملشان در خدمت کیست؟ فکری که در میان همه جار و جنجال‌های جزوه مطول آنها کاملاً برجسته است وحدت‌شکنی زیر شعار وحدت و ایجاد پراکندگی و تفرقه خطرناک در میان نیروهای پیگیر انقلاب ایران است. این

فکر صاحبان آن را به کدام سو می‌کشاند و دست دوستی چه کسانی را به روی آنان دراز می‌کند؟

کمیته مرکزی سازمان در برخورد رو در رو با آنها صراحتاً به ایشان اعلام کرده است که هرگام ایشان در دور شدن از سازمان و هر قدم ایشان علیه حزب توده ایران قبل از همه با استقبال گرم همه نیروهای رنگارنگ جبهه ضد-انقلاب و محافل دست راستی افراطی از قبیل حجتیه‌ای‌ها و "احزاب" نویسان مواجه خواهد شد این محافل آماده خواهند بود تا هرچه ایشان علیه ما و حزب توده ایران و در دفاع از وحدت شکنی و تفرقه جویی بنویسند، با کمال میل تکرار کنند. ما به آنها صراحتاً گفته‌ایم یقین داشته باشند که اگر در مبارزه علیه پیروان اصیل سوسیالیسم علمی اصرار کنید مائوئیست‌های آمریکایی حزب رنجبران نیز مشتاقانه سراغ شما را خواهند گرفت که کم‌تکان کنند. ما به آنها گفته‌ایم که نقشی که شما در سر دارید راه را باز می‌کند که انواع و اقسام تفاله‌های آمریکایی خود را همراه شما بیابند و دست‌دوستی به سوبتان دراز کنند. ما به آنها گفته‌ایم که عمل شما عملی است علیه منافع طبقه کارگر و منافع انقلاب و درست به همین دلیل هر چقدر هم که کلام‌تان را در زورق‌های الوان بیچید باز هم شامه تیز هر عنصر ضدانقلابی بوی عملتان را می‌شود و سراغتان را می‌گیرد.

تجربه انشعاب خلیل‌ملکی در ۳۵ سال پیش نمونه قدیمی‌تر همین جریان است که اکنون هلیل‌رودی - کشتگر در پی ایجاد آن هستند. خلیل ملکی نیز داعیه انقلابی‌گری داشت. او نیز ابتدا خود را مدافع خلق، متحد جنبش جهانی کارگری و مبهین‌پرست و انترناسیونالیست وانمود می‌کرد. اما طولی نکشید که ستیز او با جنبش کارگری عملاً موجود ایران در آن زمان او را به سمت جناح‌های دست راستی حکومت سوق داد راهی که دسته او در پیش گرفته بود چنین چیزی را اقتضا می‌کرد. ادامه انحراف، حتی علیرغم عدم تمایل اولیه برخی از افراد، آنها را جیرا به سوی نیروهای دست‌راستی می‌کشید و کشید. فکر خلیل‌ملکی او را با مظهر بقایای‌های دولت‌مصدق نزدیک واز دکتر فاطمی‌های آن، دور می‌ساخت.

خلیل ملکی بعدها حتی از این هم رسواتر شد او در سال‌های بعد از کودتا حتی حاضر شد برای ادامه مبارزه‌اش با حزب توده ایران دست یاری محافل حکومت کودتا را هم بفشارد. تجربه انشعاب باندفروتن وقاسمی (سازمان انقلابی!) از حزب توده ایران نیز نمونه دیگری از همین اقدامات است. تمام کسانی که سازمان ما را ترک کرده‌اند نیز در عمل نشان داده‌اند که به همان میزان که بیشتر با سازمان دشمنی کرده‌اند، به همان میزان که بیشتر آماده شده‌اند علیه پیگیرترین نیروهای انقلابی فعالیت کنند، به همان میزان بیشتر او در روی نیروهای مدافع انقلاب و مورد تشویق بلندگوهای ضدانقلابی قرار گرفته‌اند.

افکار و گرایش‌های انحرافی کشتگر و هلیل رودی کدام نیروهای اجتماعی را جذب می‌کند؟ تا قبل از تحولات چندماهه اخیر جریان‌های چپ‌رو نظیر مجاهدین، اقلیت و نظائرشان همراه و همگام با لیبرال‌ها و همه‌باند‌های ضدانقلابی تمام تلاش خود را بکار بردند تا انقلاب و جمهوری اسلامی را درهم شکنند. آنها در اجرای این نقشه همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی را آماج سخت‌ترین حملات خود قرار دادند. لاکن خط براندازی چنان که پیش‌بینی میشد اکنون با شکست سختی مواجه گردیده است از میان مجموعه نیروهایی که از این خط

حمایت می‌کردند قشرهای میانه‌حال و مرفه جامعه، به‌ویژه طیف وسیعی از اقشار روشنفکری که به کارهای بنی‌صدر، مجاهدین و دیگر چپ‌روها امید بسته بودند، اکنون باورشکستگی تاکتیک‌های براندازی در جستجوی راه‌های تازه‌ای در دفاع از منافع خود هستند. جریان‌های شبه‌مائوئیستی که تا همین چند وقت پیش، از تاکتیک‌های چپ‌روانه حمایت می‌کردند، اکنون با ورشکستگی این تاکتیک‌ها تجزیه می‌شوند. در این میان کسانی که به علت ناآگاهی بدین راه کشیده شده بودند با مشاهده واقعیات و استواری امام خمینی در مبارزه ضد-امپریالیستی و مردمی به اشتباه خود پی برده‌به اردوی انقلاب روی می‌آورند بخش دیگری از این نیروها که عمدتاً از اقشار میانه‌حال و مرفه بوروکراتیک و روشنفکری تشکیل شده‌اند زمانی که از تاکتیک‌های براندازی نومید می‌شوند، زمانی که جمهوری اسلامی ایران رو به تثبیت می‌رود دست از حمایت از تاکتیک‌های قهرآمیز نیز برمی‌دارند و به سوی اشکال مبارزه قانونی روی می‌آورند.

آنها در پیدایی یک جریان "معقول و میانه‌رو" بسیار بیسار دینفندند. جریانی که شعارهای ضدامپریالیستی و ضدبزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری را که خواسته‌هایی جز خواسته‌های ایشان را دنبال می‌کند، به فراموشی سپارد و شعارهایی در جهت کسب آزادی‌های لیبرالی و "امنیت شعلی" و از این قبیل را دروینترین قرارداد دهد. راه تعمیق انقلاب قبل از هر چیز راه تشدید و ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و کلان‌سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی است. و لازمه پیشرفت این مبارزه نزدیکی نیروهای راستین مدافع انقلاب و انفراد نیروهای دست راستی است، همان نیروهایی که هنوز هم روی سمت‌گیری حکومت قویا اعمال نفوذ می‌کنند و چنان که می‌بینیم نمی‌گذارند به نفع محرومان و زحمتکشان هیچ اقدامی شود.

اکنون نیروهای دست‌راستی روی هر اقدامی که نیروهای پیرو خط امام به نفع زحمتکشان انجام می‌دهند، برجسب کمونیستی یا برجسب غیرشرعی می‌زنند. آنها لبه تیز حمله خود را متوجه توده‌های و اکثریتی‌ها می‌کنند و از "خطر کمونیسم" دم می‌زنند. در شرایط فعلی بخش‌هایی از لایه‌های میانی و مرفه بوروکراتیک و روشنفکری در جبهه‌بندی جدیدی که شکل می‌گیرد بسیار بسیار دینفندند که با این نیروهای دست راستی همسو شوند، میان نیروهای مدافع خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی نفاق و چنددستگی بیندازند و از این طریق تا می‌توانند صف این نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری را تضعیف کنند.

اکنون که دارودسته بنی‌صدر، مجاهدین، اقلیت و متحدینشان شکست خورده‌اند نیروهای اجتماعی مدافع آنان قطعاً تجزیه می‌شوند. بخشی که به علت بغرنجی شرایط، ناآگاهانه بدین راه کشیده شده‌اند جای خالی خود را در اردوی نیروهای پیگیر مدافع انقلاب باز می‌یابند بسیاری که آملو آرزوهای اقشار میانه‌حال و مرفه بوروکراتیک و روشنفکری را می‌پذیرند منافع خود را در شکل‌گیری جریانی با مشخصات فوق که دست به "مبارزه قانونی" می‌زند جستجو می‌کنند. این اقشار بسیار بسیار مایل خواهند شد که در صورتی که کشتگر و هلیل رودی موفق شوند دسته‌ای درست کنند و در ادامه راهی که برگزیده‌اند اصرار ورزند سیاست آن را در راستای منافع واقعی خود بیابند. اگر چنین شود نیروهای دست‌راستی درون حاکمیت نیز کاملاً

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# الحاق بلندیهای جولان توسط اسرائیل یک تجاوز آشکار

## امپریالیستی - صهیونیستی است

حزب توده ایران تجاوز امپریالیستی - صهیونیستی را شدت و با خشم محکوم می کند و بار دیگر همبستگی خود را با خلق سوریه و همه خلق های عرب در مبارزه مشترک بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم سرکردگی آمریکا ابراز می دارد

نمی تواند بکند. تفرقه متحد آمریکا است. اتحاد نیروهای استقلال طلب، آزادی خواه، مترقی، عدالت خواه و صلح طلب - سلاح اطمینان بخش پیروزی بر امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا است.

حزب توده ایران، اقدام تجاوزکارانه و اشغالگرانه دولت صهیونیستی اسرائیل را به الحاق "رسمی" بلندی های جولان، هم صدا با تمام کشورهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جهان به شدت و با خشم محکوم می کند و بار دیگر همبستگی خود را با خلق سوریه و همه خلق های عرب در مبارزه مشترک بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا ابراز می دارد.

تردید نیست که این اقدام "رسمی" کمترین رسمیت و اعتباری ندارد و نمی تواند داشته باشد. ولی حزب توده ایران بر آنست که این اقدام تجاوز-کارانه، اشغالگرانه جنگ افروزانه، فراخوانی است به لزوم اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در سطح هر کشور، در سطح منطقه و در سطح جهان - که باید تحقق یابد، تا بتوان امپریالیسم هار و تجاوزگر آمریکا و متحدانش را مهار کرد و شکست تاریخی محتوم امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را به سرکردگی آمریکا تسریع و تامین نمود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۶۰/۹/۲۶

را، مانند همیشه، از دولت صهیونیستی اسرائیل اعلام می دارد. چنین روشی بار دیگر تمام خیانت و سالیسی امپریالیسم آمریکا را آشکار می کند.

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل به الحاق "رسمی" بلندی های اشغال شده جولان، آژیر خطر تجاوز نظامی دیگری به جمهوری اسلامی ایران نیز هست. این تجاوز می تواند، تجاوز آمریکا به "غیرمستقیم" دیگری از نوع تجاوز "صدامی" باشد و نیز می تواند تجاوز مستقیم آمریکا باشد. این تجاوز می تواند از مرزهای جنوب شرقی، شمال غربی و یا جنوب درگیرد. طرحها و مقدمات این تجاوز جدید فراهم شده است. خطر تجاوز نظامی جدید به ایران، خطری است جدی و باید آن را جدی گرفت.

یگانه سیاستی که می تواند بر این سیاست ماجراجویانه نظامی لگام زنده و آنرا عقیم کند، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در هر کشور، در منطقه و در سراسر جهان است. اگر نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی، قطع نظر از عقاید مسلکی، سیاسی و مذهبی، در هر کشور، در منطقه و در سراسر جهان بایکدیگر، فقط بر- مبنای موضع گیری علیه سلطه جوئی و جنگ افروزی امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا، به خاطر کسب و تامین استقلال خلق های هر کشور، حفظ و تضمین تمامیت ارضی هر کشور، حفظ و تامین صلح در هر منطقه و به مقیاس جهانی بایکدیگر متحد شوند، دست یگدیگرا در مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک - امپریالیسم و صهیونیسم به سر- کردگی آمریکا - بفشارند، از یکدیگر پشتیبانی و به یکدیگر کمک کنند، آن گاه آمریکا "هیچ غلطی

و عمل این نیروها در منطقه، تهیه انواع نقشه های تهاجمات نظامی و یا طرح های نظیر "کمپ- دیوید"، طرح "فهد" و غیره و غیره. هدف از این سیاست، که بر محور ماجراجویی نظامی تدوین و اجراء می شود، شکستن استقلال کشورهای مستقل (به ویژه و در درجه اول لیبی و سوریه) در منطقه، شکستن جنبشها و انقلاب های رهائی بخش (به ویژه در درجه اول انقلاب رهائی بخش فلسطین) در منطقه، شکستن انقلاب های پیروزمند (به ویژه و در درجه اول انقلاب های پیروزمند ایران و افغانستان) در منطقه است. امپریالیسم آمریکا این منطقه را به دلیل اهمیت آن از لحاظ نفت و به دلیل موقعیت مهم استراتژیک آن در پیکار استراتژیک علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، منطقه "حیاتی خود" و "متعلق" به خود می داند و در صدد استقرار سلطه بی چون و چرای خود بر- آنست. اسرائیل صهیونیستی، به عنوان دست مسلح آمریکا، سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خویش را در منطقه به اجراء می گذارد.

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل به الحاق بلندی های جولان، نیک نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا و "دست های مسلح او"، در بی اعتنائی و در شکستن تمام قوانین بین المللی تا چه حد بی- محابا و گستاخاند؛ نشان می دهد که ماجراجویی نظامی به سطح سیاست دولتی ایالات متحده آمریکا و دست یارانش ارتقاء یافته است.

شایان ذکر است که دولت آمریکا از یک طرف از این عمل تجاوزکارانه و اشغالگرانه دولت صهیونیستی اسرائیل به اصطلاح "ابراز تاسف" می کند و از طرف دیگر وهم زمان، پشتیبانی کامل خود

دولت صهیونیستی اسرائیل به دنبال یک جلسه چند ساعته "گنشت" (پارلمان اسرائیل) در روز ۲۴ آذر ۱۳۶۰، بلندی های اشغال شده جولان، متعلق به سوریه، را جزئی از خاک اسرائیل اعلام داشت. این اقدامی است خود سرانه، ناقص قوانین بین المللی، ناقص نص و روح منشور سازمان ملل متحد، ناقص قطعنامه های مصوب این سازمان در مورد اراضی اشغال شده کشورهای عربی، که در جنگ تجاوزکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل، به سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل درآمده اند. این یک اوباشگری تجاوزکارانه در سطح بین المللی است. این اقدامی علنا تحریک آمیز و آشکارا جنگ طلبانه است، با هدف برافروختن مجدد نافر جنگ در خاور میانه. این اقدامی است بیانگر سیاست توسعه- طلبانه و تجاوزکارانه اسرائیل. این یک ستیزه جویی علیه صلح بین المللی است.

تردید نیست که یک چنین اقدامی از سوی دولت صهیونیستی اسرائیل با مشورت قبلی و با تأیید پشتیبانی کامل دولت ایالات متحده آمریکا به عمل آمده است. این اقدام در حقیقت جزئی از سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه است، سیاستی که اجزاء دیگر آن عبارتست از تحریک و تهدید علیه لیبی، آتش افروزی مداوم در لبنان، تقویت مراکش بر ضد "پولیساریو"، تسلیح مصر و عربستان و سودان و کنیا و سومالی و ترکیه و پاکستان و دیگر دولت های دست نشانده منطقه، ضمن تقویت سلطه سیاسی - نظامی خود بر آن ها، ایجاد نیروهای "واکنش سریع" و تهیه تمام مقدمات لازم (پایگاه ها و انبارهای تسلیحات و تجهیزات) و مانورهای نظامی برای گسیل فوری

### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

بقیماز صفحه ۱۰

آماده اند که برای آنها دست تکان دهند و در گام های بعدی دست آنها را بفشارند.

کمیته مرکزی سازمان حداکثر تلاش مسئولانه خود را بکار برده و می برد که علی کشتگر، هلیل رودی و دیگر دوستان آن ها را از کشیده شدن به این انحراف راست روانه مانع شود. نمایندگان کمیته مرکزی از آخرین تماس های خود با طراحان این نقشه یکایک آنچه را که در فوق اشاره شد به آنها تذکر داده اند. ما به آنها گفته ایم ما توثیسم از پرخاش توخالی علیه امپریالیسم ضرورتا به دوستی صمیمانه با امپریالیسم کشیده می شود. ما به آنها صریحا تذکر داده ایم که عملشان و راهشان همان عمل و راه خلیل ملکی است. ما به آنها گفته ایم که چنانچه موفق شوند علیه سازمان دستهای درست کنند یقین بدانند که مظفر بقایی های امروزی همراهِ ایشان خواهند شد. ما به آنها صریحا گفته ایم و یقین داریم که این داوری ما درباره راهی که میروید با جنجال های ناهنجار و فریادهای مخالفت آمیز شما مواجه خواهد شد. اما به نیکی نیز یقین داریم که تاریخ و همه یاران راستین طبقه کارگر

اندازه که می توانید با کسانی که به اشتباه، تصمیم غلط می گیرند به بحث و گفتگوی رفیقانه بنشینید و دلایل نادرستی افکار و اقداماتی نظیر آنچه که کشتگر، هلیل رودی و سایرین در پیش گرفته اند را برای آنها صورانه توضیح دهید. و آنان را از عواقب این کار بیگانه کنید.

کمیته مرکزی سازمان برای همه شماره زندگان صدیق و فداکار و پیگیر انقلاب وحدت و هشیاری بیشتر، برای خلق قهرمانان در این پیکار سنگین انقلابی و ضد امپریالیستی و مردمی اش موفقیت و پیشرفت بازم بیشتر برای همه ملت های جهان صلح و دوستی و سعادت روز افزون آرزو می کند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۶۰

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، اعلامیه دیگری نیز درباره توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زیر عنوان: "هشدار می دهیم: خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدوران اش در کشورهای مجاوره میهن ما جدی است"، به تاریخ ۹/۲۸/۶۰ انتشار داده، که در شماره آینده به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

طراحان اصلی این اقدام وحدت شکنانه به این دعوت توجه نکنند از سازمان اخراج خواهند شد. پس از این مهلت بازم آغوش سازمان به روی کسانی که به عمق نادرستی اقدام خودی می برند و به سازمان شان باز می گردند، گشوده خواهد بود.

پیام کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به همه شما نیروهای انقلابی، به همه یاران صدیق خلق، به همه شما میهن دوستانی که برای پیروزی انقلاب می رزمید این است که صمیمانه و صادقانه بکوشیم در این شرایط خطیر که خلق قهرمان در سخت ترین پیکارهای تاریخ حیات خویش درگیر است، از هر نوع تفرقه و نفاق که مطمئنا خواست امپریالیسم و آرزوی دشمنان ماست، بپرهیزیم. وظیفه ماست که با هر اقدام وحدت شکن و دشمن شادکن با قاطعیت تمام مخالفت کنیم و رهروان آن را باروشنگری- های خلاق از ادامه راهی که می روند بر حذر

داریم. پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران آن است که صورانه سمت، آینده و عواقب این نوع حرکات وحدت ستیزانه را برای دوستانی که به علل مختلف ممکن است در دام این انحرافات گرفتار شوند توضیح دهید و آنها را از ادامه آن بر حذر دارید. بکوشید به هر

در هر کجا که باشند در این قضاوت با ما همراه و هم عقیده هستند و خواهند بود.

کمیته مرکزی سازمان صمیمانه امیدوار است که این تجربه های تلخ تکرار نشود و علی کشتگر و هلیل رودی و دیگر کسانی که دشمنی با سازمان ما و حزب توده ایران را دامن می زنند به عمق انحراف فکری خود پی برند و از راه بسیار خطرناکی که در پیش گرفته اند، بازگردند.

کمیته مرکزی سازمان با توجه به سوابق دکتر هلیل رودی امید زیادی ندارد که او مدافع واقعی انقلاب و رزمنده رهایی طبقه کارگر باشد لکن با کمال تاسف یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان به نام رفیق هبت الله معینی چاغروند هم به علت نارسایی های کارتشکیلات هم به علت اشتباهات بسیار مهملکی که مرتکب شده است در این اقدام سازمان شکنانه شریک گردیده و راه خویش را از یاران دیرینش جدا کرده است. کمیته مرکزی سازمان از رفیق معینی و سایر کسانی که عجلوانه تصمیم گرفته اند صمیمانه دعوت می کند که از طریق بازگشت به سازمانشان بر اشتباهات مهمل خود پیروز گردند. کمیته مرکزی سازمان از بیستم آذرماه ۱۳۶۰ به مدت یک هفته به کسانی که به این اقدام سازمان- شکنانه پیوسته اند مهلت داده است که به سازمان خود بازگردند. در پایان این مهلت چنانچه

لہستان را مانند خلق ما به خوبی درک کند. ضد انقلاب و اربابان آمریکائیش همه این روشها را درباره انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران به کار بسته و شکست خورده اند.

همه پرسشی را که ریگان برای لہستان پیشنهاد می کند، با همه پرسشی بنی صدر مقایسه کنند! چه قدر بیکدیگر شباهت دارند! و این شباهت نیز تعجب انگیز نیست، زیرا مبداء هر دو یکی است.

توانند با استفاده از حربه عوام فریبی و وعده های دروغین بخشی از زحمتکشان را برای مدتی کوتاه به دنبال خود بکشاند. در هیچ مرحله از تاریخ، در هیچ جا، ضد انقلاب جز با جلب بخشی از زحمتکشان به سوی خود نتوانسته است پیروز شود. شیلی بهترین نمونه این سیاست ضد انقلاب است. قاطعیت در برابر ضد انقلاب ناگزیر قاطعیت در برابر این بخش فریب خورده زحمتکشان نیز هست. به گمان ما هیچ خلقی نمی تواند حوادث

پس از سرکوب ضد انقلاب، با گام های بلند ترو پرشتاب تری به جلو خواهد رفت. اما درسی که باید از حوادث لہستان گرفت اینست که، نظام سرمایه داری مدت ها پس از هر انقلاب مردمی قابلیت زیست و بازگشت خود را حفظ می کند و اگر عوامل زاینده این نظام بجای بمانند، در شرایط معینی می توانند بار دیگر با کمک پشتیبانی دنیای سرمایه داری خارج رشد کنند و بحران هایی از این قبیل پدید آورند. نیروهای ضد انقلابی و هوادار بازگشت سرمایه داری می-

### تفسیر وقایع

بقیماز صفحه

اکتبر بارها درباره اتحاد شوروی و سپس سایر کشورهای سوسیالیستی (از جمله مجارستان و چکسلواکی) به کار بسته شده و هر بار به شکست انجامیده بود. هیچ تردیدی نمی توان داشت که لہستان سوسیالیستی نیز از این بحران بیرون خواهد آمد و چون دیگر کشورهای سوسیالیستی،

قانونی ولی...

بقیمت صفحه ۱
استبدادی و غارتگر و ازگون شده، لگد - مال شده بود.

نقض قوانین و ایجاد هرج و مرج باعث سلب امنیت و آرامش و آسودگی میشود.

از سوی دیگر، اگر ضد انقلاب بتواند از تدوین و تصویب قوانین انقلابی جلوگیری کند...

اهمیت فوق العاده تدوین و تصویب قوانین انقلابی، تسریع در تدوین و تصویب قوانین مهم انقلابی، در اینجا است.

پس در زمینه قانون و اجرای قانون، دو وظیفه هر دو دارای اهمیت فوق العاده و مکمل یکدیگر، در برابر حاکمیت انقلابی قرار دارد: تدوین و تصویب هر چه ممکن است سریعتر قوانین انقلابی، یعنی قوانینی که روح قانون اساسی در آنها دیده و کاملاً سازگار با یافته‌ها باشد...

انجام این هر دو وظیفه هم دشوار است و هم آسان. دشوار است برای این که ضد انقلاب، نه همیشه عنوان دشمن آشکار بلکه غالباً در لباس "دوست نادان" به اغلال در تدوین و تصویب قوانین انقلابی و در اجرای قوانین انقلابی عمل میکند.

طرح حمله...

بقیمت صفحه ۱
الطلی ویا در نظر گرفتن شور انقلابی مردم جانباز و ایثارگر ایران به خود اجازه حمله نظامی به ایران خواهد داد.

سیاسی موافق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبان خط امام از روی "عقیده" ممانعت بعمل میآورد، با آن کس که مفرضانه همین عمل را انجام میدهد، قابل تشخیص از یکدیگر نیستند.

ولی این دشواری را میتوان از پیش پای انقلاب برداشت، تا انجام وظیفه انقلابی، هم در زمینه تدوین و تصویب قوانین انقلابی و هم در زمینه اجرای قوانین انقلابی آسان شود.

در این دوران، هر کس که با اهداف انقلابی و بر خلاف و متناقض با اهداف انقلاب در آنها بگنجاند، باز در راه رسیدن بمقصود خود موفقیت حاصل کرده است.

در "حرف" هیچ معیاری نمیتوان یافت که به کمک آن بتوان مرز بین "دشمن نادان" و "دوست نادان" را به درستی یافت.

هر آنچه گفتیم، خلاصه کنیم: انقلاب را نباید خسته کرد. شعله شور انقلابی و امید انقلابی را باید همواره در مغز دل توده های میلیونی مردم فروزان نگاه داشت.

بگیرد، در هر حال ماحتی اگر یک قدر - صد احتمال دهیم که آمریکا ممکن است دست به یک حمله نظامی مستقیم و یا غیر مستقیم جدیدی بزند.

راد یومسکو، در تاریخ ۱۹ آذر به مناسبت ۲۵مین سالروز لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، گفتاری از پرفسور یوندا رفسکی دکتر علوم تاریخ سخن کرد.

لئونید برژنف در این سخنرانی به موضوع این بخش گفتار در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

لئونید برژنف در عرصه جهانی هم، ضمن کوشش در راه گسترش مناسبات با همه کشورهای، منجمله با جمهوری اسلامی ایران - کشور همسایه ما، از منافع حیاتی توده های زحمتکش بدون انحراف دفاع میکند.

تمام سیاست روسیه شوروی در مورد کشورهای خاور همچنان در نقطه مقابل سیاست خاوری دول امپریالیستی قرار دارد.

در اکتبر سال ۱۹۷۸، هنگامی که میلیونها زحمتکش ایرانی به روند انقلابی پیوسته بودند، لئونید برژنف با اظهار اطمینان گفت:

"هیچ تلاش امپریالیسم و ارتجاع قادر نیست جنبش آزادیخواهان ملت هائی را که میخواهند صاحب سرنوشت خود شوند، خفه کند."

لئونید برژنف در پیامی به نویسندگان کشورهای آسیا و آفریقا، که در تاشکند گرد آمده بودند، نوشت:

راد یومسکو: پیروزی انقلاب ایران مایه خشنودی میلیونها مردم شوروی و محافل ترقیخواه سراسر جهان شد

کفتار و کردار رهبران شوروی همیشه یکی است، و مردم ایران پس از این که امپریالیست های آمریکا در نوامبر سال ۱۹۷۸، بمخواستند سلطه خود را بر کشور شما از طریق مداخله مسلحانه مستقیم در امور ایران تسجیل کنند و نگذارند مردم ایران راه پیشرفت مستقل را در پیش گیرند، توانستند صحت این نکته را در باطن اتحاد شوروی در آن هنگام به تجاوز کاران آمریکائی اخطار کنند که چنین اقداماتی در مورد ایران جایز نیست.

اعلام میکند که با مداخله در امور داخلی ایران از خارج، به هر شکل و بهانه ای که باشد، مخالف است.

این نکته هم باید روشن باشد که هر گونه مداخله در امور ایران شوروی، همسایه دیوار به دیوار اتحاد شوروی است، علی الخصوص مداخله نظامی، به مثابه اقدامی که با منافع امنیتی اتحاد شوروی برخورد دارد، تلقی خواهد شد.

این اخطار جدی و قطعی رهبر شوروی در مقیم ماندن نقشه های محافل زامسدار آمریکا، که میکوشیدند از راه مداخله مسلحانه از سقوط رژیم خون آشام شاه جلوگیری کنند، نقش فوق العاده مهمی ایفا کرد.

مردم ایران رژیم سلطنتی را با قطعیت تمام رد کردند و هنگام همه پرسی یکدل و جان به طرفداری از تغییر رژیم دولتی سابق اظهار نظر کردند.

مردم ایران رژیم سلطنتی را با قطعیت تمام رد کردند و هنگام همه پرسی یکدل و جان به طرفداری از تغییر رژیم دولتی سابق اظهار نظر کردند.

چندین کت در الجزایر، کنستانتین در الجزایر، امسال ساختمان بیژده گانسون حرفه آموزی آغاز خواهد شد.

کمک کشورهای سوسیالیستی به احداث ثانوهای حرفه آموزی در الجزایر

۲۷۹ کانون حرفه آموزی با اهدات شود. کشورهای سوسیالیستی در تاهین این پروژه نقش مهمی بعهده دارند.

# تدارک تب آلود آمریکا

## برای سرنگون ساختن رژیم ضد امپریالیستی لیبی

دولت جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی خود را از لیبی در برابر توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم آمریکا اعلام داشت



ارتجاعی عرب وابسته به آمریکا) بغز م مابنی بر دست یازی به قدرت نظامی به دیده تردید خواهند نگریست . . . سعودی ها از ما میپرسند: ایالات متحده چگونه به کمک آنها خواهد آمد ، در حالیکه اکنون تمایلی به مقابله با قاتل تروریست و مهاجمی شناخته شده نشان نمی دهد ؟

روشن است که دولت ریگان نمی تواند بیش از این چنین پرسشهایی را بی پاسخ بگذارد .

خبر ، ریگان هم اکنون پاسخ گوئی خود را آغاز کرده است .

به گزارش خبرگزاری ها ، یک سخنگوی "کاخ سفید" امکان مداخله نظامی را در لیبی نفی نکرده است . کاسپار و این برگر در لندن اعلام داشته است که "ناوگان ششم" آمریکا در مدیترانه حاضر است ، تا برای تخلیه پرسنل آمریکائی به سواحل لیبی برود . به گزارش شبکه تلویزیونی "ان بی سی" ، "کاخ سفید" ستاد ویژه ای برای "مراقبت نزدیک" بر اوضاع لیبی تشکیل داده است . هیچ در بروکسل به هم تا های اروپائی با ختری خود گفت که ، "واشینگتن" قصد تحریم اقتصادی لیبی را دارد و از آنها طلبید که در این زمینه از آمریکا پشتیبانی کنند .

اما چنانکه قذافی رهبر لیبی ، در مصاحبه اخیر خود با تلویزیون "ای بی سی" ، آمریکا ، بار دیگر یاد آور گشت :

"لیبی هیچگاه تسلیم فشار ایالات متحده برای سیادت بر دیگر کشورها نخواهد شد ."

لیبی میتواند برای مقابله با تحریکات و تجاوزات شیطانسی امپریالیسم آمریکا ، متحدان و دستیاران ارتجاعی آن به پشتیبانی و همبستگی کشورهای ضد امپریالیستی ، به ویژه کشورهای سوسیالیستی ، و همه نیروهای مترقی و دمکراتیک جهان متکی و امیدوار باشد .

در این زمینه ، باید یاد آور شد که ، در پی رفتار هشیارانه و مدبرانه دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر دسیسه هواپیمارسانی چند روز پیش آقای میرحسین موسوی ، نخست وزیر ، در موضعگیری پیرامون گسترش تحریکات دولت ریگان علیه لیبی اظهار داشت :

"من حمایت جمهوری اسلامی ایران را از کشور برادر لیبی اعلام میکنم و ما آماده ایم که کارشناسان نفتی خود را به این کشور اعزام کنیم ."

دوران اخیر تنها آن اندازه نفت استخراج میکرد ، که زئرتورهایش از کار نیفتد . در واقع ، دولت آمریکا از شش ماه پیش شرکت های نفتی آمریکا را زیر فشار قرار داده بود ، که لیبی را ترک گویند .

به نوشته "نیوزویک" ( ۹ آذر ۳۰/۶۰ نوامبر ۸۱ ) ، که تخلیه ۲۰۰۰ کارشناس نفت آمریکا را قبیل از اعلام تصمیم ریگان پیش بینی کرده بود ، مقامات آمریکا امیدوارند که بدینسان "صنعت نفت لیبی را ، که ۷۰ درصد وابسته به تکنولوژی و پرسنل ایالات متحده است فلج سازند ."

برای وقوف به بعد دسیسه های واشینگتن علیه لیبی به چند "پیش بینی" دیگر "نیوزویک" ( ۹ آذر ۳۰/۶۰ نوامبر ۸۱ ) گوش فرادهیم :

"پیشنهاد رویارویی با قذافی که بزودی تسلیم ریگان خواهد شد ، قرار های سریعی را در بر نمی گیرد . حمله نظامی نقشه ای دور مدت است ، گر چه ممکنست "ناوگان ششم" مجبور گردد ، تا در فوریه برای مانورهای تجاوز آمیز تریه خلیج مورد مشاجره سدر باز گردد "سیا" "کنگره" را از امکان تدارک کودتایی علیه قذافی آگاه ساخته است . اما چنین کودتایی در حال حاضر موفقیت چندانی نخواهد داشت . علاوه بر کار آبی فوق العاده دستگاه امنیتی لیبی ، که آلمان شرقی آنرا کارگردانی میکند ایوز بیسون سیاسی معتبری در این کشور وجود ندارد و جنبش مهاجران لیبیائی نیز از یکپارچگی برخوردار نیست .

"نیوزویک" ادامه میدهد ، "فزون بر این ، ایالات متحده آمریکا احتمالاً به گسیل "تیم های اطلاعاتی" برای آگاهی از کوشش های پنهانی رخنه گزانه و خرابکارانه قذافی به لیبی اقدام خواهد کرد . سرانجام ، دولت همچنین در صورت ترور یکی از مقامات بلند پایه آمریکا ، تدابیری اضطراری اندیشیده است . ( این تدابیر ) از جمله بیمارانی یک یا چند اردوگاه آموزش های تروریستی چهارده گانه لیبی را به وسیله بمباران های "بی - ۵۲" در بر می گیرد ."

"بسیاری از مقامات بلند پایه از جمله هیگ ، معتقدند که چنانچه "واشینگتن" به ماجراجویی قذافی پایان نبخشد ، اعتماد به اراده آمریکا در گوشه های آرام تر جهان متزلزل خواهد شد . یک مقام رسمی دولت ایالات متحده گفته است :

"اگر کشوری ضعیف چون لیبی هر چه دلش خواهد ، بتواند بکند بقیه جهان عرب (بخوان : کشورهای

"معصومانه" می نالد : "بدی ترور آنست که غیر قانونی است ، ما راه ردیف او (قذافی) می کند و حاکی از آن خواهد بود که ما چنان ضعیف هستیم ، که تنها به حربه های خود او میتوانیم دست بیاوریم " (همانجا) . بیچاره "سیا" ، که هیچ وقت دست به "ترور غیر قانونی" در ایران ، کوبا ، شیلی ، سوریه ، السالوادور ، و . . . دست نزده است و نمی زند ! اما بد نیست اینرا هم از "نیوزویک" بشنویم :

"با اینهمه مقامات (آمریکائی) آشکارا اعتراف می کنند که از کشتن قذافی بدست کسی دیگر غرق شادمانی خواهند شد . حداقل یکی از درونیان دولت (آمریکا) در ارتباط مستقیم با مهاجران لیبیایی در اروپای غربی بوده است ، که قصد براندازی قذافی را دارند . بدینسان معنای "ترور قانونی" را هم فهمیدیم . "سیا" دست پاک خود را بخون قذافی "آلوده" نمی کند ، بلکه هفت تیر بدست "لیبیائی" ها می دهد که این "وظیفه" را برای آن به انجام برسانند . و بعد هم از خوشحالی قاه قاه میخندد . البته میان این "ترور ملی" و آن "تروریسم بین المللی" ، که گویا قذافی بدان دست میزند ، از زمین تا آسمان فرق است !

معمر قذافی در مصاحبه پیشگفته با "کوریرادلا سرا" ، در قبال اتهام تروریسم بین المللی از سوی "واشینگتن" گفت :

"ما همیشه میان "سازمان آزادی بخش فلسطین" و دیگر جنبش های آزاد بخش ملی ، که ما از آنها پشتیبانی می کنیم و سازمان های تروریستی ، چون بریگادهای "سرخ" در ایتالیا ، فرق می گذاریم ."

آری ، همبستگی بیدریغ لیبی از جنبش های آزادی بخش جهان از جمله "سازمان آزادی بخش فلسطین" ، که سازمان ملل متحد نیز آنرا به رسمیت شناخته ، ولی بزعم "واشینگتن" سازمانی "تروریستی" است - برای "کاخ سفید" به معنای پشتیبانی از "تروریسم بین المللی" است . ضمناً ریگان "فراموش کرده است که این خود لیبی بوده است ، که از سازمان ملل متحد خواستار بزرگاری کنفرانسی ویژه برای مقابله با تروریسم راستین شده است ."

دسیسه های "واشینگتن" علیه لیبی ، فزون بر "ترور قانونی و ملی" ، "تروریسم اقتصادی" را نیز در بر می گیرد . تصمیم ریگان به فرا خواندن اتباع آمریکائی از لیبی هدفی جز ضربزدن به اقتصاد و به ویژه صنایع نفت این کشور ، ندارد . پیش درآمد این تصمیم خروج "اکسون" از لیبی و کم کاری "موبیل" بود . ( این شرکت در

توانی "مخالف رژیم است . مبالغه گوئی خبر پردازان "سیا" درباره "توطئه" قتل رئیس جمهور "به راستی باور نکردنی است . آنها از قول یکی از دستیاران ریگان خبر دادند : "برای نخستین بار جان بلند - پایه ترین مقامات حکومتی در معرض تهدید قرار دارد ."

این دروغگویان فراموش کار گویا بکلی طومار دراز سوء قصد ها و قتل های سیاسی پیشرفته ترین "کشور سرمایه داری جهان" از جمله کوشش نافرجام ترور خود ریگان را از یاد برده اند ! تا آنجا که مایباید داریم ، تقریباً همه ضاربین و قاتلین خون آمریکائی در رگ داشته اند . مقامات لیبی ، از جمله خبر گزاری رسمی این کشور و معمر قذافی بارها شایعه "سیا" پرداخته ترور ریگان و دیگر زمامداران "واشینگتن" را تکذیب کرده اند . خبرگزاری لیبی این گونه گزارش ها را بدرستی "حلقه ای دیگر از زنجیره" کارزار ضد لیبی آمریکا خواند و قذافی همین چند روز پیش در مصاحبه ای با "کوریرادلا سرا" (ایتالیا) به نیویوه خود "سازمان جاسوسی آمریکا" را متهم ساخت ، که در صدور ترور اوست .

فزون بر این ، خود رسانه های گروهی ایالات متحده ، آمریکا بارها اعتراف کرده اند که رژیم آمریکادری ترور قذافی است و یا لاقال از قتل او خشنود خواهد بود .

یادآور می شویم که چند هفته قبل از استعقای "هیوجل" ، معاون عملیات سری "سیا" ، و حملات برخی از جناح های متنفذ هیئت حاکمه آمریکا به "ویلیام کیسی" رئیس "سیا" ، فاش شده که "هیوجل" نقشه ای گسترده ، چند مرحله ای و پرهزینه برای نابودی قذافی و سرنگونی رژیم لیبی تهیه دیده بود ، که علیرغم مظلوم نمایی دیگران ، به تأیید "کیسی" و "کاخ سفید" نیز رسیده بود (یکی از علل مهم استعقای "هیوجل" افشای این توطئه براندازی و کوشش برای "درز گرفتن" آن بود) .

"نیوزویک" در شماره ۱۲ مرداد ۶۰ خود هدف از این نقشه را "برکناری قطعی قذافی از قدرت" این هفته نامه در آن هنگام افزود : "اعضای کمیسیون مجلس نمایندگان در امور جاسوسی ، که نقشه نامبرده را از نظر گذراندند ، معتقدند که این به معنای قتل قذافی بود ."

اما حال "مقامات ایالات متحده" ادعا دارند که : "حتی یک لحظه به پاسخگویی به سناریوهای قتل معمر قذافی نیندیشیده اند . " ( "نیوزویک" ۹ آذر ۶۰ / ۳۰ نوامبر ۸۱ ) و یکی از دستیاران ریگان وینی صدر هم درست همین ها را می گفت ، یا همین ها را تکرار می کرد ، بی جهت نبود که روزنامه "میزان" هر روز از قول کسی از خدمات "رئیس جمهور منتخب مردم" "سپاسگزاری می کرد ، و لیبرالها ، برسم آن دوران که برای صادق قطب زاده طومار تهیه می کردند ، برای بنی صدر هم "قدردانی نامه" جمع میکردند . بنی صدر هم در برابر دست این هم پیمانان عزیز را هر روز گرمتر از روز پیش می فشرد . احمد غضنفریور ، معاونت سیاست مسلمان نما ، در "انقلاب اسلامی" از "القائد ثولوزی" و "التقاط

بگزارش خبرگزاری ها ، دولت ریگان سفر اتباع آمریکائی را به لیبی ممنوع کرده و شهروندان خود را در لیبی فراخوانده است ، تا آن کشور را بنیدرنگ ترک گویند . بدینسان توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری ضد امپریالیستی لیبی به اوج تازه ای می رسد .

تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه لیبی پدیده ای جدید نیست و تاریخچه طولانی دارد ( "اتحاد مردم" از جمله در شماره ۹۴ خود برخی از این تحریکات را بر شمرد ) . آنچه به تحولات اخیر در این زمینه ویژگی می بخشد ، ابعاد خطرناکی است که این دسیسه ها در راستای به مخاطره انداختن صلح و امنیت منطقه و شاید جهان بدان دست یافته است .

لیبی پس از پیش درآمد تبلیغاتی گسترده ، مبتذل و ریاکارانه برداشته شد هفته ها بود که "سیا" صفحات رسانه های گروهی آمریکا و دیگر کشورهای غربی را از اخبار افسانه گونه درباره به اصطلاح نقشه ترور ریگان از سوی قذافی پر می کرد . بر پایه این گزارش های "سیا" ساخته ، پنج تروریست ، که گویا در لیبی آموزش دیده اند ، برای کشتن رئیس جمهور و چند تن از دستیارانش در ایالات متحده بصری برند !

۹ آذر ۶۰ ( ۳۰ نوامبر ۸۱ ) نوشت : "دولت (ریگان) ، بر پایه خبر - های دستگاه های اطلاعاتی ، اطمینان یافته است که تهدید حقیقی است و تدابیر امنیتی خود را پیرامون رئیس جمهور و دیگر هدف های بالقوه شدت بخشیده است . . ."

اما دنباله همین جمله بالا ، مقاصد "حقیقی" "سیا" و "نیوزویک" را لو می دهد : "از اینرو (دولت ریگان) تکمیل نقشه تهدید سیاسی ، اقتصادی و احیاناً نظامی را علیه قذافی آغاز کرده است . البته خود این هفته نامه چندین ماه پیش (۱۲ مرداد ۶۰) معترف شده بود که "سیا" نقشه "برکناری قطعی قذافی از قدرت" را کشیده است و از همانندی این نقشه با "کارزارهای کلاسیک ایجاد عدم ثبات" سخن رانده بود . به نوشته "نیوزویک" ( ۱۲ مرداد ۶۰ ) ، نقشه نامبرده از سه جز تشکیل می شود : (۱) "برنامه" پخش اطلاعات نادرست ، (۲) ایجاد یک "ضد دولت" برای مقابله با "ادعای" (قذافی) مبنی بر بدست داشتن رهبری ملی ، (۳) گسترش کارزاری شبه نظامی . . . بدست ناراضیان (از رژیم) ، انفجار پلها ، عملیات پارتیزانی محدود" برای اثبات این امر ، که "نیروی سیاسی پر-

### متحدان بنی صدر . . .

بقیه از صفحه دهند . . . " (اول دی ۵۹ - میزان) و بعد هم اینکه : " . . . تا منظور از سیستم تک حزبی غیر از این است که همچون اتحاد شوروی یا سایر کشورهای کمونیستی اقلیت ناچیزی کلیه مواضع قدرت را در دست گرفته و اکثریت مردم را به حساب نیاورند ؟ . . . " ( ۱۱ اسفند ۵۹ - میزان )

### دستبرد . . .

بقیه از صفحه در حالیکه بسیاری از متخصصین آمریکائی بیکارند ، کارشناسان کشورها ی رشد یابنده بکار گرفته می شوند . "دستبرد به مغزها" در دو دهه اخیر به یکی از متداول ترین شیوه های نو استعماری بدل گردیده است . بدین ترتیب ، کشورهای رشد یابنده نه تنها از نظر مادی ، بلکه همچنین از حیث معنوی و فرهنگی هر چه بیشتر به استثمار کشورهای سرمایه داری درمی آیند .

در عقاید پیروان و باران نزدیک امام سخن می گفت و روزنامه "میزان" هم از "تضاد خصمانه و تخریب به شیوه" مارکسیستی . . . " ( ۹ بهمن - میزان ) حرف می زد و بالاخره سرمایه داری لیبرال ایران از طریق ارگان خود اعلام می کرد که می خواهند انقلاب ایران را از انقلاب اسلامی به انقلاب مارکسیستی تبدیل کنند . ( میزان - ۱۶ فروردین ۱۳۶۰ )

و به این ترتیب ، سرمایه داری لیبرال ایران بنویسه خود صحنه را آماده

# سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه داری

## بخش دوم: نقش اقتصادی دولت انقلابی و لزوم مداخله آن در زمینه تولید کشاورزی

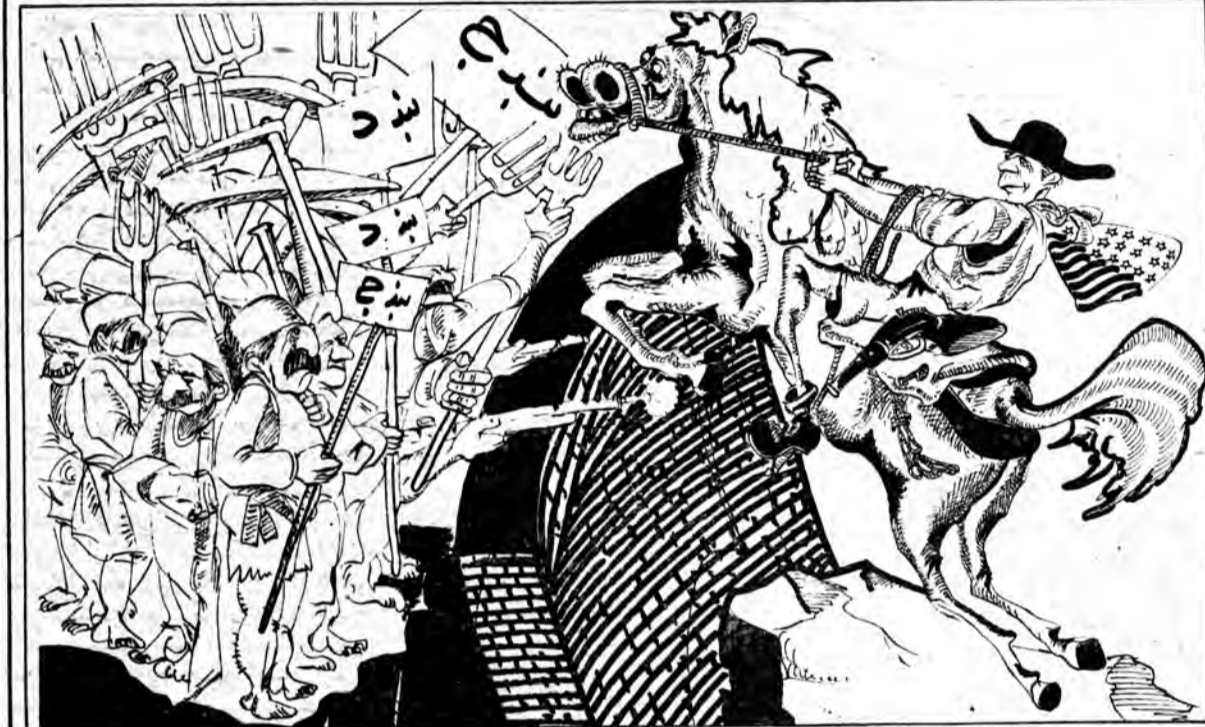
چنانکه در بخش اول توصیف شد، پیشرفت مستقل و همه جانبه اجتماعی - اقتصادی به صورت رشد غیر سرمایه داری، در آن دسته از کشورهای آسیای شرقی و آفریقا و آمریکای لاتین تحقق می یابد که جنبش رهایی بخش بتواند حاکمیت سیاسی کشور را از سلطه امپریالیستی نجات دهد و، ضمناً در قبال ادامه جنبش و آینده کشور، بر گرایش "رفورمیستی" و "لیبرالی" که خواهان انحصار فزاینده امپریالیستی و پیروی از نظام سرمایه داری است، غلبه کند. این قبیل کشورها، با قطع نفوذ غارتگران انحصارات، با محور قدرت سیاسی و اقتصادی ملاکان و سرمایه داران بزرگ، با آزاد ساختن بخش عمده صنایع و کشاورزی و بازگانی از جنگل طبقات و قشرهای استثمارگر، با قطع ریشه های وابستگی به امپریالیسم، با استفاده از شرایطی که در عصر حاضر بر اثر تغییر تناسب قوا بفرمان آرد و گاه امپریالیستی و متحدان آن و به سود جنبه جهانی ضد-امپریالیستی به وجود آمده است - در درجه اول با بهره گیری از توان عظیم اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کشورهای سوسیالیستی - بر خوردار از دیگر امکانات مساعد جهان امروز، یک مرحله گذار را در راستای پیشرفت مستقل و همه جانبه می گذرانند. طی این مرحله، اگر نیروهای امپریالیستی و وابستگان داخلی آنها و عوامل بازدارنده چنانکه پس از ناصرد مصر موفق شدند - نتوانند مرحله گذار را قطع کنند، واپس ماندگی اجتماعی و اقتصادی و موانع عمده اعتلای کشور بر طرف میگردد و مبنای ضرور برای تحولات عالی تر، از جمله در زمینه بنیه مالی و پایه های فنی و سازمانی، بی ریزی می شود.

نخستین شرط عبور موفقیت آمیز از مرحله گذار وجود دولت انقلابی است که، هم بخواند و هم بتواند، از راه ورسم نظام سرمایه داری کناره جویی کند. دولت مرحله گذار موظف است که با تغییرات عمیق در عرصه های گوناگون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی که از لحاظ ماهیت و نتایج یکسای با تدابیر "رفورمیستی" منسوب به محافل سرمایه داری مغایرت دارد، به نوسازی انقلابی کشور بپردازد. چنین دولتی که دارای سرشتی ضد امپریالیستی است و از غصب و غارت طبقات و قشرهای استثمارگر ممانعت میکند، پایگاه اجتماعی وسیعی در بین توده های مردم کشور به دست می آورد، که در اکثریت قاطع خود زحمتمندان روستایی و شهری اند، کارگران رشته های صنعت و کشاورزی، دهقانان، پیشه وران، انواع تولید کنندگان خرده پا، کسبه و بازرگانان کوچک، روشنفکران و کارمندان مشتاق استقلال و پیشرفت کشور از دولت انقلابی در مقابل انواع توطئه های براندازی دفاع می کنند و در راه وظایف نوسازی پشتیبان میشوند.

چنانکه امروزه، در بین دولت های به اصطلاح "جهان سوم"، تعدادی نظیر سوریه، لیبی، الجزایر، آنگولا و غیره، بر خوردار از پشتیبانی توده های وسیع مردم، و وظایف پراهمیتی در عرصه های گوناگون نوسازی انقلابی کشور، مخصوصاً از لحاظ اقتصادی به عهده دارند و از جمله در زمینه جامعه روستایی و تولید کشاورزی، تدابیری منطبق با هدف های عمومی اقتصادی و سیاسی راه رشد غیر سرمایه داری به کار بسته اند. این

بیماری های دامی، مسئله شیلات و مسائل دیگر هم دخالت دولت را، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاست عمومی کشور، الزامی می کند.

امروزه دیگر شکی نیست که تولید کشاورزی در هر کشور به مجموعه حمایت اقتصادی و به وضع اجتماعی و سیاسی کشور وابستگی دارد. مثلاً، وابستگی تولید در بخش کشاورزی و بخش صنعت، هم به لحاظ انواع کودهای شیمیایی و ابزار و ماشین های کشاورزی مورد لزوم در امور زراعی و هم به لحاظ صنایعی نظیر نساجی کتسرو و انواع مواد غذایی، اعم از زراعی و دامی، و دخانیات و داروسازی، که تا مین مواد اولیه آنها غالباً به عهده کشاورزی قرار دارد، بر هیچ کس پوشیده نیست. این وابستگی در مورد صنعت



کلی دگرگون میکند و منظره دلنشینی منزه از ظلم و استثمار برای کار و زندگی زحمتکش روستایی سازد.

در زمینه تولید کشاورزی، الزامات دیگری هم مزید بر آنچه گفته شد ضرورت نقش اقتصادی دولت را به چند دلیل تشدید می کند: یکی آنکه قسمت اعظم کشورهای به اصطلاح جهان سوم، که مقوله رشد غیر سرمایه داری به آنها مربوط می شود، در مناطقی قرار دارند که مسئله آب رسانی به اراضی زراعی از جمله مسائل عمده کشاورزی است. این مسئله در این مناطق فقط در صورت مشارکت فعالانه دولت حل میشود. ساختمان انواع سد، کانال کشی، ایجاد شبکه های آبرسانی و این قبیل تاسیسات چنان است که جز با تمرکز قوا و استفاده از دستاوردهای پیشرفته علمی و فنی به تحقق نمی رسد. البته گاهی سیستم های سنتی آبرسانی در این کشورها، نظیر قنات، هنوز هم کم و بیش قابلیت سودمندی خود را در این یا آن منطقه همین حفظ کرده اند، ولی حتی استفاده از این سنت ها هم، اگر بخواهد در ابعاد وسیع و به صورت کار ساز تحقق پیدا کند، به دخالت و مشارکت دولت نیازمند است.

تولید کشاورزی به ملاحظه جنبه های نظیر مبارزه با آفات، تهیه بذر و نهال مرغوب، تولید کود، ایجاد کارخانه های سازنده ماشین های کشاورزی اصلاح نژاد دامها و طیور، مبارزه با

ادامه دارد.

یکی دیگر از اجزای نظام آموزش و پرورش در کامبوجیا در حدود ۱۰۰ نهاد پیش از دبستان (مهدکودک و کودکستان) است، که در حدود ۸۲۰۰ کودک را دربر می گیرد.

در این میان، مدارس عالی پزشکی، داروسازی و تربیت معلم کامبوجیا، بار دیگر گشایش یافته است. همچنین کتابخانه ملی کامبوجیا، که زمانی یکی از بزرگترین کتابخانه های آسیا به شمار میرفت، فعالیت خود را از سر گرفت.

این قبیل امور، به شرط قبول نظارت همه جانبه دولتی و رعایت حقوق کارگران و کارمندان خود، در نوسازی و رشد اقتصادی کشور نقش موثری ایفاء کند، تا وقتی که در چنین راستائی قرار دارد از ترغیب و تشویق دولت انقلابی در مرحله گذار برخوردار شود. منتهی "قدر نسبی" بخش خصوصی (در مقایسه با بخش دولتی) رفته رفته کم می شود و در حالیکه ممکن است به لحاظ "قدر مطلق" فزونی پیدا کند، ولی از وزن و اهمیت آن در مجموع اقتصاد کشور می کاهد.

در کشورهایی که راه رشد غیر سرمایه داری را پیش گرفته اند، فعالیت اقتصادی دولت در درجه اول شامل مواضع کلیدی اقتصاد است، که با وسعت گرفتن تدریجی دامنه برنامه ها و تأثیر فزاینده بر روابط مبادله و توزیع کالا بر بازتاب اجتماعی و سیاسی اثر می افزاید. چنین فعالیتی به دولت مرحله گذار امکان میدهد که در تحکیم سیاست مستقل اقتصادی و روبروئی با انواع توطئه های امپریالیستی قدرتمندتر شود و ساختارهای کهنه و ظالمانه اجتماعی را آسان تر متلاشی کند و ساختارهای نوینی به اقتضای رشد همه جانبه مستقل ایجاد نماید. از این تولید کشاورزی و در عرصه جامعه روستایی، که معمولاً بیشتر از جامعه شهری در غل و زنجیر ساختارهای قرون وسطایی

دولت ها، بر حسب آنکه در نخستین مراتب رشد غیر سرمایه داری باشند و یا در مراتب پیشرفته تر، کم و بیش در اجرای وظایف خود به موفقیت های مهمی دست یافته اند، که به موقع از آنها صحبت خواهد شد. ولی قبلاً باید از لزوم و اهمیت ایفای نقش انقلابی دولت مرحله گذار و دخالت آن در زمینه های اقتصادی و اجتماعی صحبت کرد.

به خوبی پیداست که مقوله رشد غیر سرمایه داری مربوط به کشورهای عقب است که شالوده های اقتصادی عقب مانده ای دارند. طبیعتاً چنین شالوده هایی به منزله میراث تاریخی از حاکمیت تحت سلطه امپریالیسم برای دولت های انقلابی باقی میماند. در این قبیل کشورها سطح نازل نیروهای مولده در صنایع و کشاورزی، همراه با روابط تولیدی ماقبل سرمایه داری و گاه روابط سرمایه داری نارسیده و یا ترکیبی از آنها، مانعی به صورت انواع و اقسام مانده های پیشرفت همه جانبه اجتماعی و اقتصادی ایجاد می کند، که ضعف بنیه مالی و کمبودهای فنی و سازمانی از آن جمله اند. در حالیکه پیشرفت اقتصادی به معنی کامل خود در زمینه صنایع و معادن، تولید کشاورزی، حمل و نقل، بازرگانی و بقیه بخش های اقتصادی محتاج استفاده از دستاوردهای جدید علمی و بسج پیشرفت های فنی است، که در عصر حاضر ابعاد عظیمی پیدا کرده اند و استفاده از آنها، در عین حفظ استقلال کشور، فقط در صورت تراکم بنیه مالی انسانی و فنی مقدور میشود. کاری که در کشورهای مورد نظر جز با تمرکز کردن بخش عمده قوای فنی اقتصادی در دست دولت انقلابی غیر ممکن است، یعنی به هیچ روی نمی توان در این کشورها نقش فعالیت های اقتصادی دولت را در چارچوب تنگی محدود کرد که مثلاً دولت های اروپائی صرف نظر از شکل حکومتشان - در قرون هجده و نوزده و قبل از ورود نظام سرمایه داری به مرحله امپریالیستی در چنان چهارچوبی قرار داشتند. در آن زمان، دولت های سرمایه داری جوان در اروپا به منظور بازگذاشتن دست و پنجه سرمایه داران نواخته در استثمار زحمتکشان و امکان دادن به رشد بی بند و بار بخش خصوصی، از اینجا دوگسترش بخش دولتی در اقتصاد ظفره می رفتند. در حالیکه اکنون، در اقتصاد کشور - هایی که راه رشد غیر سرمایه داری را پیش گرفته اند، بخش دولتی، به مثابه بکرکن اساسی و پیش ساز اقتصادی، نقش مهمی به عهده دارد و به رشد اقتصاد در راستای منافع عمومی مردم کشور - که طبیعتاً بازتاب سیاسی هم خواهد داشت - به صورت فوق العاده موثری کمک میکند.

در رشد غیر سرمایه داری، با ملی کردن مؤسسات سرمایه انحصاری جهانی بزرگ و شرکتها و بنگاهها و واحدهای بزرگ تولیدی در رشته های صنعت و کشاورزی و حمل و نقل و با مصادره املاک و اموال خوانین و ملاکان و سرمایه داران بزرگ خودی و بیگانه و کهنه و نو و با اختصاص سرمایه های که از در-

### کامبوجیا پیش به سوی ریشه کن کردن بسوادی

دولت کامبوجیا آن است که هر چه زودتر آموزش ده کلاس اجباری گردد. تا کنون ۲۲ هزار معلم کار خود را از سر گرفته اند. در سال گذشته ۱/۳ میلیون دختر و پسر کامبوجیایی در ۴۳۰ مدرسه ابتدائی و متوسطه این کشور درس می خواندند. در حدود ۴۰۰ هزار کامبوجیایی در سراسر کامبوجیا در دوره های سواد آموزی

### در آغاز دوران دهشتناک نزدیک به چهار سال حکمرانی پول بوت و دارو - دستش بر کامبوجیا همه مدارس و نهاد های آموزشی این کشور بسته شد. بدین ترتیب، کامبوجیا در آن دوران تنها

کشوری بود، که در آن از مدرسه خبری نبود. مدارس به زندان و شکنجه گاه تبدیل شدند و بیش از نیمی از استادان، آموزگاران، دبیران و دانش آموزان و دانشجویان به قتل رسیدند. حکومت مردمی کامبوجیا، پس از

پیروزی نخستین فعالیت های بازسازانه خود را در آموزش و پرورش آغاز کرد. در پائیز ۱۳۵۸ کلاس اول دبستان ها گشایش یافت. اکنون همه کودکان کامبوجیایی از آموزش رایگان بهره مند می شوند. در سال تحصیلی ۱۳۵۹/۶۰ مدارس متوسطه (تا کلاس هفتم) نیز در سراسر کامبوجیا دایر بودند. هدف

### مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

• رئیس مجلس: هیچ راهی جز مقاومت سرسختانه نظامی، سیاسی و اقتصادی علیه اسرائیل و آمریکا وجود ندارد.

• نخست وزیر: اسرائیل خواه این تصمیم (اشغال بلندیهای جولان) را می‌گرفت یا نمی‌گرفت، در ماهیت تجاوزه کارانه اش اهداف درازمدتش خیلی هم فرق نمی‌داشت.

• فواد کرمی: دیپلماسی ایران نتوانسته رابطه دوستی با کشورهای دوست انقلاب ایران، چون کشورهای لیبی، سوریه، کره شمالی و ویتنام و هند برقرار سازد.

• محسن رهایی، آنچنان که تا بحال شایسته ملت بوده است، نتوانستیم خدمت کنیم.

در باره استخدام افرادی برای دفاع از بیانیه الحزب مطرح گردید، که پس از سخنان موافق و مخالف و توضیحات آقای بهزاد نبوی نخست کلیات و سپس جزئیات این لایحه از تصویب مجلس گذشت.

## توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در شرف تکوین است

ایران از کشور برادر لیبی در برابر توطئه‌ها حمایت می‌کند

دومین جلسه علنی مجلس روز سه شنبه هفته گذشته تشکیل شد. در این جلسه در مورد وزارت آقایان ولایتی و ناطق نوری رای گیری بعمل آمد و در نتیجه آنان به ترتیب، به وزارت خارجه و کشور انتخاب شدند.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه آقای صادق گوی خلیلی نماینده مردم خلخال بود. وی در مورد توطئه‌ای که از سوی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران در شرف تکوین است، گفت:

"شیطان بزرگی به دست و پا افتاده است و با اعزام جاسوس حیاپنکار خود هیگ و فیلیپ حبیب به خاورمیانه و با مانور ستاره درخشان، توطئه دیگری را علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک می‌بیند. من از طرف خلق شهید پرور ایران به همسایگان ایران هشدار می‌دهم: سادا گول این هنرپیشه شیطان بسوزی را بخورید و به سرنوشت صدام دچار شوید!"

ناطق همچنین ابراز اطمینان کرد که ایران از کشور برادر لیبی در برابر توطئه‌هایی که علیه آن در جریان است، حمایت خواهد کرد. دومین ناطق پیش از دستور این جلسه،

هفته گذشته مجلس شورای اسلامی ۲ جلسه علنی داشت. در این جلسات مجلس به آقایان ولایتی و ناطق نوری برای تصدی وزارت امور خارجه و کشور رای اعتماد داد. در هفته گذشته حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس تصدیق کرد که هیچ راهی جز مقاومت نظامی سیاسی و اقتصادی با آمریکا و اسرائیل باقی نمانده است. آقای گوی خلیلی نیز در مورد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که در شرف تکوین است هشدار داد.

مجلس شورای اسلامی در اولین جلسه هفته گذشته خود که بر ماست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، لایحه دو فوریتی دولت درباره استخدام افرادی برای دفاع از بیانیه الحزب را تصویب کرد. در این جلسه همچنین نامه آقای موسوی نخست وزیر درباره معرفی آقای دکتر ولایتی به سمت وزیر امور خارجه و آقای ناطق نوری به سمت وزیر کشور جهت اخذ رای اعتماد، مطرح شد.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه سید محمد احمدی کاشانی نماینده مردم همدان بود. ناطق ضمن محکوم کردن ترور آیت الله دستغیب، یادآور شد که بنگونه اعمال ملت برای مبارزه با آمریکا محسوم تر خواهد بود. ناطق ضمن اشاره به ۲ نوع جنگ یکی ظالمانه و دیگری رهاشی-بخش و عادلانه، دفاع مردم قهرمان ایران در مقابل متجاوزین صدامی را ستود و خاطر نشان ساخت که مردم ایران برای حفظ تمامیت ارضی کشور خود و شکست متجاوزین صدامی مصمم اند. پس از پایان سخنان سید از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خصوص دو واقعه اخیر هفته گذشته - شهادت آیت الله دستغیب و پیروزیهای اخیر ایران در جبهه های جنوب غرب کشور - و ارتباط آنها با یکدیگر مطالبی بیان داشت. رئیس مجلس در مورد ارتباط این دو واقعه چنین گفت:

"صد انقلاب و دشمنان برای پوشاندن آن بیروزی و از رمق انداختن تبلیغات، ناچار شدند چنین استخاری (به نهادت رساندن آیت الله دستغیب) کنند. رئیس مجلس با اشاره به این نکته که بنگونه اعمال صدام انقلابی در سرنوشت انقلاب تاثیر مثبت و در سرنوشت صدام انقلاب تاثیر منفی خواهد گذاشت، گفت:

"من فکر نمی‌کنم آنها بتوانند احمق باشند که فهمند که اس حرکتها حرکت مقصد برای آنها نیست. اس راهی می‌بندد، بلکه جنون و عکس العمل‌های بی حساب و بازتاب‌های نوکر صفتانه و حقید و کینه نسبت به انقلاب و عصیانیت نسبت به مردمی که هر لحظه حضورشان را در صحنه نشان می‌دهند، اینها را وادار می‌کند که خودشان را دیوانه وار اسحوری به مواج حروشان سانسده تاریخ بدهند و احمق تر از آنها آن حریان عظیم جهانی که خودشان را با آنها می‌خواهند به کشور ما تحمیل کنند"

پس از پایان سخنان رئیس مجلس و مطرح شدن پیشنهاد های برخی نمایندگان، مجلس وارد دستور شد و لایحه دو فوریتی دولت

اسلام و خلق عرب وارد پرده دری می‌شود، که این جسارت قابل قبول نیست و بایست در مقابل آن ایستاد."

رئیس مجلس همچنین گفت که:

"طرح فهد شکست می‌خورد و آمریکا برای

دلگرمی اسرائیل با او پیمان استراتژیک اعلام می‌کند و این چراغ سبزی است به اسرائیل و کشور های با صلااح اسلامی."

رئیس مجلس آنگاه به نقش کشور های عربستان و کویت بویژه در اجلاس اخیر اویب اشاره کرد و یادآور شد که:

"فشار عربستان و کویت برای اربان کردن قیمت نفت چه بود؟ این اقدام غیر از دهن کجی صریح به ملت‌ها و استقبال از اعلام وحدت استراتژیک اسرائیل و آمریکا هیچ چیز نیست."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس خاطر نشان ساخت که:

"همه اینها برای این است که دولت جمهوری اسلامی ایران را مشغول کند، سوریه عزیز را تنها بگذارند و لیبی مقاوم را تحت فشار قرار دهند. ما بار دیگر حرف همیشه خود را به دنیای اسلام تکرار می‌کنیم که "همچرا لیبی جز مقاومت سرسختانه نظامی، سیاسی و اقتصادی علیه اسرائیل و آمریکا وجود ندارد"

پس از آن مجلس وارد دستور شد و پیشنهاد نخست وزیر درباره آقایان ولایتی و ناطق نوری برای احراز پست‌های امور خارجه و کشور مطرح گشت. نخست آقای موسوی مطالبی بیان داشت و سپس نمایندگان مخالف و موافق سخن گفتند. فواد کرمی در مقام مخالفت با دکتر ولایتی ضمن اشاره به این نکته که تا کنون دیپلماسی ایران سسته رابطه دوستی با کشورهای هند، کره شمالی و ویتنام برقرار سازد، گفت:

"ما باید وزیری را انتخاب کنیم که در مورد سوریه و کره و لیبی شناخت اجمالی داشته باشد و پیوندهایی با کشورهای دوست انقلاب داشته باشد. با آقای ولایتی مقداری صحبت کنید، ببینید چه پیوندهایی با این کشورها دارند و می‌توانند داشته باشند، در حالی که این کشورها، کشورهای دوست ما هستند."

آنگاه در این باره رای گیری بعمل آمد و در نتیجه وزارت کشور آقای ناطق نوری با ۱۷۴ رای موافق، عرای مخالف و ۶ رای متمنع و وزارت خارجه آقای دکتر ولایتی با ۱۵۵ رای موافق، ۱۹ رای مخالف و ۱۲ رای متمنع تصویب شد.

در این جلسه همچنین آقای میرحسین موسوی نخست وزیر به بیان موضع ایران در قبال اقدام پارلمان اسرائیل پرداخت. نخست وزیر از جمله یادآور شد که:

"اسرائیل خواه این تصمیم را می‌گرفت یا نمی‌گرفت، در ماهیت تجاوزه کارانه اش اهداف درازمدتش خیلی هم فرق نمی‌داشت. ولی این تصمیم منطقه را در مقابل این واقعیت قرار خواهد داد، که اسرائیل همان است که در سال ۱۹۴۸ شناخته بودند و هیچ فرقی نکرده و نخواهد کرد."

در پایان این جلسه لایحه قرارداد همکاری مابین شیلات جنوب ایران و جمهوری دیمکراتیک خلق کره مطرح شد که پس از سخنان مخالف و موافق کلیات این لایحه به تصویب رسید.

### روزند احیای سوسیالیستی ادامه خواهد یافت

روزنامه نیمه دولتی "نشنال - هرالد" هند نوشت:

"دولت آمریکا از یک سوبه کشورهای دیگر آخطار می‌دهد که در امور داخلی لهستان دخالت نکنند و از سوی دیگر سیاسی شیطنت آمیز و مزورانه را در قبال این کشور پیش گرفته است. آمریکا در واقع به سرنوشت لهستان ابدی علاقمند نیست، بلکه از رویدادهای لهستان تنها برای توطئه‌گری تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه اتحاد شوروی و دیگر اعضای پیمان ورشو استفاده میکند."

ریموند پالوخ، مدیر "اتحادیه لهستانی‌های مقیم آمریکا علیه تبعیض، در واشنگتن به خبرنگار روزنامه "ایزو-ستیا" گفت که:

"آمریکایی‌های لهستانی الاصل دخالت آمریکا را در امور داخلی لهستان محکوم ساخته‌اند. وی خاطر نشان ساخت:

"لهستانی‌های مقیم آمریکا در زمینه کارآموزش و پرورش مورد تبعیض قرار می‌گیرند. علاوه بر این، برنامه درس زبان لهستانی در مدارس آمریکا محدود شده است."

### دسیسه کودتای...

وضع لهستان زوبه بهبود است

به گزارش خبرنگاری لهستان در روز پنج شنبه ۲۶ آذر ۶۰ (۱۷ دسامبر ۸۱) "اوضاع در بیشتر نقاط لهستان رو به بهبود است. در مناطق ساحلی دریای بالتیک و برخی نقاط دیگر از تشنج کاسته شده است. واحدهای ارتشی و میلیس با برخی از عناصری که قصد تحریک به اعتصاب را داشتند، به مقابله برخاستند. ارتش و میلیس از پشتیبانی فزاینده کارگران برخوردار می‌شوند، که در بسیاری موارد خود دسیسه‌های تحریک کنندگان را عقیم گذاشتند."

یک سخنگوی وزارت خارجه گفت:

"اکسون کارگران دیگر مانند چند روز پیش زیر فشار "همبستگی" نیستند. کارگران در برابر تحریک کنندگان به اعتصاب ایستادگی می‌کنند."

بگزارش برادریول لهستان، ماجولسکی، سرکرده ضد انقلابیون "ک. و. و. س. ک. ر. و. ر." که قصد فرار را داشت، دستگیر شد.

اسناد افشاگر

در این میان روزنامه‌های "زول -

و اسلوبیک اعضای خود را فراخواندند تا از نقض حکومت نظامی جلوگیری کنند.

سیاست مزورانه آمریکا

روزنامه نیمه دولتی "نشنال - هرالد" هند نوشت:

"دولت آمریکا از یک سوبه کشورهای دیگر آخطار می‌دهد که در امور داخلی لهستان دخالت نکنند و از سوی دیگر سیاسی شیطنت آمیز و مزورانه را در قبال این کشور پیش گرفته است. آمریکا در واقع به سرنوشت لهستان ابدی علاقمند نیست، بلکه از رویدادهای لهستان تنها برای توطئه‌گری تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه اتحاد شوروی و دیگر اعضای پیمان ورشو استفاده میکند."

ریموند پالوخ، مدیر "اتحادیه لهستانی‌های مقیم آمریکا علیه تبعیض، در واشنگتن به خبرنگار روزنامه "ایزو-ستیا" گفت که:

"آمریکایی‌های لهستانی الاصل دخالت آمریکا را در امور داخلی لهستان محکوم ساخته‌اند. وی خاطر نشان ساخت:

"لهستانی‌های مقیم آمریکا در زمینه کارآموزش و پرورش مورد تبعیض قرار می‌گیرند. علاوه بر این، برنامه درس زبان لهستانی در مدارس آمریکا محدود شده است."

### روزند احیای سوسیالیستی ادامه خواهد یافت

روزنامه نیمه دولتی "نشنال - هرالد" هند نوشت:

"دولت آمریکا از یک سوبه کشورهای دیگر آخطار می‌دهد که در امور داخلی لهستان دخالت نکنند و از سوی دیگر سیاسی شیطنت آمیز و مزورانه را در قبال این کشور پیش گرفته است. آمریکا در واقع به سرنوشت لهستان ابدی علاقمند نیست، بلکه از رویدادهای لهستان تنها برای توطئه‌گری تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه اتحاد شوروی و دیگر اعضای پیمان ورشو استفاده میکند."

ریموند پالوخ، مدیر "اتحادیه لهستانی‌های مقیم آمریکا علیه تبعیض، در واشنگتن به خبرنگار روزنامه "ایزو-ستیا" گفت که:

"آمریکایی‌های لهستانی الاصل دخالت آمریکا را در امور داخلی لهستان محکوم ساخته‌اند. وی خاطر نشان ساخت:

"لهستانی‌های مقیم آمریکا در زمینه کارآموزش و پرورش مورد تبعیض قرار می‌گیرند. علاوه بر این، برنامه درس زبان لهستانی در مدارس آمریکا محدود شده است."

### روزند احیای سوسیالیستی ادامه خواهد یافت

روزنامه نیمه دولتی "نشنال - هرالد" هند نوشت:

"دولت آمریکا از یک سوبه کشورهای دیگر آخطار می‌دهد که در امور داخلی لهستان دخالت نکنند و از سوی دیگر سیاسی شیطنت آمیز و مزورانه را در قبال این کشور پیش گرفته است. آمریکا در واقع به سرنوشت لهستان ابدی علاقمند نیست، بلکه از رویدادهای لهستان تنها برای توطئه‌گری تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه اتحاد شوروی و دیگر اعضای پیمان ورشو استفاده میکند."

ریموند پالوخ، مدیر "اتحادیه لهستانی‌های مقیم آمریکا علیه تبعیض، در واشنگتن به خبرنگار روزنامه "ایزو-ستیا" گفت که:

"آمریکایی‌های لهستانی الاصل دخالت آمریکا را در امور داخلی لهستان محکوم ساخته‌اند. وی خاطر نشان ساخت:

"لهستانی‌های مقیم آمریکا در زمینه کارآموزش و پرورش مورد تبعیض قرار می‌گیرند. علاوه بر این، برنامه درس زبان لهستانی در مدارس آمریکا محدود شده است."

وقایع مهم جهان در یک هفته

باتشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی"

در پی تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" در ایران

رویکشیه ۲۲ آذر ۶۰ (۱۳ دسامبر ۸۱) ویتسج یاروزلسکی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، نخست وزیر و وزیر دفاع ملی "جمهوری خلق لهستان"، در پیامی رادیویی خطاب به مردم لهستان برقراری حکومت نظامی را در لهستان اعلام کرد.

وی گفت: "دولت در نتیجه خطر فوری، که کشور را تهدید می‌کند و به علت اقدامات مسئولیت‌شناسانه عناصر افراطی "همیستکی"، که آشکارا در صدد احراز قدرت بودند، این گام را برمی‌دارد."

به ماجراجویان باید دستبند زد

یاروزلسکی ادامه داد: "به ماجراجویان، پیش از آن که کشور را به ورطه جنگ برادر کشی بکشانند، باید دستبند زد."

نخست وزیر لهستان تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" و انتصاب کمیسهایی را برای نظارت بر نهادهای دولتی اعلام کرد. به گفته یاروزلسکی، این کمیسهها حق دارند کارمندان را که از انجام وظیفه خودداری می‌ورزند، برکنار سازند.

یاروزلسکی گفت: "شورای نظامی رستگاری ملی" جایگزین نهادهای قانون اساسی نخواهد شد. تنها وظیفه آن حفاظت از قانون و تضمین برقراری نظم و انضباط است. بدین ترتیب، خواهیم توانست کشور را از بحران و فروپاشی رهایی بخشیم."

به گفته نخست وزیر لهستان، تصمیم گرفته شده است که "رهبران افراطی همیستکی"، اعضای گروهک های ضد سوسیالیستی غیرقانونی و مستولان بحران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی لهستان منفرده گردند."

ژنرال یاروزلسکی خاطر نشان ساخت: "شورای نظامی" تامین شرایط مبارزه بیرحمانه با جنایتکاری را فراهم خواهد کرد. دادگاههای فوری جانیان را در اولویت کار خود قرار خواهند داد. کسانی که به احتکار سودجویانه دست می‌زنند، از طرق غیرقانونی ثروت می‌اندوزند و محل نظم عمومی هستند، دستگیر و به شدت مجازات خواهند شد."

دولت لهستان هنوز هوادار "جبهه توافق ملی" است

بگفته نخست وزیر لهستان، حزب و دولت "کماکان هوادار ایجاد یک "جبهه توافق ملی" هستند، که همه مبین دوستان را برای نجات لهستان دربرگیرد."

یاروزلسکی همگان را فراخواند، تا در راه برقراری آرامش عمومی و بازگشت اقتصاد ملی به شرایط عادی و استقرار اعتماد و احترام به نهادهای دولتی بکوشند. وی همچنین از اعضای "حزب متحد کارگری لهستان" خواست، تا صفوف خود را متحدتر سازند، زیرا که حزب نیروی راهنمای جامعه است و پیوسته در راه تحکیم و ادامه ساختمان سوسیالیسم در کشور می‌رزد."

ویتسج یاروزلسکی ادامه داد: "باید از بدتر شدن مواضع لهستان در صحنه بین المللی جلوگیری کرد."

لهستان

سوسیالیستی باقی خواهد ماند

ژنرال یاروزلسکی خطاب به کشور-های سوسیالیستی گفت:

"مردم لهستان برای دوستی و کمکهای برادرانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی ارج فراوان قائلند. همپیمانی اتحاد شوروی و لهستان سنگ پایه منافع خلق لهستان و وثیقه نقض ناپذیری مرزهای لهستان باقی خواهد ماند. لهستان کماکان حلقه ای وفادار در "پیمان ورشو" و جامعه کشورهای سوسیالیستی خواهد بود."

نخست وزیر لهستان در پایان سخنان خود از جامعه بین المللی خواست، تا "اوضاع فوق العاده ای را که در لهستان پدید آمده است و تدابیر فوق العاده ای را، که می‌باید اتخاذ می‌شد، درک کند."

وی گفت: "اقدامات ما هیچ کس را تهدید نمی‌کند و تنها هدف آنها مقابله با خطر داخلی است."

مقررات حکومت نظامی

"پاپ"، خبرگزاری لهستان روز یکشنبه ۲۲ آذر ۶۰ (۱۳ دسامبر ۸۱) خبر داد که "شورای نظامی رستگاری

ملی"، "کمیته دفاع" و نهادهای دولتی در چارچوب مقررات زمان جنگ تدابیر گوناگونی درباره حفاظت از ادارات، کارخانهها و افراد اختیار کرده اند.

به موجب فرمانی، مقررات حکومت نظامی در گستره راه آهن، ترابری میان شهری، معادن، نیروگاهها، دوب آهن، کارخانههای شیمیایی، پستخانهها، مخایرات، رادیو-تلویزیون و بنادر برقرار شد. کارمندان این موسسات به عنوان افراد نظامی محسوب می‌گردند. کسانی که از رفتن به سرکار سرباز زند، طبق قوانین جنایی، محاکمه خواهند شد.

بر پایه این گزارش، "اوضاع لهستان رفته رفته به حالت عادی بازمی‌گردد. در ورشو ترابری شهری دایر و دکانها باز است. اوضاع سراسر کشور بطور کلی آرام است. با اینهمه، برخی از تحریک کنندگان "ک.و.س. لهستان آزاد" و دیگر گروهکهای ضد انقلابی کوشیدند تا به موسسات صنعتی رخنه کنند و دست به خرابکاری بزنند."

توطئه براندازی رژیم عقیم ماند

"تریبونالودو" نوشت: "مقامات و نیروهای مسلح هنگامی به اعلام شرایط حکومت نظامی دست یازیدند، که اوضاع فوق العاده خطرناک می‌شد و دشمنان سوسیالیسم آشکارا اقدامات براندازانه خود را آغاز کرده بودند."

به گزارش "ژول نژوول نوستی": "این گام سیاسی بخاطر خطر فوری ضد انقلاب برداشته شد، که درصد سرنگونی رژیم سوسیالیستی و براندازی حکومت مردمی لهستان بود." "تاس" خبرگزاری اتحاد شوروی اعلام داشت: "اقدامات دولت لهستان مسئله داخلی آن کشور است. تعبیر برخی از محافل غربی را تنها می‌توان بمثابة کوشش برای مداخله در اموری بشمار آورد، که فقط در حیطه صلاحیت خود لهستانی‌هاست."

"تاس" افزود: "این دیگر رازی آشکار است که هدف دشمنان سوسیالیسم در لهستان، سرنگونی رژیم موجود است. آنها عمادانه بروخامت اوضاع می‌افزایند و با ویران سازی اقتصادی استقلال

لهستان را به حطرمی‌افکنند. این نیروها همچنین همه کوشش خود را برای خلل وارد آوردن بر دوستی برادرانه میان خلقهای لهستان و شوروی بکار بردند. آنها برنامه‌های ضد انقلابی را عنوان کردند، با اقدامات خود لهستان را با خطری مستقیم مواجه ساختند و با حمله به "پیمان ورشو" منافع امنیتی همه متحدان لهستان را به خطر انداختند"

رهبری شوروی بدقت رویدادهای

درون و پیرامون لهستان را دنبال می‌کند

"تاس" ادامه داد: "تصادفی نیست که دشمنان لهستان مستقل و سوسیالیستی در داخل کشور از پشتیبانی محافل خارجی معینی در غرب برخوردار می‌شدند. "تاس" وظیفه دارد، اعلام کند که رهبری شوروی و همه مردم این کشور به دقت رویدادهای درون و پیرامون لهستان را دنبال می‌نمایند. آنها از این گفته و ویتسج یاروزلسکی استقبال می‌کنند که، هم-پیمانی اتحاد شوروی-لهستان سنگ پایه امنیت ملی لهستان و وثیقه نقض ناپذیری مرزهای آن و خود لهستان حلقه ای گسسته ناپذیر در "سازمان پیمان ورشو" و جامعه کشورهای سوسیالیستی بوده است و خواهد بود. مردم شوروی خواهان موفقیت خلق کشور برادر، لهستان، در راه غلبه بر وظایف دشوار کثونی هستند."

روز دوشنبه ۲۳ آذر ۶۰ (۱۴ دسامبر ۸۱) "شورای نظامی رستگاری ملی" برای بررسی اوضاع کشور تشکیل جلسه داد. این جلسه، که یاروزلسکی ریاست آنرا بر عهده داشت، وظایف جاری دولت را مشخص کرد. در مصاحبه مطبوعاتی، که روز دوشنبه در وزارت خارجه برگزار شد، سخنگوی دولت گفت که علت برقراری حکومت نظامی خطر فوری ضد انقلاب بود، که قصد براندازی سیستم سوسیالیستی را داشت. وی گفت که: "اوضاع لهستان نسبتا آرام است و با چند روز پیش قابل مقایسه نیست." به گزارش رسانه‌های گروهی لهستان اکثریت نام لهستانی‌ها به فراخوان یاروزلسکی پاسخ مثبت داده اند. در فرانسه پیرمورا، نخست وزیر

این کشور گفت که به عقیده دولت فرانسه: "اقدامات دولت لهستان از حیظه حاکمیت آن تجاوز نمی‌کند". برونو کرایسکی، صدراعظم اتریش، برقراری حکومت نظامی را "گامی برای پیشگیری از یک فاجعه" خواند. وزیر خارجه بلژیک گفت: "اوضاع لهستان وخیم است. ولی دلیلی برای مداخله از خارج نیست."

مداخله گستاخانه "تاس"

در این میان "شورای ناتو" اجلاسی فوق العاده برای بررسی اوضاع لهستان برگزار کرد. این گام را تنها می‌توان کوشش برای مداخله آشکار در امور داخلی لهستان خواند.

روز سه شنبه ۲۴ آذر ۶۰ (۱۵ دسامبر ۸۱)، خبرگزاری "پاپ" گزارش داد که اوضاع لهستان به طور کلی آرام است. بر پایه این گزارش راه آهن، صنایع و ترابری شهری در شرایط عادی کار می‌کنند. اما در برخی جاها ضد انقلابیون "ک.و.س." و "ک.و.ر." به ایجاد تشنج دست زدند. با تحریک کنتگان طبق مقررات حکومت نظامی عمل خواهد شد."

"تاس"، خبرگزاری شوروی، از ایالات متحده آمریکا به خاطر مداخله در امور داخلی لهستان انتقاد کرد. یک مفسر "تاس" در این زمینه یادآور شد که هیچکس، وزیر خارجه آمریکا، خواهان اعمال فشار اقتصادی بر لهستان گردیده است. وی هدف از این اقدام را کوشش برای "تاثیر گذاشتن بر روند رویدادهای لهستان در جهت منافع آمریکا" خواند. هیچ گفته بود که وا-گذاری مواد غذایی به لهستان بستگی به اوضاع آن کشور دارد.

به گزارش "تاس": "یک مقام بلند پایه وزارت خارجه آمریکا به خبرنگاران گفته است که، چنانچه رهبران لهستان خواست‌های نیروهای مخالف دولت را رد کنند، ایالات متحده به تحریم اقتصادی و دیپلماتیک آن کشور دست خواهد زد. در حالی که هدف از این خواست‌ها چیزی جز براندازی نظام سوسیالیستی نیست."

"تاس" این گونه گزارش‌ها را "مداخله آشکار در امور داخلی لهستان" خواند. بقیه در صفحه ۱۵

"شورای امنیت" تصمیم "تل آویو" را درباره انضمام بلندیهای جولان نامعتبر خواند

نامعتبر خواند

متحده به اسرائیل اجازه داده است که بلندی‌های جولان را ضمیمه خاک خود سازد."

نمایندگان ۹۰ کشور غیر متعهد در سازمان ملل متحد پشتیبانی کامل خود را از سوره اعلام داشتند. در جلسه "شورای امنیت سازمان ملل متحد"، که به درخواست سوریه بر-گزارش، اولگ ترایانوفسکی، نماینده اتحاد شوروی گفت:

"دعای بیشترانه اسرائیل نسبت به سرزمین‌های سوریه یکی از پیامد های قرارداد جداگانه "کمپ دیوید" با مصر است، که زیر نظر ایالات متحده امضا شد."

ترایانوفسکی افزود: "در صورتی که اسرائیل تصمیم خود را درباره ضمیمه سازی بلندی‌های جولان تغییر ندهد، "شورای امنیت" باید مسئله تحریم اسرائیل را مورد توجه جدی قرار دهد."

دولت اسرائیل قانونی از "کنشت" گذراند که بر پایه آن، این کشور بلندی های جولان را بخشی از خاک خود اعلام داشت. این بلندی‌ها را، که متعلق به سوریه است، صهیونیست‌های اسرائیل در جنگ تابستان ۱۳۴۶ اشغال کردند. نماینده ناظر "جامعه عرب" در سازمان ملل متحد این تجاوز را "فراورده قرارداد استراتژیک میان ایالات متحده و اسرائیل" خواند.

دولت سوریه اقدام غیرقانونی اسرائیل را "حنگ اعلام نشده" علیه سوریه نامید و افزود که خود را دیگر موظف به رعایت قرارداد آتش بس نمی‌بیند. دولت سوریه خواستار بر-گزاری جلسه فوق العاده "شورای امنیت" برای مجازات اسرائیل شد. شاذلی قلیبی، دبیر کل "جامعه عرب"، گفت: "پشتیبانی بی دریغ ایالات

کمک اتحاد شوروی به نیکاراگوئه گسترش خواهد یافت

در مسکو بیان آدره کرومیکو، وزیر خارجه شوروی، و میکل دسکونو، همتای نیکاراگوئه‌ای، و گفتگوها بی صورت گرفت. وزیر خارجه نیکاراگوئه از اتحاد شوروی دیدار رسمی بعمل آورد.

دو وزیر خارجه به بررسی مناسبات میان دو کشور و مسائل بین المللی، از جمله خلع سلاح و تنش زدایی، پرداختند. آنها تاکید کردند که، همه کشورها، از جمله در آمریکای مرکزی و کارائیب، حق دارند که بدون دخالت از خارج درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند.

میکل دسکونو همچنین از تیخونوف، نخست وزیر اتحاد شوروی، دیدار کرد. تیخونوف همیستکی مردم شوروی را بانیکاراگوئه اعلام داشت، که به اصلاحات بنیادی سیاسی-اقتصادی دست زده است. وی آمادگی اتحاد شوروی را برای همکاری بیشتر بانیکاراگوئه ابراز کرد.

در بیانیه‌ای، که در پایان سفر رسمی وزیر خارجه نیکاراگوئه منتشر شد آمده است که اتحاد شوروی از کوشش‌های دولت نیکاراگوئه برای عادی سازی شرایط پیرامون نیکاراگوئه و تامین پیشرفت صلح آمیز این کشور پشتیبانی می‌کند.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ا. م. به آ دین) آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی صندوق پستی ۱۱۷/۱۱۴